

NEUES TESTAMENT

Die Gute Nachricht

**NEW (7)
NOUVEAU
TESTAMENT
IN**

**PERSIAN
FARSI**

IRANIAN

VII

PERSAN

PERSISCHE

کتاب

پیمان تازه

خداوند وراننده ما

عیسی مسیح

که از لسان اصلی یونانی

بفارسی

ترجمه کرده

افضل الفضلا المسيحيه

هنری مارتین کشیس انگلیسی ایست

که در دار السلطنت لندن محروسه

باعانت مجمع مشهور به بیبل سوسیته

کرت سیم بدار الطباعه بنده کمترین رچارد واطس

انگلیسی مطبوع گردید

۱۸۳۷

مسیحیه

THE
NEW TESTAMENT

OF
OUR LORD AND SAVIOUR

JESUS CHRIST

TRANSLATED FROM THE ORIGINAL GREEK,
INTO PERSIAN,

BY THE
REV. HENRY MARTYN, B.D.

FOURTH EDITION.

LONDON:
PRINTED BY RICHARD WATTS,
FOR THE BRITISH AND FOREIGN BIBLE SOCIETY,
IN THE YEAR
1837.

فهرست این کتاب مقدس

<p>503 . رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان .</p> <p>507 . رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>516 . رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس . . .</p> <p>522 . رسالهٔ پولس بتیتوس</p> <p>526 . رسالهٔ پولس بفلیمون</p> <p>528 . رسالهٔ پولس بعبریآن</p> <p>552 . رسالهٔ عام یعقوب حواری</p> <p>561 . رسالهٔ عام اول پطرس حواری</p> <p>570 . رسالهٔ عام دویم پطرس حواری</p> <p>576 . رسالهٔ عام اول یوحناي حواری</p> <p>585 . رسالهٔ عام ثاني یوحناي حواری</p> <p>586 . رسالهٔ عام سیم یوحناي حواری</p> <p>587 . رسالهٔ عام یهوداي حواری</p> <p>590 . کتاب مکاشفات یوحناي الهی</p>	<p>انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ 1</p> <p>انجیل مرقس 83</p> <p>انجیل لوقا 135</p> <p>انجیل یوحنا 221</p> <p>کتاب اعمال حواریان 288</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل روم 371</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس 405</p> <p>رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس 437</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بکلتیان 459</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بافسسیان 470</p> <p>رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی 481</p> <p>رسالهٔ پولس حواری بقلسیان 489</p> <p>رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان 496</p>
---	---

- کند این را که نظر بوخت مسیح عیسی با یکدیگر یک اندیشه
- ۶ باشید * تا که بیک جان و یک زبان خدا و پدر خداوند ما عیسی
- ۷ مسیح را تعظیم نمائید * پس شما یکدیگر را به پذیرید چنانچه مسیح ما را
- ۸ در جلال خدا راه داده است * چنانچه عیسی مسیح خادم اهل
- خسته شد. جهت راستی خدا تا که وعده‌های که به پدران شده بود
- ۹ ثابت کرواند * و تا آنکه قبایل بسبب رحمت خدا را تعظیم
- نمایند چنانچه نوشته شده است که من جهت آن بتو در میان
- ۱۰ قبایل اقرار خواهم کرد و باسم تو تسبیح خواهم خواند * و باز می
- ۱۱ فرماید که ای قبایل سرور باشید با قوم او * و نیز سپاس کنید
- ۱۲ خدا را ای همگی طوایف و ستایش نمائید ای همگی قبایل * و باز
- اشعه میگوید بیخ پسا خواهد ماند و کسی بر میخیزد که مسلط شود بر
- ۱۳ قبایل و بوی قبایل امیدواری خواهند یافت * و خدا که اصل
- امید است شمارا از کمال سرور و آرام در ایمان مملو کرواند تا
- ۱۴ در امیدواری افزوده شوید در قوت روح القدس * و من خود
- یقین دارم ای برادران که شما خود از خوبیها پر میباشید و از
- ۱۵ هرگونه معرفتی مملو و قادر بر آنید که یکدیگر را نصیحت نمائید * لیکن
- من کافذ مختصری بی تکلفانه بشما نوشتم که شمارا یاد آوری نمایم
- ۱۶ بعزت توفیقی که خدا بمن داده است * تا که من در میان
- قبایل کماشته عیسی مسیح باشم یعنی ملازمت مژده خدا را نمایم و تا
- ۱۸ آنکه هدیه قبایل مقبول شود که به روح القدس مشرف گردد * پس
- مراست تفاخر بعیسی مسیح در کارهای خدائی * زیرا که مرا آن
- جرات نیست که تکلم نمایم جز آنچه مسیح بوساطت من برای

- ۱۹ اطاعت قبایل امر کرده است قولاً و فعلاً * باظهار آن قوت
بر امور عجیب و غریب بقوت روح خدا بحدی که از اورشلیم
۲۰ دور زده تا به الرقون بهر جا مژده مسیح را با تمام رسانیدیم * و خوانان
این عرت بودم که در جائیکه اسم مسیح نبود خبر با تحویل وهم تا
۲۱ که بر اساس غیر می عمارت نه نمایم * بلکه آن شود که نوشته شده
است که آنکسانی که خبرش با آنها نرسیده است خواهند دید
۲۲ و آنهایی که نشنیده اند خواهند فهمید * از برای این بکرات از
۲۳ آمدن نرد شما باز ماندم * لیکن حال چون در این حدود دیگر
جائی باقی نیست و آرزوی آمدن بنزد شما را از سالهای بسیار
۲۴ دارم * چون با سپانیه میروم بنزد شما خواهم آمد زیرا که امیدوارم
که در عبور شما را ملاقات نمایم و از شما بدرقه یابم بعد از آنکه
۲۵ قدری از ملاقات شما سیر شوم * اکنون بجهت خدمت نمودن
۲۶ مقدسان باورشلیم می روم * زیرا که اهل مقدونیه و اثنائیرا
چنین بخاطر رسید که قدری بدل کنند بجهت مفلسان از
۲۷ مقدسانی که در اورشلیم میباشند * و ایشان خود راضی شدند
هر چند بده کاران ایشان میباشند زیرا که چون قبایل در
روحانیت شریک ایشان گشتند آنها را نیز باید که در جسمانیات
۲۸ ایشانرا خدمت نمایند * پس چون این کار را با تمام رسانم و این
منفعت را نرد آنها ختم نمایم از اینجا بسوی شما تا با سپانیه خواهم
۲۹ رفت * که میدانم این را که اگر بسوی شما آیم با کمال برکت
۳۰ مژده مسیح خواهم آمد * و ای برادران من از شما استدعا مینمایم
که از برای خاطر خداوند ما عیسی مسیح و از برای محبت روح

۳۱ که شما بجهت من نرو خدا در دعا سعی نمائید * تا آنکه از بی
ایمانان که در یهودیه هستند رستگار شوم و آنکه خدمت من در
۳۲ اورشلیم مقدساترا پسند افتد * تا با سرور نرو شما آمده انشا
الله با شما استراحت نمائیم خدائی که اصل آرام است با همه
شما باد آمین

باب شانزدهم

- ۱ وخواهر ما فیبی را که خادمه کلیسیای کنکریه هست بشما می سپارم
- ۲ * که شما بجهت خداوند اورا بنهج شایسته مقدسان بپذیرید و در
هر عمل که شمارا میخواند معاون او باشید زیرا که او خود معاون
- ۳ بسیاری بوده است بلکه معاون من خود نیز * وپر سگله وقله را
- ۴ سلام نمائید که در امر مسیح عیسی رفیق من می بودند * و بجهت
جان من کردن خود شان را نهازند و نه همین من آنها را ممنوعم
- ۵ بلکه تمامی کلیسیایهای قبایل * و کلیسیائی را که در خانه ایشانست
سلام نمائید و محبوب من اینتس را که بجهت مسیح نو بر
- ۶ افتایه هست سلام رسانید * و سلام رسانید مریم را که برای ما
- ۷ بسیار مشقت کشید * و سلام نمائید خویشان وهم محبسههای
من اندرنیقش و یونیرا که در میان حواریان مشهورند و پیش
- ۸ از من داخل مسیح گشتند * امپلیاس را که محبوب منست
- ۹ در خداوند سلام رسانید * اورانس را که در امر مسیح رفیق ما بود
- ۱۰ و دوست من استنخس را سلام باد * واپلیس را که در مسیح
آزموده است سلام رسانید و اشخاصی که از اهل ارستبولس
- ۱۱ میباشند سلام رسانید * و خویش من هیروویونرا سلام برسانید

- ۱۲ واز اهل نرکس آنکسانی که در خداوند سلام رسانید * طرفینه
 و طرفوس را که در امر خداوند زحمت می کشند سلام بگوئید و پروس
 محبوب را که در امر خداوند بسیار مشقت کشید سلام رسانید
 ۱۳ * و روفس را که در خداوند برگزیده شده است و مادر او و مادر مرا
 ۱۴ سلام رسانید * و اسنکرتس و فلاکون و هرماس و پترباس
 ۱۵ و هر میس و برادرانی را که با ایشانند سلام برسائید * و فلکس
 و یولیه و نیروس و خواهرش را و المپاس و قامی مقدسانی را که با
 ۱۶ ایشانند سلام برسائید * و یکدیگر را بیوسه مقدسانه سلام بنمایید
 ۱۷ و کلیسیای مسیح شما را سلام می نمایند * و ای برادران من از
 شما استعدای منم که با خبر باشید از آنانی که جدائیها و ایندانا را
 خلاف اعتقادی که شما آموخته اید عمل نمایند و از آنها اعراض
 ۱۸ نمائید * زیرا که چنین کسان خداوند ما عیسی مسیح را بنده کسی نمی
 نمایند بلکه شکم خور می پرستند و بکلام محبت آمیز شیرین دلها می
 ۱۹ سادوگانرا میرانند * و مطیع بوزن شما بهمگی رسیده است
 پس خوشوقت میباشم در باره شما و میخواهم که شما در نیکوئی با
 ۲۰ عاقل باشید و در بدیها سادو * و جدائی که اصل آرامست
 شیطان را بزودی در زیر قدمهای شما خواهد مالید و توفیق خداوند
 ۲۱ ما عیسی مسیح با شما باد آمین * تیموثیوس رفیق من در هر امر
 و لوقیوس و یاسون و سوسپتر خویشان من سلام شما را میرسانند
 ۲۲ * و من کاتب حروف تریوس در خداوند سلام میکنم * و کایوس
 که مرا و قام کلیسیارا مهرباندار است شما را سلام میرساند
 ۲۳ و آراستس کلانتر شهر و کوارتس برادر شما را سلام میرسانند * که

۲۵ توفیق خداوند ما عیسی مسیح با همه شما باو آمین * پس آنکسی را
 که قادر است که شمارا استوار نماید بر حسب مژده من
 فدای بعیسی مسیح موافق اظهار آن سرتی که از قدیم الایام
 ۲۶ مستتر بود * و الحال آشکارا گردیده است و بوساطت رسایل
 انبیا و حکم خدای لم یرل از برای اطاعت بایمان بر همگی قبایل
 ۲۷ هویدا شده است * آن خدای وحید حکیم را بوساطت عیسی
 مسیح تا بابد جلال باو آمین

نامه پولس حواری باهل قرننش

باب اول

- ۱ پولس حواری خوانده شده عیسی مسیح بمشیت خدا با سوستنیس
- ۲ برادر * بکلیسیای خدا که در قرننش است بمنزبان در مسیح
- عیسی و مقدسان خوانده شده با همگی آنانی که در هر جا اسم خداوند
- ۳ ما عیسی مسیح که هم خداوند ایشانست و هم ما را (میخواهد) * که
- توفیق و آرام از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باو
- ۴ * اما بعد پیوسته شکر میثام خدای خود را در باره شما بجهت توفیق
- ۵ خدا که در مسیح عیسی بشما داده شده است * زیرا که در هر
- ۶ چیز در وی مستغنی شده اید از کمال بیان و کمال علم * بنوعی
- ۷ که شهادت مسیح در نزد شما ثابت شده است * پنهجی که

- شما در هیچ کرامت قاصر نیستید و ظهور خداوند ما عیسی مسیح را
 ۸ انتظار می کشید * و اوست که شما را تا بانجام برقرار خواهد
 ساخت تا آنکه شما در روز خداوند ما عیسی مسیح سرفکنده نباشید
 ۹ * امین است آن خدائی که ازو طلب کرده شدید تا که در
 ۱۰ پسرش عیسی مسیح خداوند ما شریک باشید * و من ای برادران از
 شما بجهت خاطر خداوند ما عیسی مسیح امتدعا میمائیم که شما بتمامی
 در قول متفق باشید و جدائی در میان شما راه نیابد بلکه بیک
 ۱۱ قصد و یک مقصود باهم پیوسته باشید * زیرا که از اهل کلوثی
 خبر بمن رسیده است در باره شما ای برادران که نزاعها در
 ۱۲ میان شما میباشد * غرض اینست که هر یکی از شما میکوید
 که من زان پولسم و من زان اپلوس و من زان کیفاس
 ۱۳ و من زان مسیح * آیا مسیح منقسم شد یا آنکه پولس در
 ۱۴ راه شما مصلوب شد یا باسم پولس تعمید یافتید * خدا را
 شکر می کنم که هیچیک از شما را غسل ندادم مگر کرسپس
 ۱۵ و کایوس را * مبادا که کسی بگوید من باسم خود تعمید دادم
 ۱۶ * و خاندان استیفانرا نیز تعمید دادم و دیگر یاد ندارم که کسی دیگر را
 ۱۷ تعمید داده باشم * زیرا که مسیح نفرستاد مرا تا که تعمید وهم بلکه
 تا مرده را رسانیده باشم و آن نه بسحر بیانست که مبادا صلیب
 ۱۸ مسیح عبت شوو * زیرا که ذکر صلیب در نزد همالکان حماقتست
 ۱۹ و نزد ما نجات یافتگان قدرت خداست * زیرا که نوشته شده
 ۲۰ است که من تباه میکنم حکمت حکما را و باطل میسازم فهم
 ارباب فهم را * کجاست حکیم و کجاست کاتب و کجاست

مباحثه کننده این جهان آیا که خدا حکمت این دنیا را تخمیق
 ۲۱ نکرده است * زیرا که چون بسبب حکمت خدا جهان بحکمت
 خود خدا را نشناخت راسی خدا چنین فرار گرفت که بوسیله مهمل
 ۲۲ قول منادی ایمان داران را برآند * هر چند بهر متفحص آیت
 ۲۳ و یونانیان جوین حکمت اند * لیکن ما ندا می کنیم بمسیح
 مصلوب که او بهر او سنک مصادوم و یونانیان را مهمل است
 ۲۴ * و آنهایی را که خوانده شده اند چه از بهر ویان و چه از یونانیان
 ۲۵ مسیح قدرت خدا و حکمت خداست * زیرا که آنچه از خدا احقق
 است از مردم عاقل تر است و آنچه از خدا ضعیف است از
 ۲۶ مردم قوی تر است * ویکر اسی برادران شما اهل دعوت خود را
 ملاحظه نمائید که حکما جسمانی بسیار نیستند و بزرگان بسیار
 ۲۷ نیستند و شرفا بسیار نیستند * بلکه خدا ابلهان چند از جهان را
 برگزیده است تا آنکه حکیمان را شرمنده سازد و تنی چند از
 ضعیفان عالم را برگزیده است تا که قویها را خجل سازد
 ۲۸ * و پست ترین چیزهای دنیا و چیزهای نا چیزهای غیر موجود را خدا
 ۲۹ برگزیده است تا آنکه چیزهای موجود را معدوم گرداند * و تا آنکه
 ۳۰ هیچ بشری در حضور او فخر نه نماید * لیکن شما از او در مسیح عیسی
 هستید که او از خدا حکمت و عدالت و تقدس و استخلاص شده
 ۳۱ است برای ما * تا آنکه بحسب آنچه نوشته شده است هر کس
 که فخر کند بخداوند فخر کند

باب دویم

۱ و من ای برادران چون بنزد شما آدم نیادم با فضیلت کلام

- ۲ حکمت بلکه تا شمارا از اعلام خدا آگاه سازم * زیرا که عزم من چنین بود که چیزی ندانم در میان شما جز عیسی مسیح و همانرا
- ۳ مصلوب * و من در ضعف و ترس و لرزش بسیار نزد شما می
- ۴ بودم * و کلام من فدای من بسختان دل پسند حکمت
- ۵ انسانی نبود بلکه ببران و تاثیر روح بود * تا که نباشد ایمان شما
- ۶ در حکمت انسانی بلکه در قدرت خدائی باشد * لیکن نزد اشخاص کامل بحکمت تکلم میثائیم اما نه حکمت اینجهان و نه
- ۷ حکمت فضلاهی اینجهان که نا بود می کردند * بلکه بحکمت خدائی مرموزاً تکلم میثائیم آن حکمت زهان را که خدا پیش از
- ۸ عوالم جهت جلال ما مقدر کرده بود * و آنرا هیچکس از پیشوایان این جهان ندانستند زیرا که اگر دانستندی خداوند جلال را
- ۹ مصلوب نساختمدی * لیکن آنچه آن که نوشته شده است که چشمی ندیده است و کوشی نه شنیده است و خاطری خطور نکرده است آنچه زائی را که خدا جهت محبان خود مهیا ساخته
- ۱۰ است * لیکن خدا بروح خود بر ما کشف نموده است زیرا که روح همه چیز را تحقیق می نماید بلکه مواضع عمیق خدا را نیز
- ۱۱ * و کیست از بشر که چیزهای بشر را درک کند مگر روح بشر که در ویست بهمین وضع امور خدائی را هیچ کس درک نتواند
- ۱۲ کرد جز روح خدا * و ما نیافته ایم روح و نیائی را بلکه روح خدائی را تا
- ۱۳ که درک نمائیم آن چیزائی را که خدا با عطا نموده است * و آن چیزها تکلم میثائیم نه بکلام پرداخته حکمت انسانی بلکه بآن کلام که روح القدس آموزد و مقابله میثائیم روحانیانرا با روحانیات

۱۳ * وانسان طبعی چیزهای روح خدا را نمی پذیرد زیرا که تروش
 مهمل است و نمی تواند فهمید از آن رو که روحانیت تحقیق آن
 ۱۵ میشود * لیکن شخص روحانی همرا درک می نماید و هیچکس
 ۱۶ او را درک نمی کند * زیرا که کیست فهم خداوند را فهمیده است
 تا آنرا مشیر باشد لیکن ما فهم مسیح را داریم

باب سیم

- ۱ اسی برادران من نتوانستم که با شما تکلم نمایم چون با روحانیان
- ۲ بلکه چون با جسمانیان و چون اطفال در مسیح تکلم نمودم * و شمارا
- با شیر پرورانیدم نه با گوشت که توانائی نداشتید بلکه هنوز نیز
- ۳ توانائی ندارید * چه تا حال جسمانی هستید آیا چون در میان شما
- غیرت و نزاع و جدائیها است جسمانی نیستید و مثل خلق رفتار
- ۴ نمی نماید * چنانچه کسی از شما میگوید که من زان پولسم و دیگری که
- ۵ من زان اپلوس آیا جسمانی نیستید * کیست پولس و کیست
- اپلوس جز خادمان که بوساطت آنها ایمان آوردید و بقدریکه خداوند
- ۶ بهرکس داده است * من کاشتم و اپلوس آبیاری نمود و رویاننده
- ۷ خداست * پس نه غرس کننده و نه آب دهنده چیز است مگر
- ۸ خدای رویاننده * کارنده و آب دهنده یک هستند و هر یک مزد
- ۹ خود را موافق مشقت خود خواهند یافت * زیرا که بالتسویه مزدوران
- ۱۰ خدا هستیم و شما زراعت خدا و عمارت خدا هستید * و من بحسب
- توفیقی که خدا بمن داده است چون معمار عاقل اساس نهادم
- و دیگری آنرا عمارت می نماید و هرکس باید خبردار باشد که چگونه
- ۱۱ تعمیر می نماید * زیرا که هیچکس نمی تواند که اساس دیگری بنا نهد

- ۱۲ جر آنچه هست و آن عیسی مسیح است * و اگر کسی بر آن اساس از طلا یا نقره یا جواهر یا چوب یا گیاه یا گاه عمارت کند
- ۱۳ * عمل هر کس آشکارا خواهد شد زیرا که آنروز او را ظاهر خواهد ساخت از آنرو که بآتش کشف گروه میشود پس آتش خواهد
- ۱۴ آزمون کار هر کس را که چکونه است * اگر عمل کسی که عمارت گروه است بماند نرو خواهد یافت * و اگر عمل کسی سوخته شود
- زیان خواهد یافت لیکن خود رستگار شود مانند کسی که از آتش
- ۱۶ گریزو * آیا ندانسته اید که هیگل خدا میباشد و روح خدا در شما
- ۱۷ ساکن میباشد * اگر کسی خراب کند هیگل خدا را خدا او را
- ۱۸ خراب نماید زیرا که هیگل خدا پاکست و آن شماست * و هیچکس خود را فریب ندهد چه اگر کسی از شما در این جهان حکیم میباشد
- ۱۹ باید احمق گردد تا آنکه حکیم شود * زیرا که حکمت این جهان نرو خدا حماقتست که نوشته شده است که او حکیمانرا هم بتزویرات
- ۲۰ ایشان گرفتار میسازد * و ایضا اینکه تصورات حکما را میداند که لغو است * خلاصه آنکه هیچکس را نرسد که بمروم فخر نماید زیرا که
- ۲۲ تمامی اشیا زان شماست * خواه پولس خواه اپلوس خواه کیفاس خواه و نیا خواه زنده کسی خواه مرک خواه حالیت خواه
- ۲۳ مستقبالات همه زان شماست * و شما زان مسیحید و مسیح زان خداست

باب چهارم

- ۱ چنین باید که شخص ما را واند که خاومان مسیح و تقسیم کنندهگان
- ۲ اسرار خدائیم و بس * و آنچه در تقسیم کننده مطلوبست اینست

- ۳ که امین یافته شود * و چه بسیار حقیر است مرا که از شما یا از
- ۴ تدقیق خلق امتحان کرده شوم بلکه من بر خود حکم نمی‌نمایم * که
- هر چند من در خود هیچ نیایم معین نمی‌شود که عادل هستم آنکه
- ۵ معین می‌نماید مرا خداوند است * پس پیش از وقت مطلقاً
- حکم نه نمائید تا وقتیکه خداوند آید و اوست که مستورات ظلمت را
- روشن خواهد ساخت و اراده قلوب را هویدا خواهد نمود آنگاه
- ۶ هر کس را خدا تعریف خواهد نمود * اسی برادران این مطالب را
- از خود و ایلوس بیان نمودم بجهت ویکران برای خاطر شما تا آنکه
- شما از ما یاد گیرید که زیاده بر آنچه نوشته شده است تصور نه نمائید
- ۷ و تا آنکه یک شخص از یک نفر برود ویکری تفاخر نه نماید * زیرا که
- کیست که تورا منزله میسازد و چه چیز را مالکی که نیافته پس چون
- ۸ یافتی چرا فخر می‌نمائی چنانچه گویا از خود یافتی * حال سیر هستی
- حال مستغنی میباشید و بدون ما بمرتبه سلطان هستید کاش
- ۹ مسلط بودید تا که ما نیز با شما مسلط شویم * زیرا که مظنه من چنین
- است که خدا ما رسولان آخرین را نمودار نموده است بنوعی که
- گویا حکم قتل بر ما شده است که دنیا و فرشتگان و خلق را
- ۱۰ تا شاکاه گشته ایم * و ما بجهت مسیح احمقیم و شما از مسیح
- ۱۱ خرومندید ما ناتوانیم و شما توانا شما عزیزید و ما ذلیل * و تا این
- ساعت کرمه هستیم و تشنه و برهنه و کنک خورده و آواره
- ۱۲ * و بدستهای خود در کار کردن مشقت می‌کشیم و فحش می‌دهند
- ۱۳ و ما می‌نمائیم غدا بدهند صبر می‌نمائیم * کفر می‌کنید التماس
- ۱۴ می‌نمائیم چون فضل و دنیا شده ایم و چون زواید هر چیز تا حال * و من

- این را نمی نویسم که شما را منفعل نمائیم بلکه چون بفرزندان
 ۱۵ محبوب خود پند میدهم * که هر چند در مسیح ده هزار استاد وارید
 لیکن پدران بسیار ندارید که در مسیح عیسی بوسیلهٔ اتحیل من
 ۱۶ شما را تولید نمودم * پس از شما استدعا مینمایم که از من تتبع نمائید
 ۱۷ * و بسبب این من تیموثیوس را بنزد شما فرستادم که او فرزند
 محبوب و امین منست در خداوند و او رفتار مرا در مسیح بنوعی
 که در هر جا در هر کلیسیا تعلیم می نمایم شما را یاد خواهد آورد
 ۱۸ * بعضی خود را شخصی مینمایند گویا که من خود نزد شما نمی آیم
 ۱۹ * لیکن برومی نزد شما خواهم آمد اگر خداوند خواسته باشد و خواهم
 ۲۰ یافت نه کلام متکبرانرا بلکه قدرت ایشانرا * زیرا که ملکوت خدا
 ۲۱ در کلام نیست بلکه در قدرت است * چه می خواهید آیا با
 چوب بنزد شما آیم یا با محبت و نفس فقر

باب پنجم

- ۱ و مشهور است در هر جا که در میان شما زنا میباشد آن قسم زنائی
 که در میان قبایل هم نام برده نمی شود که شخص زن پدر خود را
 ۲ کیرو * و شما فخر مینمائید بجای آنکه بایست غم خورید که آنکس که
 ۳ این عمل را نموده است از میان شما بر طرف کرد * و بدرستی
 که هر چند من از حیثیت جسم غایبم لیک از روی روح حاضر
 در اینکس که این چنین کرده است گویا که من خود حاضر
 ۴ هستم و حکم مینمایم * که شما باسم خداوند ما عیسی مسیح و روح من
 جمع گشته با قوت خداوند ما عیسی مسیح فلان کس را بجهت
 ۵ هلاکت جسمانی بشیطان سپارید * تا آنکه روح در روز خداوند ما

- ۶ عیسی مسیح نجات یابد * و فخر شما شمایسته نیست آیا نمیدانید
 ۷ که اندک خمیری تمام چونه را خمیر میسازد * پس خمیر مایه کهنه را
 تماماً بیرون نماند تا آنکه تماماً چونه نو باشد چنانچه شما نیز بی خمیر مایه
 آید که فصیح ما نیز بجهت ما قربان شده است یعنی مسیح
 ۸ * پس عید کنیم نه بخمیر کهنه و نه بخمیر بدی و شرارت بلکه بنان
 ۹ بی خمیر مایه ساده لوحی و راستی * و درین مکتوب بشما نوشته
 ۱۰ ام که با زناکاران مخالفت نه نماند * لیکن نه اینکه مطلقاً با
 زناکاران این جهان یا با طماعان یا ستم پیشکان یا بت پرستان
 ۱۱ محشور نشوید زیرا که بایست از دنیا بیرون روید * بلکه بشما نوشته
 ام که مخالط نشوید با کسی که برادر خوانده شود وزانی یا طامع یا
 بت پرست یا و شنام و هنده یا باوه پرست یا ستمگر باشد بلکه
 ۱۲ با چنین کسی اکل نه نماند * زیرا که مرا چه کار است که بر
 خارجیان حکم نمایم آیا چنین نیست که شما بر اهل درون حکم
 ۱۳ می نماند و خدا بر اهل بیرون حکم می نماید * بهر صورت آن
 شیر را از میانه بر طرف نماند

باب ششم

- ۱ آیا هیچ کس از شما را این جرأت هست که چون با کس دیگر
 محاکمه دارد در نرو بیدینان انفصال دهد نه در نرو مقدسان
 ۲ * نمیدانید که مقدسان حکم بر اهل دنیا خواهند کرد پس هرگاه
 اهل دنیا از شما حکم می یابند آیا شمایسته مقدمات کمینه نیستند
 ۳ * آیا نمیدانید که بر فرشتگان حکم خواهیم کرد پس چو نیست که در
 ۴ امور دنیوی حکم نه نمانیم * پس اگر ادعای دنیوی داشته باشید

- ۵ کسانى را که در کلیسیا پست تر اند بنشانید * این سخن را
 بجهت انفعال شما میگویم آیا چنین است که در میان شما
 ۶ یک خرومند نباشد که تواند در حق برادر خود انصاف نماید * آیا
 برادر با برادر ادعا دارو نه همین و بس بلکه به پیش بیدینان
 ۷ * بدرستی که این بالکلیه شماست که با یکدیگر ادعا داشته باشید
 چرا مظلوم بودن را نمی پسندید و چرا زیانرا بیشتر اختیار نمی نمائید
 ۹ * بلکه شما ظالم و آفاز هستيد نه همين و بس بلکه بر برادران * آیا
 نمیدانید که ناراستان وارثان ملکوت خدا خواهند کشت فریفته
 نشوید زانرو که نه زناکاران و نه بت پرستان و نه فاسقان و نه
 ۱۰ مفعولان و نه فاعلان * و نه وزدان و نه طامعان و نه باوه پرستان و نه
 فحاشان و نه آفازان وارثان ملکوت خدا خواهند کشت
 ۱۱ * و بعضی از شما نیز چنین بودید لیکن غسل یافتید و مطهر
 گردیدید و از راستان شدید باسم خداوند عیسی و بروج خدای ما
 ۱۲ * و همه چیز مرا جایز است لیکن نه آنکه همه مفید باشد قادر بر همه
 ۱۳ هستم و هیچ چیز بر من قدرت نخواهد یافت * خوراک بجهت
 شکم است و شکم بجهت خوراک و خدا هم این را و هم آنرا فانی
 خواهد ساخت و بدن بجهت زنا نیست بلکه بجهت خداوند
 ۱۴ است و خداوند بجهت بدن * و خدا هم خداوند را بر خیزانید و هم
 ۱۵ ما را بقدرت خواهد بر خیزانید * آیا نمیدانید که بدنهای شما اعضای
 مسیح اند پس آیا من اعضای مسیح را گرفته اعضای فاحشه گردانم
 ۱۶ چنین مباد * آیا نمیدانید که آنکس که با فاحشه ملحق می گردد
 با وی یک تن است زانرو که میگوید آن هر دو یک جسم خواهند

- ۱۷ بود * وانکس که با خداوند ملحق می گردد با او یک روحست
 ۱۸ * از زنا بگریزید که هر گناه که مروج می کنند خارج از بدنست وزانی
 ۱۹ گناه کار است نسبت بتن خود * آیا که نمی دانید بدن شما هیکل
 روح القدس است که در شما می باشد و آنرا از خدا یافته اید
 ۲۰ و اینکه از آن خود نیستید * زیرا که بقسمت خریده شده اید پس
 خدا را تعظیم نمائید بتن خود و بروج خود که زان خدا میباشند

باب هفتم

- ۱ دور باره آنچه شما از من استفسار نمودید شایسته است مرد را که
 ۲ بازن مس نه نماید * لیکن بسبب رفع زنا سزاوار است که هر
 ۳ مرد زن خود را داشته باشد و هر زن شوهر خود را * و باید شوهر را که
 بازن بوضع مناسب مرحمت نماید وزن نیز با شوهر خود بهمین
 ۴ وضع * زن مختار بدن خود نیست بلکه شوهر است و شوهر
 ۵ نیز مختار بدن خود نیست بلکه زنست * از یکدیگر جدائی
 نگزینید جز برضای طرفین تا مدتی بجهت فرصت نمودن بجهت
 روزه و نماز و باز با یکدیگر پیوندید مبادا که شیطان بسبب بی مبالائی
 ۶ شما شمارا در امتحان اندازد * و اینهارا بطریق جواز میکویم نه بطریق
 ۷ حکم * زیرا که من چنین میخواهم که همگی خلق چون من باشند
 لیکن هر کس بنوع مخصوص خود از خدا بخشش یافته است یکی
 ۸ باین قسم و دیگری بقسم دیگر * و ترویج نکرده شده کان و بیوه زنانرا
 ۹ میکویم که ایشانرا افضل است که چون من باشند * لیک اگر
 پرهیز ندارند نکاح نمایند که نکاح نمودن افضل است از سوخته
 ۱۰ شدن * بترویج کرده شده کان حکم میمائیم نه من بلکه خداوند که

- ۱۱ زن از شوهر جدا نکرود * واکر جدا شوو بی نکاح بماند یا بر کردو
- ۱۲ بشوهر خود واینکه شوهر زن را نکذارو * وهدیکران میکوم نه من بلکه خداوند که اگر کسی از برادران زنی بی ایمان داشته باشد و او
- ۱۳ راضی باشد که باوی باشد او را مرخص نه نماید * ونیز زنی که شوهر بی ایمان داشته باشد وآنمرو راضی باشد که باوی باشد آنرا مرد را
- ۱۴ ترک نه نماید * زیرا که شوهر بی ایمان نمن خود مقدس کردیده است وزن بی ایمان بشوهر ورنه اولاد شما حرام زاده میبودند
- ۱۵ و حال آنکه مقدسند * واکر شخص بی ایمان خود جدا شوو جدا کردو برادر یا خواهر در اینوقت مقید نیست لیکن خدا ما را بصلح
- ۱۶ دعوت نموده است * که چه میدانی تو ای زن شاید شوهر را نجات دهی و تو چه دانی ای مرد شاید که زن را نجات دهی * بهر حال چنانچه خدا هر کس را قسمت داده است و آنچه نماند خداوند هر کس را خوانده است بهمان طور رفتار نماید و در همگی کلیسیاها
- ۱۸ من باین وضع معین منماید * واکر مختونی خوانده شده باشد نا مختونی نخواهد واکر نا مختونی خوانده شده باشد مختون نکرود
- ۱۹ * زیرا که مختونی هیچ و نا مختونی نیز هیچ است بلکه نگاه داشتن احکام خدا عمده است * و هر کس در پیشه که در آن خوانده شده
- ۲۱ بود بماند * اگر در حالت بنده کسی خوانده شدی میندیش لیکن
- ۲۲ آزادی را اگر توانی بیشتر خوانان باش * زیرا که بنده که در خداوند خوانده شده است آزادند خداوند است و همچنین کسی که آزاد
- ۲۳ خوانده شده است بنده مسیح است * بقیمت خریده شده آید
- ۲۴ در بنده کسی مردم را سخی مشوید * ای برادران باید شخص در هر

- ۲۵ حالت که خوانده شده است در همان حالت با خدا باشد * وحکمی
از خداوند در باره نکاح نیافتگان ندارم لیکن چون کسی که
۲۶ از خداوند مرحمت یافته است که امین باشد رائی میزنم * که
چنین گمان دارم که بسبب تنگی این روزگار بهتر آنست که
۲۷ شخص در همان حالت بماند * امی که با رنی پیوند شده خلاصی
۲۸ مجو وامی که از زن جدائی زن مکیر * لیکن اگر نکاح کنی گناه
نکرده و اگر باکره نکاح نماید گناه نکرده است لیکن این اشخاص
رحمت جسمانی خواهند کشید و ازین مرا بر شما دریغ است
۲۹ * و این را میگویم امی برادران که وقت منقضی است خلاصه
این است که آنان که زن دارند چنان باشند که گویا ندارند
۳۰ * و گریه کننده کان چون آنان باشند که گریه نمی کنند و خوشوقتان
چون آنان که خوشی نمی نمایند و خرنده کان چون آنان که مالک
۳۱ نیستند * و کسانیکه در این جهان تصرف نمایند چون آنان که
بغایت تصرف نمی نمایند زیرا که اوضاع جهان در گذار است
۳۲ * و شمارا میخواهم که بی فکر باشید که شخص بی نکاح در چیزهای
۳۳ خداوند می اندیشد که چگونه خداوند را خوش نماید * و نکاح کرده در
۳۴ باره جهان می اندیشد که چگونه زن را خوش نماید * زن مزوج
و باکره باهم تفاوت دارند زن یا مزوج بجهت خداوند می اندیشد
که هم در تن وهم در روح مقدس باشد وزن نکاح دیده در امر
۳۵ دنیا می اندیشد که چگونه شوهر را خوش نماید * و بجهت نفع شما
این را میگویم نه آنکه وامی بر شما اندازم بلکه بجهت آنچه سزاوار
۳۶ است و تا آنکه خداوند را بی تشویش خدمت نمائید * لیکن اگر

کسی کمان دارد که دختر او را شایسته نیست که از حد بلوغ بگذرد
 و باید که چنین شود پس آنچه خواهد کند کنه نمی کند نکاح کنند
 ۳۷ * و آنکس که در دل پایدار است و محتاج نیست و مختار اراده
 خود است و در دل خود این عزم را نموده است که دختر خود را
 ۳۸ نگاه دارد خوب می نماید * پس آنکس که بنکاح میدهد خوب میکند
 ۳۹ و آنکس که بنکاح نمی دهد خوبتر می نماید * زن بسته میشود بشریعت
 ما و امی که شوهرش زنده است و اگر شوهرش مرده باشد اختیار
 ۴۰ دارد بهر که تزویج کند لیکن در خداوند باشد * لیکن خوشحالتتر
 است که باین طور بماند بنا بر رای من و من کمان می برم که روح
 خدا در منست

باب هشتم

۱ اما در باره قربانیهای بتها محقق است که همه وانش داریم
 ۲ و وانش آملس می نماید و بمحبت معموری می سازد * اگر کسی
 کمان دارد که چیزی میداند هیچ چیز را نمی داند چنانچه بایست
 ۳ * و اگر کسی با خدا محبت داشته باشد هم آنرا شناخته است
 ۴ * پس بخصوص خورون قربانیهای بتها این محقق است که در
 ۵ جهان بت چیزی نیست و اینکه خدای نیست جز یک خدا * چه
 هر چند میباشند که خدایان خوانده میشوند چه در آسمان و چه در زمین
 ۶ چنانچه میباشند خدایان بسیار و خداوندان بسیار * لیکن ما را
 یک خداست آن پدر که همه چیزها از و منست و باز کشت ما بسوی
 اوست و یک خداوند یعنی عیسی مسیح که بوساطت او همه
 ۷ چیز می باشد و ما را وسیله است * لیکن همرا وانش نیست که

بعضی تا حال نظر بر بت میخورند چنانچه آن از بت است
 ۸ و چون مدرک آنها ضعیف است مگر میشود * و خورک مارا
 بخدا نمیرساند زیرا که اگر خوریم افضل نیستیم و اگر نخوریم پست
 ۹ تر نیستیم * لیکن زهار مبادا که این اختیار شما ضعیفانرا بلغزانند
 ۱۰ * زیرا که اگر کسی تورا که دانش واری به بیند که در بگردد نشسته
 آیا دل آن شخص ضعیف بخوردن قربانیهای بت قوی
 ۱۱ نخواهد شد * پس هلاک می شود آن برادر ضعیف تو که در
 ۱۲ راه او مسیح مرد بسبب دانش تو * و باین قسم بر برادران تقصیر
 کرده و دانش ضعیف آنها را صدمه رسانیده بر مسیح خطا مینمائید
 ۱۳ * پس اگر خوراک برادر مرا لغزش دهد هرگز کوشش نخواهم
 خورد مبادا که برادر خود را لغزش دهد

باب نهم

۱ آیا من حواری نیستم آیا من آزاد نیستم آیا من عیسی مسیح
 ۲ خداوند مارا ندیدیم آیا شما صنعت من در خداوند نیستید * اگر
 و بیکران را حواری نیستم که بی شک شما را هستم زانرو که شما
 ۳ مهر رسالت من در خداوند هستید * جواب من آنانی را که از من
 ۴ سؤال مینمایند اینست * که آیا اختیار خوردن و آشامیدن نداریم
 ۵ * آیا اختیار نداریم که خواهری ایانی را بزنی گرفته با هم بسر بروه
 ۶ باشیم چون باقی حواریان و برادران خداوند و کینفاس * یا همین
 ۷ من و بزنا باس اختیار معزولی از شغل نداریم * کیست که از
 کیسه خود خورده گاهی متوجه جنگ شود یا کیست که تاکستانرا
 غرس نموده از میوه اش نخورد یا کله را چراند و از شیر آن کله

- ۸ خور * آیا اینهارا من از خور میگویم و یا شریعت چنین نمیگوید
- ۹ * که در صحیفه موسی مرقومست که کاو خورد کننده خرمن را
- ۱۰ و آن مبنه آیا خدا را اندیشه از کاوانست * یا بجهت ما میگوید
بالکلیه بلی بجهت ما مرقومست که خویش کننده باید بامید
خویش کند و خورد کننده بیاید از امیدگاه خور چیزی را بامیدواری
- ۱۱ * چون ما روحانیات را بجهت شما افشاندم آیا امری برزگست
که جسمانیات شمارا دروکنیم * چون دیگران درین اختیار
شریک میباشند آیا که ما بطریق اولی نیستیم لیکن این اختیار را
معمول نداشتیم بلکه هر چیز را متحمل میشویم که مبادا مژده
- ۱۳ مسیحا معوق واریم * آیا شما مطلع نیستید که خادمان مجمع از
۱۴ مجمع می خورند و ملازمان مزبح در مزبح شریکند * بهمین قسم
خداوند مقرر فرموده است بجهت آنانی که ندا بمژده میمانند که
۱۵ از مژده معاش یابند * لیکن من هیچیک از اینهارا معمول
نداشتم و این را باین قصد نه نوشتم که بجهت من چنین شود
زائر و که مرا مرک نیکوتر است از آنکه کسی فخر مرا باطل گرداند
۱۴ * که هر چند ندا بمژده کنیم فخر من نیست که مرا ضرور نیست
۱۷ و وای بر منست اگر ندا بمژده نه نمایم * چه اگر بخوشوقتی در این
امر مشغول باشم مژده خور را می یابم و اگر گرنه نمایم امین نظارت
۱۸ میباشم * پس اجرت من چیست اینست که رسانیدن مژده
مسیحا چون رسانم بی خرج سازم یعنی که اختیار خور را در تحویل
۱۹ پر استعمال نمایم * که چون از همه آزاد می باشم خور را بنده همه
۲۰ ساخته ام تا بیشتر از خلق را بچنگ آرم * و با یهودیان چون

- پرو کشتم تا که پرو را بچنگ آرم و با متشرعان چون متشرع تا
 ۲۱ آنکه متشرعانرا بچنگ آرم * و با بی شرعان چون بی شرع نه اینکه
 نزد خدا بی شریعت بودم بلکه در راه مسیح متشرع بودم تا که بی
 ۲۲ شرعانرا بچنگ آرم * وضعیفانرا چون ضعفا کشتم تا آنکه
 وضعیفانرا بچنگ آرم و جهت هر کس هر چیز کشتم تا بهر نوع
 ۲۳ بعضی را نجات دهم * و این را بجهت این میثاقم که تا با تحیل
 ۲۴ شریک کروم * آیا نمیدانید که آنکسان که در میدان میدوند همه
 میدوند و یک نفر کومی را میر باید شمانیز بهمان طور بدوید تا که شما
 ۲۵ بچنگ آرید * و هر کس که اراده کوشش دارد کمال خود داری
 میثاق بدوستیکه ایشان این را میثاقند تا که سربند فانی را ربایند و ما
 ۲۶ غیر فانی را * و من هم بهمان طور میدوم نه چون شبیه ناکان در
 ۲۷ مقصود و مشقت میزنم نه چون کسی که هوارا میزند * بلکه تن
 خود را زبون میسازم و چون اسپرش میکشم که مبادا دیگران را
 و عظم نموده من خود مرود شوم

باب دهم

- ۱ اسی برادران من نمی خواهم که شما بیخبر باشید که پدران ما همه
 ۲ تحت ابر بوزند و همه از دریا عبور نمودند * و همه بغسل در ابر و دریا
 ۳ داخل موسی شدند * و همه یک خوراک روحانی میخوردند * و همه
 یک آشامیدنی روحانی را می آشامیدند زیرا که از کوه روحانی که
 ۵ بعقب می آمد می آشامیدند و آن کوه مسیح بود * لیکن از اکثر
 ۶ آنها خدا راضی نبود چنانچه در وحشت ریخته شدند * و این امور
 بجهت ما نموزها کشتند تا آنکه آغاز بدیها نباشیم چنانچه آنها آغاز

- ۷ بوزند * ونه بت پرستان شوید چنانچه بعضی از آنها بوزند چنانچه نوشته شده است که قوم نشست بجهت خوردن و آشامیدن
- ۸ و برخاست بجهت لعب * ونه زنا کنید چنانچه بعضی از آنها زنا
- ۹ کردند و ساقط گشتند در یکروز بیست و سه هزار نفر * ونه مسیح را
- امتحان کنیم چنانچه بعضی از آنها امتحان کردند و از ما را هلاک
- ۱۰ شدند * ونه کله نماند چنانچه بعضی از آنها کله کردند و از فرشته
- ۱۱ هلاک کننده هلاک شدند * و همگی این امور که بر آنها واقع
- گشت نمونه است و بجهت نصیحت ما نوشته شده است که
- ۱۲ اواخر ایام با رسیده است * پس آنکس که گمان دارد که
- ۱۳ ایستاده است با خبر باشد که نیفتد * و هیچ امتحانی شمارا در
- نیافته است جز آنکه انسانی بوه است و خدا امین است
- و شمارا نخواهد گذاشت که ما فوق طاقت آزموده شوید بلکه با
- ۱۴ امتحان گریزگاه نیز پیدا خواهد نمود تا آنکه تحمل کنید کرد * خلاصه
- ۱۵ اسی محبوبان من از بت پرستی بگریزید * سخن میگویم چون با
- ۱۶ خردمندان خودتان تفکر کنید در آنچه میگویم * ساغر مبارک که
- ما آنرا تنزیه می نمائیم آیا شراکت در خون مسیح نیست و نانی که
- ۱۷ می شکنیم آیا شراکت در تن مسیح نیست * زیرا که ما تمامی
- یک نان و یک بدن هستیم که همه در یک نان شریک هستیم
- ۱۸ * ملاحظه نمائید اسرائیل ظاهرا آیا خورنده کان قربانی شرکامی
- ۱۹ قربانگاه نیستند * و قصد من چیست آیا که بت چیزی هست
- ۲۰ یا قربانیهای بت چیزی میباشند * بلکه آنچه قبایل قربانی
- میشناختند و بپوشا میمانند نه خدا را و نمی خواهیم که شما شرکا و دیوان باشید

- ۲۱ * کاسه خاوند وکاسه دیوان هر دورا نمی توانید آشامید در مایده
 ۲۲ خاوند و مایده دیوان هر دو شریک نمی توانید بود * آیا که خاوند را
 ۲۳ بغیرت می آریم آیا ما از وی قوی تر میباشیم * مرا در همه چیز
 اختیار است لیکن همه مفید نیست مرا بر همه چیز اختیار است
 ۲۴ لیکن نیست چنین که همه معمور سازد * و باید که هیچ کس
 ۲۵ فایده خورا نخوید بلکه هر کس فایده ویکیرا * و هر آنچه در قصاصخانه
 ۲۶ میفروشند بخورید و بسبب زهد ستوال نه نمائید * که زمین
 ۲۷ و پریش از خاوند است * و اگر کسی از بی ایمانان شمارا دعوت
 نماید و خواهش رفتن نمائید هر آنچه نزد شما گذاشته شود بخورید
 ۲۸ و بسبب زهد شک نه نمائید * و اگر کسی شمارا گوید که این قربانی
 بت است مخورید بسبب آنکس که اشارت کرد و بسبب
 ۲۹ زهد هر چند که زمین و پریش زان خاوند است * و قصد من
 از زهد نه زهد خوو است بلکه شخص ویکیرا که چرا بر آزاده کسی
 ۳۰ من از زهد ویکیری حکم شود * و اگر من شریک نعمت شوم
 ۳۱ چرا بسبب آنچه بر آن شکر کنم مطعون کردم * پس خواه خورید
 و خواه آشامید هر چه کنید در همه منظور تعظیم خدا باشد پس
 ۳۲ نسبت بیهو و یونانی و کلیسیای خدا بی آزار باشید * چنانچه من
 نیز در هر عمل همرا خوشوقت میسازم و فایده خورا منظور ندارم
 بلکه فایده عموم خلق را تا نجات یابند

باب یازدهم

- ۲ از من تتبع نمائید چنانچه من تتبع مینمایم مسیچرا * اسی برادران
 من تحسین مینمایم شمارا که در هر عمل مرا یار آرید و سفارش بارا

- ۳ نگاه دارید آچنان که بشما سپروم * و میخواهم که بدانید شما که سر
- ۴ هر مرد مسیح است و سرزن مرد و سر مسیح خدا * و هر مرد که در
- ۵ دعا یا وعظ سر را پوشیده دارد سر خورا رسوا می نماید * و هر زن که
- سر برهنه دعا یا وعظ نماید سر خورا رسوا می نماید زانرو که چنانست
- ۶ که گویا تراشیده شده است * زیرا که اگر زن نمی پوشد بچیند
- و اگر چین یا تراشیدن بجهت زن بیحرمتی است بپوشاند
- ۷ * و مرو نبایدست که سر را بپوشاند که صورت او پرتو خداست
- ۸ وزن پرتو مرو است * که مرو نیست از زن بلکه زن از مرو
- ۹ است * و مرو بجهت زن خلق نشد بلکه خلق شد زن بجهت
- ۱۰ مرو * از آنست که زن را بایست که نقاب بر سر داشته باشد
- ۱۱ بجهت فرشتگان * لیکن در خداوند نه مرو جدا از زنست و نه
- ۱۲ زن جدا از مرو * زیرا که چنانچه زن از مرو است مرو را نیز واسطه
- ۱۳ زنست و همه از خدایند * و در پیش خود انصاف دهید که آیا
- ۱۴ شایسته است که زن نپوشیده خدا را عبادت نماید * یا آنکه
- طبیعت خود شمارا نمی آموزد که اگر موی مرو دراز باشد باعث
- ۱۵ بی حرمتی اوست * و اگر زن داشته باشد حرمت اوست از
- ۱۶ آنجا که مو در شمار لباس بوی داده شده است * و اگر کسی لجاج
- ۱۷ نماید خود واند نه ما و نه کلیسیای خدا چنین عادت را نداریم * و چون
- این اخبار را میبایم تحسین نمی نمایم که نه بجهت تکمیل بلکه
- ۱۸ بجهت نقص باهم جمع میشود * زیرا که مسموع میشود که چون
- نخست در کلیسیا فراهم می آید مخالفتها در میان شما میشود
- ۱۹ و قلیلی را اعتقاد می نمایم * زیرا که ضرور است که مخالفتها در میان

- ۲۰ شما باشد تا که مقبولان در میان شما آشکارا کردند * پس چون شما با هم فراهم می آید بجهت خوردن عشاء ربانی نیست
- ۲۱ * بلکه هر یک عشای خود را مقدم میدارو و یکی کرسنه و دیگری مست میباشد * مگر بجهت خوردن و آشامیدن خانها ندارید یا آنکه کلیسیای خدا را تحقیر نمائید و مفلسان را شرمده میسازید من چکوم شما را آیا در این مقدمه شما را تحسین نمایم من تحسین نمی نمایم
- ۲۳ * که من این را از خداوند یافتم و شما سپردم که عیسی خداوند در شبی که تسلیم کردید نانی را برواشت * و شکر نموده شکست و کفت که بگیری و بخورید این بدن منست که در راه شما شکسته
- ۲۵ میشود و این عمل را در یاد داشت من بجا آرید * بهمان طور کاسه را نیز بعد از شام گرفته کفت که این کاسه پیمان تازه ایست که بخون من بسته شده است این عمل را هر وقت که بیاشامید
- ۲۶ در یاد داشت من بجا آرید * زانرو که هر مرتبه که آن نان را میخورید و این کاسه را می آشامید نشان میدهد از مرگ خداوند تا
- ۲۷ وقتی که باز آید * پس هر کس که بطور ناشایسته آن نان را خورد یا
- ۲۸ کاسه خداوند را آشامد مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود * باید که شخص تحقیق نماید خور و و باین قسم از نان خورد و از کاسه آشامد
- ۲۹ * زیرا که آنکس که بطور ناشایسته میخورد و می آشامد مکافات خور و می خورد و می آشامد که بدن خداوند را ملاحظه نمی نماید * و از آنجاست که در میان شما بسیار می باشند بی قوت و ضعیف
- ۳۱ و چندی مرده اند * زانرو که اگر خور و می آرد و می خورد بر ما حکم نمی شد
- ۳۲ * و چون که بر ما حکم می شود از خداوند منتبه می شویم مبادا که با اهل

۳۳ و نیا سزا یابیم * خلاصه ای برادران من چون بجهت خوردن
 ۳۴ جمع میشوید یکدیگر را انتظار کشید * و اگر کسی کرسنه باشد در خانه
 بخورد مبادا که بجهت سزا یافتن باهم جمع شوید و باقی
 مطالب را چون خود آیم درست خواهیم نمود

باب دوازدهم

- ۱ ای برادران من نمیخواهم که شما از کرامات روحانی بیخبر باشید
- ۲ * و خود میدانید که از جمله قبائل میبویید و در عقب بت‌های کتک
- ۳ بنوعی که می‌برزند شمارا روان بویید * پس شمارا مخبر میسازم
 که هر کس که بروح خدا تکلم می‌نماید عیسی را لعنت نمی‌نماید و هیچ
- ۴ کس عیسی را خداوند نمی‌تواند خواند مگر بروح القدس * و کرامات
- ۵ متعدد است و روح یک * و خدمات متعدد است و مخدوم یک
- ۶ * و افعال متعدد است و یک خداست که فاعل همه در همه
- ۸ است * و هر کس را ظهور روح بجهت منفعت عطا میشود * که
 یک کس را از روح کلام حکمت و دیگری را بهمان روح کلام
- ۹ دانش داده میشود * و بهمان روح دیگری را ایمان و دیگری را کرامات
- ۱۰ و معالجات بهمان روح * و یکی را فعلهای قوی و دیگری را اخبار
 نمودن و یکی را تمییز ارواح و دیگری را اقسام زبانها و دیگری را ترجمه
- ۱۱ زبانها * و فاعل اینهمه همان یک روح است که هر کس را بر
 ۱۲ حسب اراده خود تقسیم می‌نماید * که چنانچه بدن یک است
 و اعضای متعدد دارد و همگی اجزای آن یک بدن بتامی یک
 ۱۳ شخص میباشند مسیح نیز بهمین وضع میباشد * زیرا که ما تمامی
 از یک روح بغسل داخل یک بدن شدیم خواه پیور و خواه

- یونانی خواه بنده و خواه آزاد و همه از آشامیدن یک روح شدیم
- ۱۵ * و تمام بدن را یک عضو نیست بلکه اعضای بسیار است * و اگر
یا گوید که چون من دست نیستم از بدن نیستم آیا بدین سبب
- ۱۶ از بدن نیست * و اگر گوش گوید که چون من چشم نیستم از
بدن نیستم آیا بدین سبب از بدن نیست * اگر تمام بدن چشم
- بودی کجا بودی شنیدن و اگر همه شنیدن بودی کجا بوئیدن
- ۱۸ * و خدا الحال هر یک از اعضا را بر وفق اراده خود در بدن قرار
داده است * و اگر تمامی یک عضو بودی بدن کجا بودی * حالا
- ۲۱ اعضا بسیارند و بدن یکیست * و چشم دست را نمی تواند گفت
که محتاج تو نیستم یا سر پا را که احتیاج بشما ندارم * بلکه اعضائی
- که در بدن ضعیف تر معلوم میشود بطریق اولی ضرورتر است
- ۲۳ * و آن اعضائی را که گمان میکنیم که در بدن عترتی ندارند بیشتر
عزت مینائیم و اعضای ناشایسترا بیشتر شایستگی میدهیم
- ۲۷ * و اعضای شایسته ما را احتیاج نیست لیکن خدا بدینا چنان
ترکیب نمود که اعضای ناشایسترا بیشتر حرمت داد * تا آنها در
- ۲۶ بدن جدائی نشود بلکه اعضا با یکدیگر یک حس دارند * که اگر
یک عضو از آن درد آید تمامی اعضا با او دردمی یابد و اگر یک
- ۲۷ عضو از آن عزت یابد تمامی با او خورسند میکورزند * غرض شما
- ۲۸ بدن مسیح می باشید و مفصلاً اعضا میباشید * و بعضی را خدا در
کلیسیا قرار داده است اول حواریان و دوم خیر و هنده کان ستم
معلمان بعد معجزات بعد کرامان شفاها و دستگیرها و ریاستها
- ۲۹ و اقسام زبانها * آیا که همه حواریانند یا همه مخبران یا همه معلمان

۳۰ یا همه معجزات * آیا که همگی کرامات شفاها را دارند یا که همه
 ۳۱ بزبانها حرف میزنند یا که همه ترجمه می کنند * و شما شایق کرامات
 افضل باشید و من طریق افضل را بشما نشان میدهم

باب سیزدهم

- ۱ اگر من بزبانهای خلق و فرشتگان حرف زخم و محبت نداشته باشم
- ۲ چون گره نامی نفیر کننده یا صنج فغان کننده شده ام * و اگر
 نبوت داشته باشم و همگی اسرار را و جمیع علوم را یافته باشم و نیز
 کمال ایمان را بخدی که کو را نقل مکان نماید و محبت نداشته باشم
- ۳ هیچ نیستم * و اگر همگی اموال خورا خیرات نماید و بدن خورا
 و گذارم که سوخته شود و محبت نداشته باشم هیچ سود نکرده ام
- ۴ * و محبت را حوصله میباشد و مهربانست محبت غیرت ندارد
- ۵ محبت کبر ندارد محبت مغرور نمی باشد * اطوار نا شایسته ندارد
 و مال خورا تقاضا نمی نماید و خشونت نمی نماید و بد مظنکی ندارد
- ۶ * از ناراستی خوشوقت نمی گردد بلکه با راستی خوشنور میشود
- ۷ * همه چیز شکیبائی مینماید و همه چیز را باور مینماید و از هر چیز انتظار
- ۸ نیکو می کشد و هر چیز صبر مینماید * و محبت گاهی ساقط نمی شود
 لیکن اگر نبوتهاست باطل خواهد کشت اگر زبانهاست باز
- ۹ خواهد ماند اگر فهم است ضایع خواهد گردید * که جزئی را می
- ۱۰ فهمیم و جزئی را خبر میدهم * و چون آنچه کامل است آید پس
- ۱۱ جزوی باطل می گردد * ما را می که طفل بوم چون طفل سخن
- میگفتم و چون طفل می یافتیم و چون طفل مناظره میکردم و چون
- ۱۲ مرد کشتم طفلت را باطل نمودم * که الحال بوساطت آئینه

منعکساً می بینم و آنوقت روبرو حال جزئی را می فهمم و آنوقت خواهم
 ۱۳ یافت بنوعی که یافته شده ام * و الحال ایمان و امید و محبت این
 سه چیز است و تیر کترین آنها محبت است

باب چهاردهم

- ۱ پس محبت را پیروی نمائید و طالب کرامات روحانی باشید خصوصاً
- ۲ اینکه وعظ نمائید * زیرا که آنکس که بزبانی تکلم مینماید با خلق تکلم
 نمی نماید بلکه با خدا زانرو که هیچ کس نمی فهمد و در روح باسرار
- ۳ تکلم می نماید * و آنکس که وعظ می نماید خلق را بتکلم تربیت و دلجوئی
- ۴ و نصیحت می نماید * آنکس که بزبانی حرف میزند خود را معمور
- ۵ میکند و آنکس که وعظ مینماید کلیسیا را معمور مینماید * و من
 میخواهم که شما همه بزبانها تکلم نمائید و زیاده بر آن آنکه وعظ نمائید
 زیرا که وعظ کننده افضل است از آنکه بزبانها تکلم مینماید مگر
- ۶ آنکه ترجمه نماید تا آنکه اهل کلیسیا تربیت یابند * و الحال اسی
 برادران اگر بنزد شما آیم و بالسنه مختلفه تکلم نمایم شما را چه سود
 خشم مگر آنکه در پیش شما بتفسیر یا بدانش یا بوعظ یا بتعلیم تکلم
- ۷ نمایم * و بهمین وضع تمامی اشیائی که لا عن شعور صدا می میکنند
 خواه نی و خواه بریط اگر آواز با ممتاز نشود آنچه نی می سراید یا بریط
- ۸ می نوازند چگونه توان درک نمود * و نیز اگر کره نامی صدای غیر
- ۹ معینی نماید کیست که بجهت کارزار آماده گردد * و بهمین نوع
 شما نیز اگر بزبان کلام معین ادا نمائید چگونه مفهوم شود آنچه را
- ۱۰ تکلم مینمائید گویا که با هوا سخن میکوشید * هر چند اقسام لغتها در
- ۱۱ جهان میباشد هیچیک از آنها بی معنی نیست * پس اگر

- معنی لغت را نیام نسبت بمتکلم بیگانه خواهم بود و نیز متکلم
 ۱۲ نسبت بمن * پس چون شما مشتاق کرامات هستید بکوشید
 ۱۳ تا بجهت تعمیر کلیسیا فضیلت بهم رسانید * پس آنکس که
 ۱۴ زبانها تکلم مینماید دعا کند که مترجم شود * زیرا که اگر بزبانی دعا کنم
 ۱۵ روح من دعا مینماید و فهم من خود بیفایده است * خلاصه آنکه
 ۱۶ بروح دعا خواهم کرد و بفهم نیز بروح خواهم سرو و بفهم نیز * زیرا که
 اگر در روح دعای خیرنمایی آنکس که در رتبه بی سواد است
 چگونه بر شکر گذاری تو آمین بگوید چون نداند که تو چه می گوئی
 ۱۷ * و بدرستی که تو خوب شکر میگذاری لیکن دیگری تربیت نمی یابد
 ۱۸ * و من شکر مینمایم خدای خود را که بیش از همه شما زبانها حرف
 ۱۹ میزنم * لیکن پنج کلمه در کلیسیا موافق فهم خود بنوعی که دیگرانرا
 ۲۰ تعلیم نمایم بیشتر می پسندم از ده هزار کلمه در زبانی دیگر * و ای
 برادران در فهم چون اطفال مباحثید در بد خوئی طفل باشید
 ۲۱ و در فهم کامل * در شریعت نوشته شده است که من با این
 قوم بصاحبان زبان دیگر و بلبه های دیگر تکلم خواهم نمود و باین طور
 ۲۲ هم مرا خواهند پذیرفت خداوند میفرماید * پس زبانها نشانی هست
 نه بجهت مؤمنان بلکه بجهت بی ایمانان و نبوت نیست
 ۲۳ بجهت بی ایمانان بلکه مؤمنان راست * پس اگر تمام کلیسیا
 با هم جمع گردند و تمام زبانهای مختلفه تکلم نمایند و یک بی سوادی
 یا بی ایمانی داخل شود آیا خواهد گفت که شما دیوانه میباشید
 ۲۴ * و اگر تمامی وعظ نمایند و شخصی که بی ایمان یا اتمی باشد داخل
 ۲۵ گردد از همه مجاب و از همه ملزم خواهد گشت * و باین نوع اسرار

- وروش آشکارا کشته پس برو افتاده خدا را خواهد پرستید و خواهد
- ۲۶ گفت که فی الحقیقه خدا در میان شماست * پس خلاصه امی
برادران چون با هم جمع شوید هر یک از شما زموری دارد تعلیمی
دارد زبانی دارد مکاشفه دارد و ترجمه دارد باید که هر آنچه شود
- ۲۷ بجهت تربیت شود * و اگر کسی برانی تکلم نماید دو نفر الی سه
- ۲۸ نفر تکلم نمایند یکی بعد دیگری و یک نفر ترجمه نماید * و اگر مترجم نباشد
- ۲۹ در کلیسیا خاموش ماند و میانه خود و خدا حرف زند * و باید که از
- ۳۰ واعظان دو سه نفر تکلم نمایند و دیگران تفکر نمایند * و اگر دیگران که
نشسته باشد چیزی معلوم کردو باید که نخست خاموش کردو
- ۳۱ * زیرا که ممکن است شمارا که یک یک تمامی وعظ نمایند تا آنکه
- ۳۲ همه بیاموزند و تمامی خاطر جمع شوند * و ارواح انبیا مطعیند انبیارا
- ۳۳ * زیرا که خدا آشوب دوست نیست بلکه آرام راست چنانچه
- ۳۴ در تمامی کلیسیای امی مقدسانست * و باید که زنان شما در کلیسیای
خاموش باشند زانرو که سخن گفتن آنها را جایز نیست بلکه
- ۳۵ ایشان راست اطاعت چنانچه شریعت نیز میفرماید * و اگر
خواهند چیزی معلوم نمایند از شوهران خود در خانه سؤال
- ۳۶ نمایند زانرو که تکلم ایشانرا در کلیسیا سزاوار نیست * آیا کلام خدا
- ۳۷ از میان شما بیرون آمد یا همین بشما رسید و بس * و اگر کسی
واعظ یا روحانیست بایست که اعتراف نماید که آنچه من بشما
- ۳۸ مینویسم احکام خداوند است * و اگر کسی چنین نداند هم نداند
- ۳۹ * پس امی برادران شایق وعظ نمودن باشید لیک از تکلم بر زبانها
- ۴۰ منع نه نماید * و باید که هر چیز بشما بستگی و موافق ترتیب کرده شود

باب پانزدهم

- ۱ وای برادران من شمارا خبر می نمایم از آن مژده که من نزد شما
- ۲ آوردم و شما آنرا پذیرفتید و بان نیز قائم میباشید * و بواسطت آن
- نیز نجات می یابید بشرطی که هر سخنی را که من بشما گفتم محکم
- ۳ بپذیرید و آلا که شما عبت ایمان آوردید * و من نخست سپردم شمارا
- آنچه بمن سپرده شده بود که مسیح موافق کتب در راه کنانان ما
- ۴ مرد * و اینکه مدفون گشت و اینکه در روز سیم موافق کتب
- ۵ برخاست * و اینکه بر کینفاس نمودار گشت و بعد از آن بان
- ۶ دوازده نفر * و بعد از آن پانصد برادر را بیش بیکبار در نظر آمد
- ۷ و اکثر آنها تا حال باقی می باشند و بعضی مرده اند * و بعد از آن بر
- ۸ یعقوب نمودار گشت و بعد از آن سایر حواریان را * و آخر همه
- ۹ همچون بر ساقط گشته بر من هویدا گردید * زیرا که من کوچک ترین
- ام از حواریان و لایق آن نیستم که بخواری موسوم سوم زانرو که
- ۱۰ کلیسیای خدا را مزاحم گشتم * لیکن بفضل خدا آنچه هستم هستم
- و توفیق او که بجهت من بود باطل نگشت بلکه بیش از همگی
- آنها مشقت کشیدم لیکن نه من بلکه توفیق خدا که با من میبود
- ۱۱ * بر صورت خواه من و خواه ایشان باین طور ندا می کنیم
- ۱۲ و همین وضع ایمان آورید * و چون بمسیح ندا میشود که از
- مرده کان برخاست چو نیت که بعضی از شما میگویند که مرده کان را
- ۱۳ قیامت نیست * و در صورت آنکه مرده کانرا قیامت نباشد
- ۱۴ مسیح نیز برخاسته است * و اگر مسیح برخاسته است پس
- ۱۵ ندای ماعت است و ایمان شما نیز عبت * و ما شاهدان کاذب

خدا گسته ایم که بجهت خدا شهادت وادیم که مسیح را بر خیزانید
 و حال آنکه او را بر نخیزانیده است در صورتی که مرده‌گان بر نمی
 ۱۶ خیزند * زیرا که اگر مرده‌گان بر نمی خیزند مسیح نیز بر نخاسته است
 ۱۷ * و اگر مسیح بر نخاسته است ایمان شمای بی جا است و تا حال در
 ۱۸ گناه خود باقی میباشید * بلکه آنانی که در مسیح مرده اند نیز هلاک
 ۱۹ شده اند * چه اگر درین جهان و بس از مسیح امید و ایم کار ما از
 ۲۰ جمیع خلق تباہ تر است * و حال آنکه مسیح از مرده‌گان برخاسته
 ۲۱ است و نو بر خوابیده‌گان شده است * زیرا که چون بوساطت
 انسان مرگ آمد بوساطت انسان نیز قیامت مرده‌گان بیدار
 ۲۲ شد * که چنانچه در آدم همه میمیزند بهمان طور در مسیح همه زنده
 ۲۳ خواهند گشت * هر کس در نوبه خود نخست مسیح که نو بر است
 ۲۴ و بعد از آن کسانیکه زان مسیح هستند در وقت آمدنش * آنگاه
 آخر است که چون سلطنت را بخدا و پدر سپارد و وقتی که جمیع
 ۲۵ بزرگی و همه اختیار و اقتدار را معدوم گرداند * زیرا که باید او
 سلطنت نماید ما و امی که تمامی دشمنان را در زیر پای خود نهد
 ۲۶ * و دشمن آخرین که معدوم می شود مرگ است * زیرا که همه چیز را
 زیر پای او گذاشته است و چون میگوید که همه چیز را گذشته
 است ظاهر است که آنکس که همه اشیا را منقاد او گردانیده
 ۲۸ است مستثنی است * و چون همه چیز مطیع او شود آنوقت
 پسر خود نیز در تحت او در آید که همه را در تحت او در آورده
 ۲۹ است تا آنکه خدا همه در همه باشد * و اگر اینست که مرده‌گان
 بالکلیه بر نمی خیزند پس چه میکنند آنان که در راه مرده‌گان غسل

- ۳۰ می یابند و چرا غسل می یابند در راه مرده‌گان * و مانیز چرا هر
- ۳۱ ساعت خوروا در خطر می اندازیم * بفخری که مرا در مسیح عیسی
- ۳۲ خداوند ماست که هر روزه مرا مرو نیست * و چون حرب با سباع
- بطور انسانی در افسس نمودم و اگر مرده‌گان بر نمی خیزند مرا ازین
- ۳۳ چه سوو است . خوریم و بیاشامیم چون فردا می میریم * و فریفته
- ۳۴ مشوید که صحبت‌های ناخوش اخلاق خوش را تباه میسازد * و بیدرا
- شوید در صداقت و گناه مکنید زیرا که بعضی از شما معرفت خدا را
- ۳۵ ندارید بجهت انفعال شما سخن میگویم * اما کسی خواهد گفت
- ۳۶ مرده‌گان چگونه بر میخیزند و کدام بدن باز مینمایند * ای احمق آنچه را
- ۳۷ تو می افشانی زنده نمی شوو جز اینکه بمیرد * و آنچه را می افشانی نه
- آنها می افشانی که خواهد کشت بلکه همین وانرا و بس خواه
- ۳۸ واته کندم و خواه وانهای دیگر * و خدا آنها بدنی میدهد آنچه‌انکه
- ۳۹ خواسته است و هر یک از تخمها بدن مخصوص بخوروا * و همه
- اجسام یک نوع جسم نیستند بلکه جسم انسانی و بیکر و جسم وحوش
- ۴۰ و بیکر و جسم ماهیان و بیکر و جسم طیور و بیکر * و ابدان سماوی و ابدان
- ارضی میباشد لیکن شان سماویات و بیکر است و شان
- ۴۱ ارضیات و بیکر * و شان آفتاب و بیکر است و شان ماه و بیکر
- و شان ستاره‌ها و بیکر زانرو که ستاره از ستاره در شان توفیر دارند
- ۴۲ * بهمین نهج است قیامت مرده‌گان بفساد پاشیده میشود
- ۴۳ و بی فساد بر میخیزد * در زلت پاشیده میشود و با جلال بر میخیزد
- ۴۴ در ناتوانی پاشیده میشود در توانائی بر میخیزد * بدن حیوانی
- پاشیده میشود و بدن روحانی بر میخیزد بدنی حیوانی میباشد و بدنی

- ۲۵ روحانی * و باین قسم نیز تحریر شده است که بود انسان اول
- ۲۶ آدم نفس حیات وار و انسان آخر روح حیات بخش * لیکن مقدم نبود آنچه روحانیست بلکه نفسانی و بعد از آن روحانی
- ۲۷ * و انسان اول از زمین بود خاکی و انسان دویم خداوند است از آسمان * چنانچه خاکی بود خاکیان نیز هستند و چنانچه آسمانی
- ۲۹ بود آسمانیها نیز هستند * و آنچه که شکل آن خاکی را بر داشتیم
- ۵۰ شکل آن سماویرا نیز خواهیم بر داشت * امی برادران من این را میگویم که جسم و خون نمی توانند که وارث ملکوت خدا
- ۵۱ شوند و نیز فساد وارث غیر فساد نمی شود * اینک من شمارا سرتی میگویم که همه نخواهیم مرد بلکه همه مبدل خواهیم گشت
- ۵۲ * در وقیفه در طرفه العینی در هنگام صور آخر زیرا که کره نا صغیر خواهد نمود و مردهگان بی فساد خواهند بر خاست و ما مبدل
- ۵۳ خواهیم شد * زیرا که باید که این فاسد بی فساد می را بیوشد و این
- ۵۴ فانی بی فنائی را * و چون این فاسد بی فساد می را بیوشد و این فانی بی فنائی را آنوقت خواهد شد آن کلمه که نوشته شده
- ۵۵ است که مرک در غلبه مستغرق گردید * امی مرک نیزه تو
- ۵۶ کجاست و امی کور غلبه تو کجاست * نیزه مرک کنه است
- ۵۷ وقوت کنه شریعت است * و شکر خدا را است که ما را غلبه
- ۵۸ بوساطت خداوند ما عیسی مسیح عطا فرمود * پس امی برادران محبوب من بر قرار بوده بی تشویش در شغل خداوند پیوسته
- ببفرمایید زانجا که میدانید که زحمت شما در خداوند بیجا نیست

باب شانزدهم

- ۱ وخصوص عطائی که بجهت مقدسان میشود چنانچه من
- ۲ کلیسیای اسی کلتیرا امرانموم شما نیز بعمل آرید * که هر روز یک
- شنبه هر یک از شما چیزی را نرد خود و گذارو و جمع نماید بحسب آنچه
- برکت یافته است که مبادا که چون پیام آن وقت عطا آماده
- ۳ شود * و چون حاضر شوم آنانی را که شما بر کمارید در کاغذ من مقرر
- ۴ خواهم نمود که بخشش شمارا باورشلیم رسانند * و اگر مناسب
- ۵ باشد که من نیز بروم با من خواهند رفت * و بنزد شما خواهم
- آمد چون از مقدونیه عبور نمایم زانرو که از مقدونیه عبور می نمایم
- ۶ * و شاید که بنزد شما بمانم بلکه زمستان را بسر برم تا که مرا بدرقه
- ۷ نمائید هر جا که میروم * و نمی خواهم شمارا در عبور به بینم که امیدوارم
- ۸ که مدت چندمی نزد شما توقف نمایم اگر خداوند اجازت دهد * و تا
- ۹ عید پنجاهم در افسس می مانم * زیرا که دروازه بزرگ و مفید
- ۱۰ بجهت من باز شده است و مخالفان بسیارند * اگر تیشیوس
- بیاید آگاه باشید که نزد شما بیخوف بماند زانجا که شغل خداوندرا
- ۱۱ بجای آورد چون من * پس باید که هیچ کس اورا حقیر نشمارو
- و اورا بدرقه نمائید که سلامت بنزد من رسد زیرا که من اورا با
- ۱۲ برادران انتظار می کشم * اما بخصوص اپلوس برادر ازو بسیار
- استدعا نمودم که با برادران بتزو شما بیاید در اینوقت مطلقاً
- خواهش نداشت که آمده باشد لیکن چون فرصت یابد خواهد
- ۱۳ آمد * هشیار باشید و در ایوان پایدا و مردانه و زور آور باشید * و همگی
- ۱۵ اعمال شما با محبت کرده شود * و من امی برادران از شما استدعا

- می نامیم کہ شما خود خاندان استیفان را می شناسید کہ نوہر اخائیہ
 ۱۴ اند و خود را بجهت خدمت مقدسان وقف نموده اند * پس با
 خبر باشید کہ شما نیز مطیع باشید اینچنین اشخاص را و هر کس را
 ۱۷ کہ در عمل رفاقت میکنند و زحمت میکشد * و از آمدن
 استیفان و فورتوناتس و افانگس من خوشوقت هستم زیرا کہ
 ۱۸ نقص شمارا ایشان تمام کردند * کہ روح مرا و شمارا تازه نمودند پس
 ۱۹ چنین کسانرا بپذیرید * و کلیسیای امی اسبہ شمارا سلام میرسانند اقل
 و پرسکله با کلیسیائی کہ در خانہ آنہاست شمارا در خداوند بسیار
 ۲۰ سلام میرسانند * و ہمگی برادران شمارا سلام میرسانند و یکدیگر را
 ۲۱ ببوسند مقدس سلام نمائید * و سلام من بدست خودم پولس
 ۲۲ * اگر کسی عیسی مسیح خداوند را دوست ندارد و محروم باد ماران
 ۲۳ آتا * و توفیق عیسی مسیح خداوند بر شما باد * و محبت من با ہمکن
 شما در مسیح عیسی باد آمین

نامہ و ویم پولس باهل قرنٹس

باب اول

- ۱ پولس حواری عیسی مسیح بمشیت خدا و تیمثیوس برادر بکلیسیای
 خدا کہ در قرنٹس می باشد باہمہ مقدسانی کہ در تمام اخائیہ میباشند
 ۲ * (می خواهد) کہ از پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند ما فضل و آرام
 ۳ بر شما باد * مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح پدری کہ

- ۴ اصل رحمتهاست و خدائی که منشا همگی تسلیات است * که ما را در تمامی زحمت‌های ما تسلی عطا میفرماید تا آنکه بوسیله این تسلی که ما خود از خدا می‌یابیم دیگر آنرا که در هر مصیبت گرفتار می‌باشند
- ۵ تسلی توانیم بخشید * زانجا که چنانچه ناخوشی‌های ما بسبب مسیح
- ۶ افزایش بهمین قسم بوسیله مسیح تسلی ما نیز می‌افزاید * خواه زحمت کشیم که بجهت تسلی و نجات شماست که میسر گردد
- ۷ باینکه شما نیز متحمل ناخوشی‌های می‌باشید که ما متحمل آن می‌باشیم و خواه تسلی یابیم که بجهت تسلی و نجات شماست و امید ما در باره شما ثابت است * که یقین داریم که چنانچه شما در زحمت‌ها شرکا می‌باشید بهمین وضع در تسلی نیز شرکا خواهید بود
- ۸ * زانرو که ما نمی‌خواهیم اسی برادران که شما بیخبر باشید از صدمه که در استی بر ما واقع گشت که بیش از بالقوه ما کران بود بحیثیتی که قطع امید از زنده‌گانی کردیم * لیکن ما خود بر خود فتوای قتل داشتیم تا آنکه بر خود توکل نکرده باشیم بلکه بر خدائی که بر خیزاننده
- ۱۰ مرده‌گانست * و اوست که ما را از چنین مهلکه رانید و میرانید
- ۱۱ و امید داریم که بعد ازین نیز رانند * بشرطی که شما نیز بدعا در حق ما اعانت نمائید که آن نعمتی که با بسبب اشخاص بسیاری رسیده است شکرانه آن بجهت ما از خلق بسیاری بجا آورده شود * که فخر ما اینست یعنی اقرار قلب ما که بساوه کسی و صافی خدائی نه بتخیل جسمانی بلکه بتوفیق خدا اوقات خود را در دنیا صرف
- ۱۳ نمودیم خصوصاً در باره شما * و هیچ چیز بشما نمی‌نویسیم جز اینکه می‌خوانید بلکه اعتراف نمائید و امید داریم که تا باخر اعتراف خواهید

- ۱۴ نمود * چنانچه شما در جزه اعتراف نموده اید که ما فخر شما می باشیم
- ۱۵ بنوعی که شما نیز فخر ما می باشید در روز عیسی خداوند * و باین اعتماد پیش ازین اراده نمودم که بسوی شما آمده باشم تا آنکه
- ۱۶ نعمت و بیکرا در یافته باشید * و از میان شما بمقدونیه عبور نمایم و باز از مقدونیه بنزد شما آمده باشم و از شما بدرقه گرفته بسوی یهودیه
- ۱۷ شتایم * پس این اراده را که نمودم آیا تلون را بکار بروم یا اراده
- ۱۸ من از روی بشریت که بلی بلی ونه نه در من است * بخدای
- ۱۹ امین قسم است که سخن ما نزد شما بلی ونه نشد * زیرا که پسر
- خدا عیسی مسیح را که مژده او از ما یعنی من وسیلوانس و تیمثیوس
- ۲۰ در میان شما پدید شد بلی ونه نشد بلکه در او بلی بود * زیرا که تمامی وعده های خدا بلی است در وی و در وی آمین است خدا را تعظیماً
- ۲۱ بوسیله ما * و آنکس که ما را با شما در مسیح ثابت می سازد و ما را
- ۲۲ مسیح نموده است خداست * که او ما را مهر نموده است و روح را
- ۲۳ بر سیل بیعانه با بخشیده است * و من خدا را بشهادت خود
- میخوانم که از راه آنکه شما را معاف دارم بقرنسس هنوز نیامده ام
- ۲۴ * و این نیست که بر ایمان شما حکم رانی نمائیم بلکه با شما رفیق در خوشوقتی می باشیم زانرو که در ایمان ثابت می باشید

باب دویم

- ۱ و من این را بر خود لازم دانستم که دیگر با اندوه نزد شما نیامده باشم
- ۲ * زیرا که اگر من شما را اندوهگین نمایم کیست که مرا خوشوقت
- ۳ سازد جز آنکس که از من متالم میشود * و من این را نوشتم بشما که مبادا من آمده اندوهناک شوم از آنانی که بایست از ایشان

- خوشوقت کروم باعتماد بر تمامی شما که خوشوقتی من خوشوقتی همگی
- ۲ شما می باشد * زیرا که از اندوه بسیار واز ولتنکی خود بشما
باشکهای بسیار نوشتم نه از آنجا که شما غصه خورید بلکه تا دریا بید
- ۵ آن محبت را که خصوصاً نسبت بشما دارم * و اگر کسی مرا غصه
دهد مرا غصه نداده است بلکه جزوی را مبادا که همگی شما را بار
- ۶ برودار نمایم * و آن سرزنش که از اکثری بر آن شخص واقع شده
است او را کافیسست * بنوعی که برخلاف گذشته شما را لازم
- است که او را عفو نموده تسلی دهید که مبادا این شخص در اندوه
۸ بی شمار متهلک گردد * پس از شما استدعا می نمایم که محبت را
۹ بوی ثابت نمائید * و بدین جهت نوشتم که بتجربه شما دریا بید که
۱۰ آیا در جمیع امور مطیع می باشید یا نه * و هر کس را که شما چیزی
عفو نمائید من نیز عفو می نمایم زیرا که اگر من کسی را از عملی عفو
۱۱ نمایم بجهت شما در مقام مسیح عفو می نمایم * تا آنکه شیطان
وست تطاول بر ما و راز نه نماید از آنجا که از اراده های او بی خبر
۱۲ نیستیم ما * و چون بترواس بجهت مژده مسیح آدمم و باب راه
۱۳ خداوند بجهت من مفتوح شده بود * از آنجا که تیتس برادر خود را
نیافتیم قلباً آرام نداشتیم پس از آنها مرخص شده بمقدونیه آدمم
۱۴ * و خدا را شکر که ما را در مسیح و ایم مظفر می سازد و رایحه معرفت
۱۵ خود را بوسیله ما در هر جا هویدا می سازد * که ما خدا را عطر خوشبوی
۱۶ مسیح می باشیم در ناجیای و در نالکان * در یک طایفه رایحه
مرک در مرک و در طایفه دیگر رایحه حیات در حیات و بجهت
۱۷ این امور کیست که کافی باشد * زیرا که ما چون بسیاری

اشخاص نیستیم. بمخالط نمودن کلام خدا بلکه چون راستان و چون مردان خدا پیش روی خدا در شان مسیح سخن میگوئیم

باب سیم

- ۱ آیا باز شروع در سفارش خود می نمائیم آیا چون بعضی احتیاج
- ۲ بسفارش نامحبات بشما یا از شما داریم * نامه ما شما می باشد که
- در دل‌های ما رقم شده است که بر همه خلق معروف است
- ۳ و خوانده میشود * که هویدا است که نامه مسیح می باشد که ما خوانمان
- آنیم و نه بسیاهی مرقوم است بلکه بروج خدای حی و نه در
- ۴ صفحهای سنگی بلکی در صحف جسمی دل * پس چنین
- ۵ اعتمادی از مسیح نرو خدا داریم * نه اینکه بخود اعتماد نمائیم که چون
- ۶ از خود چیزی تصور نمائیم بلکه استطاعت ما بخدا است * و اوست
- که ما را خادم پیمان تازه ساخته است که نیست نوشته بلکه روح
- ۷ است زیرا که نوشته می کشد و روح حیات می بخشد * و چون
- خدمت مرک بنوشته در سنگهای منقوش با اینهمه جلال واقع
- شد که بنی اسرائیل را طاقت نبود که در صورت موسی نکرند
- ۸ بجهت جلال فانی که در صورتش بود * چگونه خدمت روح بیشتر
- ۹ با جلال نخواهد بود * که چون خدمت الزام با جلال می بود
- ۱۰ خدمت عدالت بطریق اولی جلال را بیشتر وارو * بلکه آنچه با
- جلال بود نسبت باین هیچ جلال نداشت بسبب جلال فایق
- ۱۱ این * زیرا که چون آنچه معدوم می شد با جلال بود بطریق اولی آنچه
- ۱۲ باقیست با جلال است * پس چون چنین امید ما را می باشد
- ۱۳ در کمال وضوح آنرا بجا می آوریم * و چون موسی نمی نمائیم که بر

صورت خوون نقاب می بست بحدی که بنی اسرائیل را غایت
 ۱۲ آنچه فانی بود نیافتند * بلکه فهمهای آنها کور شد و تا امروز آن
 نقاب در هنگام مطالعه پنهان کهنه باقیست و پرواشته نشده
 ۱۵ است زیرا که آن از مسیح معدوم میشود * بلکه تا امروز وقتی که
 موسی را مطالعه می نمایند نقاب بر دل آنها گذارده می شود
 ۱۶ * و چون بسوی خداوند بازگشت شود نقاب پرواشته میشود
 ۱۷ * زیرا که خداوند روح است و جانی که روح خداوند است آزاده کی
 ۱۸ می باشد * و ما همه که بصورت آشکارا در جلال خداوند نگران می
 باشیم آن تمثال را اخذ می نمائیم از جلالی بجلالی از آنجا که از
 خداوند که روح است اخذ می نمائیم

باب چهارم

۱ پس ما که این خدمت را داریم از ترحمی که ما شده است خسته
 ۲ نمی شویم * بلکه از اسرار شرم آور و ورکشی می نمائیم و مکارانه رفتار
 نمی نمائیم و کلام خدا را مخلوط نمی نمائیم بلکه بسبب اظهار راستی
 ۳ خود در ضمیر هر کس نزد خدا منزل می گیریم * و اگر هم مژده ما
 ۴ مخفی ماند بر مالکان مخفی است * و آنانی که خدای این جهان
 فهمهای بی ایمانشانرا کور کرده است که مبادا روشنائی مژده
 ۵ جلال مسیح که شبیه خداست بر ایشان تابد * چه ماندا بخود نمی
 نمائیم بلکه بمسیح عیسی خداوند و خور را باینکه خادمان شما می باشیم
 ۶ بجهت عیسی * زیرا که خدائی که حکم فرمود که از ظلمت
 روشنائی ورخشده همانست که دلهای ما را روشن ساخت تا آنکه
 بمعرفت جلال خدا که در صورت عیسی مسیح است روشن

- ۷ سازو * واین کنجینرا در ظروف سفالی داریم تا آنکه فضیلت
 ۸ قدرت خدا را باشد نه ما را * ویوسته زحمت می کشیم لیکن
 ۹ در شکنجه نیستیم حیرانیم و مایوس نیستیم * تعاقب میشویم
 ۱۰ و واکنشته نشده ایم انداخته میشویم و هلاک نمی باشیم * ویوسته
 قتل عیسی خداوند را در بدن می کشیم تا که حیات عیسی در
 ۱۱ بدن ما آشکارا گردد * زیرا که پیوسته ما که زنده می باشیم در راه
 عیسی بقتل رسانده میشویم تا آنکه حیات عیسی نیز در جسم فانی
 ۱۲ ما بیدار شود * پس مرک در ما اثر می نماید و حیات در شما
 ۱۳ * و چون که ما نیز همان روح ایمان را داریم که مسطور است که
 ایمان آوردیم و جهت این حرف زدم ما نیز ایمان آورده ایم پس
 ۱۴ متکلم می باشیم * از آنجا که میدانیم که آنکس که عیسی را بر خیزانید
 ما را نیز بوساطت عیسی خواهد بر خیزانید و با شما حاضر خواهد
 ۱۵ ساخت * و این همه بعزت شماست تا آنکه نعمت فراوان
 موجب از ریاد تعظیم خدا بوساطت شکم گذاری اکثری گردد
 ۱۶ * و جهت این ما خسته نمی شویم بلکه هر چند شخص ظاهر ما از
 ۱۷ هم می پاشد لیکن شخص باطن ما هر روز تازه می گردد * زیرا که
 زحمت سبکی که ما در آنی میباشد بار جلال ابدی غایت
 ۱۸ الغایت را برای ما مهیا مینماید * از آنجا که ما در مرتبات نمی
 نگریم بلکه در نا مرتبها از آنجا که مرتبات زمانست و نا مرتبها
 جاودانست

باب پنجم

۱ از آنجا که میدانیم که اگر مسکن خاکی ما ریخته گردد عمارتی از خدا

- ۱ داریم خانه که دست آنرا نساخته است و ابدی دور آسمانست
- ۲ * دور این آه می کشیم از آرزوی هیکل روپوش ما که آسمانیست
- ۳ * از آنجا که هنگام پوشیدن عریان نخواهیم بود * زانجا که چون
- درین هیکل میباشیم از کرانیش آه می کشیم و حال آنکه نمی
- خواهیم از این عاری شویم بلکه بر روی این پوشیم تا که فانی
- ۵ مستغرق حیات کردو * وانگس که ما را بجهت این مهربا
- کردانیده است خداست و اوست که روح را به بیعانه ما واده
- ۶ است * پس وایم خاطر جمع میباشیم و میدانیم که ما وایمی که در
- ۷ وطن بدن میباشیم از خداوند بیگانه میباشیم * زیرا که با بیان رفتار
- ۸ میثائیم نه به بینش * پس با وجود آنکه خاطر جمع هستیم بیشتر
- ۹ خوانانیم که از بدن بیگانه شده نرو خداوند منزل گزینیم * پس این
- عزت را طالبیم که خواه توقف نمائیم و خواه بیرون رویم از ما
- ۱۰ خوشنوو باشد * از آنجا که ما همه را لازم است که در محکمه مسیح
- حاضر شده تا آنکه هر کس مکافات در بدن یابد بر وفق عملش
- ۱۱ خواه نیک و خواه بد * پس از ترس خداوند مستحضر شده خلق را
- و عوت میثائیم و نرو خدا ظاهر می باشیم و امیدوارم که بر شما بر شما
- ۱۲ نیز ظاهر باشیم * زیرا که چنین نیست که ما خود را بشما و اکناریم
- بلکه شما را موجب فخر میدهیم تا آنکه پیش کسانیکه بظاهر فخر
- ۱۳ میثائید نه بدل بیچیز نباشید * زیرا که اگر بیپوشیم ما بجهت
- ۱۴ خداست و اگر هشیاریم بجهت شماست * بدرستی که محبت
- مسیح ما را می کشد که چنین یافته ایم که چون یک شخص بجهت
- ۱۵ همه مرو پس همه مروه بوزند * و اینکه در راه همه مرو تا زنده گانی

دیکر بجهت خوو زیست نه نمایند بلکه بجهت آنکس که در راه
 ۱۶ آنها مرو ویر خاست * پس ما بعد از این هچیکس را از راه جسم
 نمی شناسیم بلکه هر چند مسیح را هم از راه جسم شناخته ایم لیکن
 ۱۷ من بعد دیکر نمی شناسیم * پس در صورتیکه کسی در مسیح باشد
 مخلوق تازه ایست که چیزهای کهن گذشته است و الحال
 ۱۸ تمامی چیزها نو شده است * و همه امور از خداست که ما را
 بوساطت عیسی مسیح بسوی خوو باز گردانیده است و خدمت
 ۱۹ صلح را نما عنایت فرموده است * و آن اینست که خدا در
 مسیح دنیا را بسوی خوو بر میکرواند و خطایای آنها را بر آنها نمی
 ۲۰ کیرو و کلام مصالحت را در نا قرار داد * پس بجهت مسیح
 ایلیچیکرمی میثائیم و کویا خدا بوساطت ما استدعا میثاید و ما بجهت
 ۲۱ مسیح استدعا میثائیم که با خدا صلح نمائید * زیرا که آنکسی که گناه را
 نشناخت در راه ما کفاره گناه قرار داد تا آنکه ما نفس عدالت
 خدائی در وی شویم

باب ششم

۱ خلاصه ما همکاران استدعا میثائیم که شما توفیق خدا را عبث مکیرید
 ۲ * که میکوید در زمانی سعید تورا اجابت نموده ام و در روز نجات
 تورا کمک کرده ام اینک حال زمان سعید است و الحال روز
 ۳ نجات * ما هچ کس را مطلقاً سد راه نیستیم از آنجا که ما با او نقصی
 ۴ در خدمت بیدید آید * بلکه در هر امر خوورا مقرر میثائیم که خاومان
 ۵ خدائیم بصبر بسیار در زحمتها در حاجتها در تنگیها * در صدمها
 در زندانها در هنگامها در محنتها در بیداریها در کرسنگیها

- ۴ * بپاکیزه کسی بدانش بحکم بمهربانی میپاک طینتی محبت بیی
- ۷ * بکلام راست بقدرت خدا بصلاح صداقت از راست وچپ
- ۸ * در عزت و زلت در فحش و خوش آمد چون مزور و سواره لوح
- ۹ * چون کم نام و مشهور چون اجل رسیده کان و اینک زنده ایم
- ۱۰ * و صدمه می یابیم و هلاک نمیشویم * چون غمخوار و وایم خوشحال
- مفلس و غنی کننده بسیاری چون بی چیز و مالک هر چیز
- ۱۱ * میباشیم * امی قرنتمس یان و هن ما بسوی شما باز شده است
- ۱۲ * و دل ما وسیع * شما در باره ما در تنگی نیستید بلکه در خود در
- ۱۳ * تنگی میباشید * و شما نیز که گویا با فرزندان تکلم میمائیم در عوض
- ۱۴ * کشاوه شوید * با بی ایمانان جفت ناچسب مشوید که صدق را با
- ناراستی چه شراکت و روشنی را با تاریکی چه رفاقت باشد
- ۱۵ * و مسیحا را با بدیع چه مناسبت است و مؤمن را با بی ایمان
- ۱۶ * چه مشارکت * و هیکل خدایا با بتان چه مشابَهت است از
- آنجا که شما هیکل خدای حی میباشید چنانچه خدا گفته است که من
- در میان آنها خواهم ماند و خواهم سیر کرد و من خدای آنها خواهم
- ۱۷ * بود و آنها اهل من خواهند بود * پس از میان آنها بیرون آئید
- ۱۸ * و جدا شوید و چیز نا پاک را مس نه نمائید و من شمارا می پذیرم * و من
- شمارا پدر خواهم بود و شما مرا پسران و دختران خواهید بود فرمان
- خداوند قادر مطلق است

باب هفتم

- ۱ پس امی محبوبان چون این وعده ما را داریم باید که از تمامی
- نجاستهای جسمانی و روحانی خورا پاک کنیم و از ترس خدا

- ۲ پاکیزه کسی را بنهایت رسانیم * و ما را به پذیرید که هر هیچ کس ظلم
- ۳ نکردیم و هیچ کس را متضرر نساختیم و از هیچ کس طمع نه نمودیم * و من
- از روی حجت سخن نمی گویم که پیش گفته ام که شما در دل ما
- ۴ هستید که در مرک و حیات با هم باشیم * ما نسبت بشما بسیار
- کستاخیست و ما از شما نهایت فخر است و با وجود مصیبتها پر
- ۵ از تسلی و لبریز سرور شده ام * زیرا که چون بمقدونیه رسیدیم جسم
- هیچ استراحت ندید بلکه در هر طریق زحمت می کشیدیم در ظاهر
- ۶ هنگامه ما و در باطن خوفها می بود * لیکن آنکس که افتاده کانرا
- تسلی و هنده است یعنی خدا ما را تسلی داده است بآمن
- ۷ تیتس * و نه از آمدنش و بس بلکه بجهت این تسلی که او در شما
- یافت و ما را آگاهی داد از شوق و غصه و غیرت شما در باره من
- ۸ بنوعی که بیش از بیش خوشوقت کردیم * زیرا که هر چند شما را
- بان مراسله غمکین گردانیدیم اما حال پشیمان نیستیم چنانچه
- بودم از آنجا که می بینم آن کاغذ را که در شما غم احداث نمود
- ۹ هر چند که ایام معدومی بود * و حال که خوشوقت میباشم نه از
- آنست که غصه خورید بلکه از آنست که تا بتوبه غصه خورید از
- آنجا که غصه شما در راه خدا بود که بهیچ وجه از ما نقصانی در شما
- ۱۰ بدید نیامد * و از آنجا که غصه در راه خدا نتیجه میدهد تو را که
- انجامش نجاتست و باعث پشیمانی نیست و غصه و نیائی
- ۱۱ نتیجه اش مرگست * چه این غصه شما که در راه خدا بود ملاحظه
- نمائید که چه مقدار جهد در شما بدید آورد بلکه معذرت و خشم و ترس
- و اشتیاق و غیرت و انتقام را و شما بالکلیه ثابت نمودید که خود از

- ۱۲ آنمقدمه عاری هستید * لهذا هر چند من بشما نوشتم لیکن نه بجهت
آن ظالم یا آن مظلوم بلکه از برای اظهار کردن بشما پیش
۱۳ روی خدا آن جهدی را که ما راست در باره شما * و باین جهت
از تسلی شما تسلی یافتیم و از خورسندی تیتس بنهایت
۱۴ خوشوقت شدیم از آنجا که قلبش از همگی شما آرام یافته بود * و از
آنجا که اگر اندکی در باره شما در پیش او فخر نمودم خجل نکشتم
بلکه چنانچه همه چیز را بشما براستی گفتم بهمان وضع فخر ما نیز نرو
۱۵ تیتس براستی بود * و مهر او با شما زیاد میشود و چون یاد می آرد
۱۶ اطاعت تمامی شما را که چگونه بترس ولرز او را پذیرفتید * پس
خوشوقتیم که از هر راه با شما خاطر جمع میباشم

باب هشتم

- ۱ ای برادران شما را آگاهی میدهم از نعمت خدا که بکلیسیایابی
۲ مقدونیه عطا شده است * زیرا که در امتحان عظیم از تنگی فراوانی
سرور ایشان و افلاس بی نهایت عظیم ایشان استغنائی
۳ سخاوت ایشان را افزوده است * زانجا که من شاهدیم که بقدر
۴ بالقوه بلکه بیش از بالقوه خود * باصرار بسیار از ما خواهش نمودند
که ما این نعمت و شراکت درین خدمت را که برای
۵ مقدسانست قبول نائیم * و این را بنوعی که ما مظنه داشتیم
۶ نکرند بلکه اول خود را بخداوند واژند و بمشیت خدا نیز با * پس
ما از تیتس استمداد نمودیم که چنانچه آغاز نمود این نعمت را در میان
۷ شما بانجام رساند * لیکن من میگویم که چنانچه در هر امر سبقت
گرفته اید در ایمان و کلام و دانش و کمال جهد و محبت خود نسبت

- ۸ با خبروار باشید که درین نعمت نیز بیفزائید * و من حکم نمی
 نمایم بلکه از راه کوشش و بیکران و تا بمحک زخم خالص بودن
 ۹ محبت شمارا * و شما میدانید کرم خداوند عیسای مسیح را که
 هر چند دو لئمنه بود در راه شما مفلس گردید تا آنکه با فلاسش
 ۱۰ دو لئمنه شوید * و در این امر چنین صلاح میدانم که این بجهت شما
 مناسب است چنانچه یکسال پیش ازین شروع نمودید نه در
 ۱۱ کردن و بس بلکه در مهیا شدن * الحال این فعل را بانتهای
 رسانید که چنانچه در اراده تند بودید در فعل نیز بهمان طور باشید
 ۱۲ بحسب آنچه دارید * که اگر خواهش مقدم باشد هر کس را بقدر
 ۱۳ مقدور قبول می افتد نه زیاده از مقدور * و من نمی خواهم که بر
 ۱۴ و بیکران اسهل و بر شما مشکل باشد * بلکه از راه مساوات تا
 ۱۵ آنکه در اینوقت زیادتی شما با نقص آنها باشد * و زیادتی آنها با
 نقص شما باشد تا که مساوات واقع شود چنانچه مرقوم است که
 آنکس که بسیار یافت زیاده نداشت و آنکس که کم یافت
 ۱۶ نقصان نه پذیرفت * و شکر خدا که این کوشش را نسبت بشما در
 ۱۷ دل نیتس قرار داد * از آنجا که استدعا را قبول کرد لیکن از
 ۱۸ تعجیل که داشت باختیار خود بنزد شما آمد * و فرستادم برفاقت
 وی آن برادر را که تعریفش بسبب اخیل در تمامی کلیسیایا
 ۱۹ میباشد * نه محض این بلکه از کلیسیایا برگزیده شد که همسفر ما
 باشد بهمراهی این نعمت که ما آنرا میرسانیم بجهت تعظیم
 ۲۰ همان یک خداوند و خاطر شما * و ما ازین باختر می بودیم که هیچ کس
 ۲۱ درین بخشش که ما خادم آن هستیم عیبی بر ما نکیرد * زیرا که

نه آنچه نرد خدا و پس مناسب است بلکه آنچه را نرد خلق نیز
 ۲۲ مناسب باشد می اندیشیم * و با آنها فرستاده ایم برادر خوراک
 او را در امور بسیار تجربه نمودیم که کوشش شماید و حال بجهت آنکه
 ۲۳ اعتماد کلی بر شما دارو بیش کوشش شماید * اگر کسی از تپس
 ستوآل نماید مرا رفیق است و بجهت شما هم پیشه من و اگر
 از برادران ما ستوآل نماید رسولان کلیسیا و جلال مسیح میباشدند
 ۲۴ * پس محبت خوراک و فخر ما را بشما بر ایشان ثابت نماید در
 حضور کلیسیا

باب نهم

۱ و خصوص خدمت شما بجهت مقدسان نوشتن من ضرور
 ۲ نیست * زانجا که میدانیم گرمی شما را و بدین جهت نرد مقدونیان
 در باره شما فخر میمایم که اخائی از پارینه مستعدند و غیرت شما اکثری را
 ۳ برانگیخته است * اما برادرانرا فرستادم تا آنکه فخر ما نسبت بشما
 درین خصوص عبت نکرود بلکه چنانچه من گفتم مستعد باشد
 ۴ * مبادا که اگر مقدونیان با من بیایند و شما را نا مستعد یابند شما را
 ۵ نمیکوئیم بلکه ما ازین فخر عظیم خجل شویم * پس لازم دانستم که
 از برادران استدعا نمایم که پیش نرد شما آمده باشند و برکت موعود
 شما را مهیا نمایند تا آنکه فی الحقیقه از راه برکت باشد نه از راه
 ۶ بخل * و این را میگویم که آنکس که بر گرفتگی تخم می پاشد
 بر رفتگی خواهد دروید و آنکس که با برکت خواهد پاشید با برکت
 ۷ خواهد دروید * و هر کس بنوعیکه در دل خود پسندیده است
 بعمل آرد نه از راه غصه یا ضرورت از آنجا که خدا بخشنده

- ۸ مشعوف را دوست میدارد * و خدا قادر است که بجهت شما هر نعمت را برکت دهد تا آنکه در هر صورت و هر وقت در
- ۹ کمال مستغنی بوده در هر عمل نیک بیغرائید * چنانچه مرقوم شده است که پاشید و داد مفلسان را و تصدق او تا ابد خواهد ماند * و آنکس که بنزد او به بزرگرمی نماید امید است که هم نان را بجهت خوراک شما بدهد و هم زراعت شما را برکت دهد و هم حاصل تصدق شما را بسیار سازد * تا که از هر راه با کمال سخاوت و ولتمند باشید که آن بوساطت ما ظاهر میسازد شکر کناری خدا را
- ۱۲ * از آنجا که خدمت این عمل مقدس نه همین حاجات مقدسان را رفع نماید بلکه بسیار شکر کناریهای خدا را افزایش
- ۱۳ * از آنجا که از اثبات این خدمت خدا را تعظیم می نمائید بجهت اطاعت آشکارای شما بمژده مسیح و بسخاوت بر ایشان و بر همه
- ۱۴ * و آنها در دعا بسیار مشتاق شما میباشند از آنجا که غایت
- ۱۵ توفیق خدا با شما میباشد * و شکر خدا راست بجهت آن انعامی که تقریری نیست

باب دهم

- ۱ و من که بولسم که ظاهراً در میان شما حقیر می باشم و در باطن بشما کستاخم بجهت حلم و فروتنی مسیح از شما التماس می نمایم
- ۲ * و خواهش می نمایم که مبادا چون حاضر شوم کستاخ باشم آنقدر که مظنه دارم که باشم نسبت بکسانی که ما را چنین میدانند که
- ۳ رفتار ما جسمانیست * زیرا که هر چند جسمانی رفتار می نمائیم لیکن
- ۴ بشیوه جسم جدال نمی نمائیم * زانرو که آلات جدال ما جسمانی

- ۵ نیست بلکه از خدائست که بر انهدام قلعهها قادر است * که خیالات و هر بلندی را که خلاف معرفت خداست پست
- ۶ میسازیم و هر عقل را اسیر مینمائیم که مسیح را مطیع شود * و بجهت انتقام گرفتن از هر قسم سرکشی مستعد می باشیم وقتی که اطاعت
- ۷ خود را تمام نمائید * آیا شما در ظاهر نگاه می کنید اگر کسی را اعتقاد اینست که خود زان مسیح است باید این را نیز بخاطر بگذارند که چنانچه او زان مسیح می باشد ما نیز زان مسیح می باشیم
- ۸ * و چنانچه من اندکی زیاده فخر نمایم از قدرت خود که خداوند ما داده است ۹ بجهت تعمیر شما نه بجهت خرابی خجل نمی شوم * این گفته شد که مبادا چنین ظاهر شود که شما بناها میترسانم
- ۱۰ * چنانچه میگوید که نامهای او کران و پر زور است و ظاهر رویتش کم زور و سخنش بی مغر * بخاطر آن شخص برسد که چنانچه ما در غیبت در نامها در کلام می باشیم بهمان وضع در حضور در
- ۱۲ فعل می باشیم * که بالقوه آن را نداریم که خود را مقارن یا مقابل نمائیم با آن که خود را می ستانند که ایشان از بسکه خود را بخود می
- ۱۳ آرایند و خود را با خود مقابله می کنند درک نمی کنند * و ما از آنچه زیاده از پیموده است فخر نمی نمائیم بلکه بقدر پیمایش مقدار می که خدا بجهت ما تقسیم نموده است و آن پیموده انجامش تا
- ۱۷ بشماست * که ما خود را ممتد نمی سازیم چنانچه گویا بشما نرسیده ایم از آنجا که با مژده مسیح بشما وارد شدیم * که ما بیش از پیمایش در عمل و بیکران فخر نمی کنیم بلکه امیدواریم که چون با یمن شما بیفرایید بوساطت شما بر وفق پیموده خود وسیع و افزوده سویم * که

در نواحی آنطرف شما مژده رسانیم نه آنکه در پیموده کس دیگر از
 ۱۷ عمل آراسته فخر نمائیم * که هر آنکس که فخر می نماید باید از خداوند
 ۱۸ فخر نماید * از آنجا که نه آنکس که خور را می ستاید مقبولست بلکه
 آنکس که خداوند او را می ستاید

باب یازدهم

- ۲ و میخواهم که ناوانی مرا اندکی متحمل شوید بلی متحمل شوید * زیرا
- که مرا در حق شما غیر تیسست خدائی که من شما را آراسته نمودم که
- شمارا چون دوشیزه پاکیزه نرد مروی حاضر سازم یعنی مسیح
- ۳ * لیکن میترسم که چنانچه مار حوآرا بمگر فریفت بهمان وضع
- ۴ درکات شمارا از ساده کسی در مسیح مکنر نماید * زیرا که اگر
- شخصی آید و بعیسمای دیگری که ما با و ندا نکریم ندانند یا اگر روح
- دیگری می یافتید که نیافته بودید یا مژده دیگری که نه پذیرفته بودید
- ۵ هر آینه بخوبی متحمل می شدید * از آنجا که من مظنه ندارم که هیچ
- ۶ وجه از بزرگترین حواریان کمتر باشم * که هر چند در تکلم آمی می
- باشم لیکن در وانش چنین نیست بلکه بالکلیه در هر امر نرد شما
- ۷ آشکارا کردیدیم * آیا که تقصیر کردم که خور را پست نمودم تا که شما
- ۸ بلند شوید یا که مفت مژده خدارا نرد شما آوردم * و از کلیسیایمی
- دیگر شلتاق نموده معاش خور را اخذ نمودم در خدمت کاری شما
- ۹ * و چون نرد شما حاضر بودم و احتیاج هم داشتتم بر هیچ کس بار
- نبودم و برادران از مقدونیه آمده رفع احتیاج مرا نمودند و در هر امر
- ۱۰ خور را نگاه داشته و خواهم داشت که بر شما بار نشوم * بر استی مسیح
- که در منست که این فخر در نواحی اغانیه از من مرتفع نخواهد

- ۱۱ شد * چرا آیا از آنجا که شمارا دوست نمیدارم خدا بهتر میداند
- ۱۲ * لیکن آنچه می کنم همان را خواهم کرد تا از آنانی که در بند فرصت اند فرصت را منقطع سازم تا که از آنراهی که فخر میکنند مثل
- ۱۳ ما یافته شوند * زیرا که این چنین اشخاص حواریان کاذب و مباشران حیلہ کنند که خوروا با حواریان مسیح مشتبه می نمایند
- ۱۴ * و این نیست عجب از آنجا که شیطان خود شبیه فرشته
- ۱۵ نورانی را می گیرد * پس چیزی نادر نیست هرگاه خادمانش نیز مشابہت بخدام صادق پیدا نمایند و انجام آنها بر حسب اعمالشان
- ۱۶ خواهد بود * و نیز میگویم که هیچ کس مرا احق نداند ورنه چون از
- ۱۷ احمقان از من متحمل شوید که من نیز اندکی فخر نمایم * آنچه در استقرار فخر میگویم در راه خداوند نمیگویم بلکه از راه حماقتست
- ۱۸ * از آنجا که بسیاری بحسب جسم فخر می نمایند من نیز فخر
- ۱۹ نمینمایم * زیرا که از آنجا که شما خود صاحبان فهم میباشدید بی فهمان را
- ۲۰ بخوشی متحمل میشوید * زیرا که متحمل میشوید اگر کسی شمارا بغلامی گیرد یا آنکه شمارا فرو برد یا از شما چیزی گیرد یا خوروا بلند
- ۲۱ سازد یا شمارا بر رخ طپاچه زند * و از روی حقارت حرف میزنم چنانچه کویا ما حقیر بودیم لیکن در هر راه که کسی جرأت دارد از
- ۲۲ راه حماقت میگویم که من نیز جرأت دارم * آیا آنان عبری میباشدند من نیز هم هستم اسرائیلی هستند من نیز هم از نسل
- ۲۳ ابراهیم من نیز هم * اگر خادمان مسیحند از راه بیهوشی سخن میگویم که من بیشتر هستم در محنتها افزون در ضربها اشد در
- ۲۴ زندانها ازید در هلاکتها بارها * از یهود پنج مرتبه چهل و یکی کم

۲۵ تازیانه خوروم * سه مرتبه چوب خوروم یک دفعه سنکسار شدم
 ۲۶ سه مرتبه کشتیم شکست یک شبان روز در دریا بسر بروم * مکرر
 در سفرها و خطرهای رود خانها و خطران وزدان و خطرنا از قوم خو
 و خطرنا از قبائل و خطرنا در صحرا و خطرنا در دریا و خطرنا در میان
 ۲۷ برادران کاذب * در محنت و مشقت و بارنا در بیداریها و در
 ۲۸ کرسنکسی و تشنکی و بارنا در فاقها و در سردی و برهنکی بووم * علاوه
 بر این همه چیزهای خارجی نیز آنچه بر من هر روزه شکنجه می نماید
 ۲۹ از اندیشه نمودن بجهت تمامی کلیسیاها * که چه کس کم زور
 است و من کم زور نباشم و چه کس در صدمه است و من
 ۳۰ مشتعل نشوم * و چون باید فخر نمود پس از چیزهایی که ضعف
 ۳۱ من در آنست فخر مینمایم * که خدا و پدر خداوند ما عیسای مسیح که
 ۳۲ تا باید مبارک باد آگاه هست که دروغ نمیگویم * و در و مشق چون
 حاکم از جانب هرتاوس شاه شهر و مشقیان را بجهت گرفتن
 ۳۳ من محارست مینمود * از در ریچّه در زنبیلی از دیوار پائین آمده
 از چنگ آنها بدر رفتم

باب دوازدهم

۱ و با وجودیکه فخر نمودن مناسب من نیست نیز بمشاهدات
 ۲ و مکاشفات خداوند می آیم * مروی را در مسیح می شناسم که دوازده
 سال پیش ازین خواه در بدن و خواه بیرون از بدن این را نمی
 ۳ دانم خدای داند که آن شخص تا باسمان سیم کشیده شد * و آن
 مرورا میدانم آیا در بدن یا بیرون از بدن این را نمیدانم خدا میداند
 ۴ * که تا بفرووس کشیده شد و کلام بی تقریری را شنید که ممکن

- ۵ نیست که بخلق آنرا تفریر نماید * از اینچنین شخصی فخر می‌نمایم
- ۶ و از خود فخر نمی‌کنم جز از ناتوانیهای خود * هر چند که اگر فخر نمایم
- ۷ احسب نخواهم بود از آنجا که راست میگویم لیکن ترک می‌کنم که
- ۸ مبادا کسی گمان بیش از آنچه از من بینداید می‌شنود برو * و از
- آنجا که مبادا از غایت مشاهده مغرور شوم نیشتری در جسم
- جهت بی‌قرار واده شد که فرستاده شیطانست تا مرا مشقت
- ۹ زند که مبادا مغرور شوم * و سه دفعه از خداوند درین خصوص
- ۱۰ سؤال نمودم که از من جدا شو * لیک او فرمود مرا که توفیق
- من کافیهست تو را زیرا که توانائی من در ناتوانائی کامل میشود
- پس بخوشوقتی تمام اختیار می‌نمایم که فخر نمایم از ضعفهای خود تا
- ۱۱ آنکه قوت مسیح بر من پرتوافکن گردد * پس از ناتوانیها
- و رسوائیها و حاجتها و زحمتهای و صدمهها در راه مسیح راضی هستم
- ۱۲ از آنجا که چون ناتوانم همان لحظه توانا می‌باشم * و جهت فخر
- نمودن احسب شدم چون شما بر من زور آورید از آنجا که بایست
- شما تعریف مرا نمائید که از بزرگترین حواریان از هیچ رو کمتر
- ۱۳ نیستم هر چند هیچ نیستم * و از آنجا که نشانهای حواری بکمال صبر
- در میان شما بیدید شده است یعنی از علامات و امور غریب
- ۱۴ و معجزات * و آن چیست که شما در آن از کلیسیایابی دیگر کمتر
- می‌باشید جز آنکه من بار بر شما نشده ام این ظلم را جهت
- ۱۵ خاطر من به بخشید * اینک بار ستم است که بآمدن نزد شما
- مهیای می‌باشم و بر شما بار نخواهم شد از آنجا که مال شما را نمیخواهم
- بلکه خود شما را که فرزندانرا تربید که جهت والدین جمع نمایند

- ۱۵ بلکه والدین بجهت فرزندان * که من بخوشوقتی تمام خرج میکنم و خرج کرده خواهم شد در راه جانهای شما هر چند که هر قدر
- ۱۶ شمارا بیشتر دوست دارم کمتر دوست داشته شوم * و شاید که هر چند من خود بار شما نکشتم لیکن چون حیلہ در بودم شمارا بمگر
- ۱۷ بچنگ آوردم آیا من بوساطت کسی از آنها که نزد شما فرستادم از شما طمع نمودم * از تیتس استدعا نمودم و برادر و بیکرا همراهش
- فرستادم آیا تیتس بشما دست اندازی نمود آیا بیک روح
- ۱۹ و بیک آثار رفتار نمودیم * آیا باز کمان می کنید که بجهت خود نزد شما عذر می آوریم نمی پیش خدا در مسیح سخن میگوئیم و نامی
- ۲۰ ای محبوبان بجهت تربیت شماست * زیرا که می ترسم که چون من بیایم شمارا چنان یابم که نمیخواهم و شما مرا چنان یابید که نمیخواهید و مباراک نزارها و غیرتها و غیظها و جدلها و غیبتها
- ۲۱ و سرکوشیها و عبوسها و فتنها باشد * و مباراک چون بیایم خدا مرا در میان شما پست سازد و از بسیاری از آنان که پیش کنه
- کردند و از بی عصمتی و زنا و فحش توبه نکرند غصه خورم

باب سیزدهم

- ۱ و این مرتبه سیم است که میخواهم که بنزد شما آیم هر مقدمه از
- ۲ زبان دوسه شاهد ثابت خواهد کشت * پیش ازین گفته ام و حال نیز اخبار می نمایم گویا مرتبه دیگر حاضر می باشم و حال در
- غیبت بکسانی که تقصیر کرده اند و بهمه باقی می نویسم که اگر این
- ۳ بار آیم در یغ نخواهم نمود * زیرا که شما بران طلب می نماید که مسیح بوساطت من سخن میگوید و او نسبت بشما کم زور

- ۴ نیست بلکه او بر نفس شما قادر است * از آنجا که هر چند از
عجز مصلوب گردید لیکن از قدرت خدا زنده می باشد و ما نیز
در روزی عاجز می باشیم لیکن از قدرت خدا که در شماست باوی
۵ زنده خواهیم بود * خود را تجربه نمائید که آیا در ایمان هستید و خود را
بیازمایید آیا شما خود نمیدانید که عیسای مسیح در شما می باشد
مگر آنکه مردود باشید * و امیدوارم که خواهید یافت که ما مردود
۷ نیستیم * و از خدا سؤال می نمائیم که شما از بدی معری باشید نه
این را که ما نیکو ظاهر کردیم بلکه این را که شما نیک باشید هر چند
۸ ما چون مردودین باشیم * زیرا که ما بر خلاف راستی هیچ کار نمی
۹ توانیم نمود بلکه آنچه کنیم در راه راستی است * از آنجا که
خوشوقت میباشیم چون ما ناتوان و شما توانا میباشید و جهت
۱۰ این استدعا می نمائیم که شما مستحکم گردید * و جهت این در
غیبت من این را می نویسم که مبادا چون حاضر شوم درشتی را
کار بفرمایم بحسب آن قدرت که خداوند بمن داده است
۱۱ جهت عمارت نه ویرانی * خلاصه ای برادران خوشوقت
شوید مستحکم گردید خاطر جمع و متفق و با صلح باشید که خدای
۱۲ محبت و آرام با شما خواهد بود * و یکدیگر را ببوسه مقد سلام
۱۳ رسانید * و تمامی مقدسان شما را سلام میرسانند * توفیق عیسای
مسیح خداوند و محبت خدا و رفاقت روح القدس با همگی شما باد
آمین

نامه یولس خواری بکلتیان

باب اول

- ۱ یولس خواری شده نه از جانب خلق وه بوساطت خلق بلکه از
- ۲ عیسای مسیح و خدای پدر که اورا از مرده کان بر خیزانید * و از تمامی
- ۳ برادران که با من می باشند بکلیسیای کلتیه * (می خواهد) که
- ۴ فضل و آرام بر شما باد از خدای پدر و خداوند ما عیسای مسیح * که
- ۵ خوروا در راه کنایان ما فدا نموده است تا آنکه ما را ازین جهنم
- ۶ زشت خلاصی بخشید بمشیت خدا و پدر ما * که اورا تا ابد الابد
- ۷ جلال باد آمین * و من تعجب مینمایم که شما باین زووی بر گشتید
- ۸ از آنکس که شما را بفضل مسیح خوانده بود بمژده و پیکر * که فی
- ۹ الحقیقه مژده و پیکر نیست مگر اینکه بعضی هستند که شما را
- ۱۰ مضطرب میسازند و میخواهند که انجیل مسیح را منحرف نمایند
- ۱۱ * لیکن اگر ما یا فرشته از آسمان مژده و پیکر جز اینکه ما بشما رسانیدیم
- ۱۲ رساند ملعون باد * چنانچه پیش گفتم حال نیز میگویم که اگر
- کسی شما را مژده دهد جز آنکه یافتید ملعون باد * آیا الحال
- مردم را راغب مینمایم یا خدارا یا آیا خوش آمد مردم را می جویم اگر
- خوش آمد می نمودم خلق را خادم مسیح نمی بودم * وای برادران
- من شما را خبر میدهم در باره آن مژده که من آوردم که بحسب
- ۱۳ خلق نمی باشد * از آنجا که من آنرا نه از خلق یافتم وه فرا گرفتم

- ۱۳ مکر بانگشاف عیسای مسیح * و شما سرگذشت مرا در دین
 یهود پیش ازین شنیده اید که بشدت کلیسیای خدا را مزاحم
 ۱۴ شده اورا ویران نمودم * و در دین یهود از اکثر رفقا سبقت جست
 ۱۵ که تعصب سنن پدران خورا بیشتر داشتم * لیکن چون خدا که
 ۱۶ مرا از شکم ماور جدا نمود و بفضل خو خواند راضی شد * که پسر
 خورا بر من جلوه کرد سازو تا آنکه مژده اورا در میان قبائل رسانم
 ۱۷ در آنوقت بجسم و خون پرداختم * و نه باورشلیم بنزد آنکسان که
 قبل از من حواری بودند رفتم مگر بیدار عرب رفته باز بدمشق
 ۱۸ برگشتم * و باز بعد از سه سال باورشلیم رفتم که با پطرس
 ۱۹ ملاقات شوو و پانزده روز با وی بودم * و کسی دیگر از حواریان را
 ۲۰ ندیدم جز یعقوب برادر خداوندرا * و آنچه بشما نوشتم اینک در
 ۲۱ حضور خدا مینویسم که دروغ نیست * و بعد ازین بنواحی شام
 ۲۲ وقلیقیه آمدم * و در کلیسیای یهودیه که در مسیح میباشند صورت
 ۲۳ غیر معروف میبودم * و آنها همین قدر شنیده بودند که آنکس که
 مارا پیش مزاحم می بود حال ندا میکنند بانطریق که پیش ویران
 ۲۴ مینمودم * پس بسبب من خدا را تعظیم مینمودند

باب دویم

- ۱ و باز بعد از چهارده سال دیگر بار باورشلیم رفته برنباس
 ۲ و تیتس را همراه گرفتم * و بحسب الهام رفتم و نزد ایشا بیان
 نمودم آن مژده را که در میان قبائل ندا بان میکنم لیکن در خلوت
 ۳ بمعتربان ایشان که مبارک بیهوده بدوم یا دویده باشم * هر چند
 ۴ ضرور نبود که تیتس هم که با من بود ختنه شوو که یونانی بود * مگر

- بسب برادران کاذب پنهانی آمده که داخل شده بودند که
 آزادی ما را که در مسیح عیسی واریم تفحص نموده تا ما را به بنده کسی
 ۵ در آزند * لیکن ایشانرا یک ساعت هم از راه اطاعت منقاد
 ۶ نکشتیم تا آنکه حقیقت انجیل در میان شما پایدار باشد * دور
 خصوص آنها که ظاهراً چیزی بودند هر چه بودند نرو من تفاوت
 ندار که خدا صورت خلق را نمی پذیرد و آن بزرگان بر من هیچ
 ۷ نیفزوزند * بلکه چون دیدند که من بدون مزه بغیر مختونان
 ۸ امین شده ام چنانچه پطرس باهل ختنه * از آنجا که آنکس که
 بجهت رسالت پطرس باهل ختنه تقویت نمود همانکس نیز
 ۹ مرا در میان قبائل تقویت نمود * و چون یافتند یعقوب و کیناس
 و یوحنا که ظاهراً ستون میبوزند آن فضیلت را که بمن عطا شده
 است و ستهامی راست را بجهت شراکت بمن و برنباس
 دادند تا آنکه ما در میان قبائل برویم و ایشان باهل ختنه
 ۱۰ * و همین را می خواستند که مفلسانرا یاد آریم و من نیز در همین
 ۱۱ عمل جهد می کردم * و چون پطرس بانطاکیه آمد او را رو برو
 ۱۲ مخالفت نمودم از آنجا که مستوجب مؤاخذه بود * زیرا که پیش از
 آمدن بعضی از جانب یعقوب با قبائل اکل می نمود و چون
 آنها آمدند متواری گشته از ترس اهل ختنه خورا جدا ساخت
 ۱۳ * و باقی یهودیان در ریای او شریک شدند بحدی که برنباس نیز
 ۱۴ از ریای آنها از جا کنده شد * لیکن چون من دیدم که بحسب
 حقیقت انجیل درست قدم نمی زنند در نرو همگی پطرس را
 کفتم چون تو که یهودی هستی بطور قبائل زیست می کنی نه

بطور یهودی چونست که بر قبائل زور می آوری که به یهودیت
 ۱۶ پروازند * ما که طبعاً یهودی هستیم و نه از قبائل کناه کاران * از
 آنجا که میدانیم که مردم از اعمال شرعی عدالت نمی یابند مگر
 با ایمان بر عیسای مسیح مانیز بر عیسای مسیح ایمان آوردیم تا آنکه
 از ایمان بمسیح عادل شویم نه از اعمال شرعی زیرا که از اعمال
 ۱۷ شرعی هیچ بشری عدالت پیدا نخواهد کرد * و اگر هنگامی که می
 خواهیم در مسیح عدالت پیدا نمائیم خود کناه کار باشیم مسیح واسطه
 ۱۸ کناهست و حاشا عن ذالک * که اگر آنچه را که خراب نمودم
 ۱۹ باز تعمیر نمایم خود را خاطی قرار خواهم داد * که من بعثت شریعت
 ۲۰ از شریعت فانی شدم تا آنکه در خدا زنده باشم * و با مسیح
 مصلوب شدم و زنده هستم لیکن نه منم بلکه مسیح است که
 در من زنده است و زنده گانی که حال در جسم مینمایم با ایمان
 بر پسر خدا مینمایم که با من محبت نموده خود را در راه من تسلیم
 ۲۱ نمود * توفیق خدا را ضایع نمی سازم که چنانچه عدالت از راه
 شریعت پیدا شود بدیهی است که مردن مسیح مطلقاً مصرف
 نداشت

باب سیم

۱ ای گلتیان خفیف العقل کیست که شما را چشم بند نموده
 است که راستی را اطاعت نه نمائید و حال آنکه در چشمان شما
 ۲ عیسای مسیح که در میان شما مصلوب بود ظاهر میبود * و این را
 میخواهم که از شما معلوم نمایم و بس که آیا روح را از اعمال شرعی
 ۳ یافتید یا از استماع ایمان * آیا شما اینقدر بی مدرک میباشید که

- ۴ در روح شروع نمودید و حال میخواهید که در جسم کامل گردید * آیا
 این همه زحمت را بیهوده مستحتمل شدید لیکن شاید که بیهوده
 ۵ نباشد * وانگس که روح را بشما عطا می نماید و در میان شما
 ۶ معجزات مینماید از اعمال شرعی مینماید یا از اعتقاد ایانی * چنانچه
 ابراهیم خدا را باور نمود و این در باره او عدالت شمرده گشت
 ۸ * پس در یابید که اهل ایمان همان پسران ابراهیم اند * و کتاب
 چون پیش دید که خدا قبائل را از ایمان عادل می شمارد با ابراهیم
 ۹ پیش مرده داد که تمامی قبائل از تو برکت خواهند یافت * پس
 ۱۰ اهل ایمان با ابراهیم مؤمن برکت می یابند * و کسانیکه مقید باعمال
 شرعی اند مورد لعنت می باشند از آنجا که نوشته شده است که
 ملعون باد هر کس که ثابت نباشد در تمامی نوشتههای شریعت
 ۱۱ تا آنکه همرا بجا بیارد * و این بدیهی است که هیچکس را
 عدالت نرود خدا از شریعت حاصل نمیشود از آنجا که عادل با ایمان
 ۱۲ زنده کسی خواهد یافت * و شریعت را نسبتی با ایمان نیست بلکه
 ۱۳ آنانیکه آنها را بجا آورده اند از آنها زنده کسی خواهند یافت * و مسیح
 ما را از لعنت شریعت فدیة کشته است که بجای ما مورد لعنت
 شد از آنجا که نوشته شده است که ملعونست هر کس که از دار
 ۱۴ آویخته شده است * خلاصه چنین شد تا که برکت ابراهیم در
 قبائل بوساطت مسیح عیسی بدید آید تا آنکه وعده روح را از راه
 ۱۵ ایمان یافته باشیم * امی برادران بر حسب خلق تکلم مینمایم که
 اگر ایمانی از خلق باشد و بس چنانچه بسته شد هیچ کس آنرا
 ۱۶ باطل نمی سازد و چیزی بر آن نمی افزاید * حالا ابراهیم و نسلش را

- وعدہ ہا کرده شدہ ہوو وومی کوید نسلہمارا کہ بسیار باشند بلکہ
- ۱۷ ہمچون یک یعنی نسل تو را واوست مسیح * ومن میکویم کہ
آن عہدی کہ از خدا بستہ شد در مسیح شریعت کہ چہار صد
وسی سال بعد بیدار شد آنرا منسوخ نمی سازد بنہجی کہ آن
- ۱۸ وعدہ باطل شوو * واکر میراث از راہ شریعت باشد ویکر از راہ
وعدہ نخواهد ہوو لیکن خدا این را ببراہیم بحسب وعدہ عنایت
- ۱۹ نمودہ است * پس شریعت چیست بلی بحہت تجاوزنا
ملحق کرید تا هنگام آمدن آن نسل کہ وعدہ باو شد وبوساطت
- ۲۰ فرشتگان از دست واسطہ قرار گرفت * وواسطہ بحہت
- ۲۱ یکطرف نیست و خدا یکیست * پس آیا شریعت خلاف
وعدہ ہا می خداست حاشا وکلا زیرا کہ اگر شرعی مقرر شدہ ہوو کہ
می توانست زندہ کسی بخشد ہرآینہ از شریعت عدالت پیدا می
- ۲۲ شد * لیکن اکنون کتاب ہما را بیک وتیرہ در کناہ کشیدہ
است تاکہ آن وعدہ مؤمنانرا از ایمان بعیسای مسیح وادہ شوو
- ۲۳ * اما قبل از آمدن ایمان در تحت شریعت مقید شدیم و تا آمدن
۲۴ ایمان کہ ظہورش آیندہ ہوو بستہ شدیم * پس شریعت مارا
استاد کشتہ است بمسیح تا آنکہ از ایمان عدالت را حاصل
- ۲۵ نمائیم * لیکن بعد از آمدن ایمان ویکر محکوم استاد نیستیم * از
- ۲۶ آنجا کہ ہمہ فرزندان خدا ہستید بایمان بر عیسی مسیح * زیرا کہ
اشخاصی کہ از شما بتعمید داخل مسیح شدید ملبس بمسیح
- ۲۸ شدید * ونہ بہوو ونہ یونانی ونہ بندہ ونہ آزاد ونہ نرونہ ماوہ از آنجا کہ
- ۲۹ شما ہمہ در مسیح عیسی یک میباشید * وچون زان مسیح می

باشید خلاصه آنست که نسل ابراهیم میباشید و بر حسب وعده
از وارثان میباشید

باب چهارم

- ۱ و من میگویم ما دومی که وارث صغیر است با بنده توفیر ندارد
- ۲ با وجودی که خداوند همه است * بلکه تا هنگامی که پدرش مقرر
- ۳ نموده است در تحت وکلا و ناظرانست * و ما نیز چون طفل بودیم
- ۴ در تحت مبادی و نیوی بنده بودیم * و چون هنگام کمال فرا رسید
- ۵ فرستاد خدا پسر خووراکه از زن زائیده شد در تحت شریعت * تا
- آنکه آمانی را که در تحت شریعتند فدی شود که مقام پسر خوانده کسی را
- ۶ یابیم * و از آنجا که پسران می باشید خدا روح پسری خوورا بدلها می
- ۷ شما نازل نمود و او فریاد میکند یا ابا اسی پدر * پس ویکر بنده
- نیستی بلکه پسری و چون پسر باشی وارث خدائی بوساطت مسیح
- ۸ * لیکن در آن هنگام که خدا را نمی شناختید آنان را که بالطبع
- ۹ خداوندان نیستند بنده کسی می نمودید * اما حال که عارف بخدا
- می باشید یا فی الحقیقه بخدا معروف شدید چونست که بسوی
- مبادی ضعیف ناتوان رجعت می نمائید و ویکر از نو بآنها میخواستید
- ۱۰ که بنده کسی نمائید * روزها و ما! و فصلها و سالها را نگاه می دارید
- ۱۱ * میترسم از آنجا که مبادا در میان شما بیجا تصدیح کشیده باشم
- ۱۲ * اسی برادران از شما استند ما می نمایم که چون من شوید زانجا که
- من چون شما میباشم شما بهیچوجه ضرری بمن نرسانیده اید
- ۱۳ * و خود میدانید که مزه را بشما با ضعف جسم نخست رسانیدیم
- ۱۴ * و شما بسبب آن تجربه جسمی که در من بود مرا امانت نرسانیدید

- و در نه نمودید بلکه چون فرشته خدا و چون مسیح عیسی قبول کردید
- ۱۵ مرا * چه مقدار بود مبارک باوشما که شاهد هستم که اگر ممکن بود
- ۱۶ چشمهای خود را کنده بمن میدادید * پس آیا شما را دشمن کشتم
- ۱۷ چون بشما راست گفتم * نسبت بشما حمیت دارند لیکن نه
- نیکیونی بلکه میخواهند ما را رانده باشند تا آنکه شما نسبت بانها
- ۱۸ حمیت نمانید * سزاوار است که شما پیوسته در امر نیکی حمیت
- ۱۹ داشته باشید نه همین که من نزد شما حاضر میباشم * ای طفلهای
- من که از شما باز در دروزه میباشم تا هنگامی که مسیح در شما بالکلیه
- ۲۰ مصور شود * میخواهم که الحال نزد شما باشم و صدای خود را تغییر
- ۲۱ دهم زیرا که از شما در شک میباشم * ای کسانی که میخواهید در
- تحت شریعت باشید بمن بگوئید که آیا سخن شریعت را مسموع
- ۲۲ نمیدارید * زیرا که نوشته شده است که ابراهیم دو پسر داشت
- ۲۳ یک از کنیز و دیگری از آزاد * لیکن پسر کنیز بحسب جسم تولد
- ۲۴ یافت و پسر زن آزاد بر وفق وعده * اینها بر سبیل مثال است
- از آنجا که این دو زن دو عهد هستند یکی از کوه سینا که بجهت
- ۲۵ بنده کسی میزاید و آن باجره است * و آن باجره کوه سیناست در
- عرب و باور شلیم موجود هم قدم است و با فرزندان خود در بنده کسی
- ۲۶ هست * و آن اورشلیم که در علیین است آزاد است و مادر
- ۲۷ همگی ما اوست * که نوشته شده است که خوش باش ای عاقره
- که نرانیده و بانک بر آور و فریاد نما ای که دروزه را ندیده زیرا که
- ۲۸ اولاد زن بی کس بسیار بیش از فرزندان صاحب شوهرند * و ما
- ۲۹ ای برادران چون اسحاق اطفال وعده میباشیم * لیکن

چنانچه آنوقت آنکه بحسب جسم تولد یافت آنرا که بحسب
 ۳۰ روح بود صدمه میرسانید حال نیز چنین است * لیکن کتاب
 چه میگوید کنیزک و پسرش را اخراج نما از آنجا که پسر کنیز با پسر
 ۳۱ زن آزاد میراث نخواهد یافت * پس خلاصه ای برادران
 اینست که ما اولاد کنیز نیستیم بلکه اولاد زن آزادیم

باب پنجم

- ۱ پس در آن آزادی که مسیح با خشیده است پایدار بمانید و دیگر
- ۲ بار در غل بنده کسی گرفتار تیاثید * اینست که من که پولسم
 شمارا میگویم که اگر شما مختون شوید مسیح در باره شما سوومند
- ۳ خواهد بود * ونیز مکرر آنکه هرکس که مختون شود فتوی میدهم
 که بر او واجب است که شریعت را تماماً بجا آرد * و شمارا با
- مسیح هیچ کار نیست ای کسان که از شریعت عدالت حاصل
- ۵ می نمائید و از توقیق افتاده اید * زیرا که ما از روح امیدوار
- ۶ عدالت از ایمان می باشیم * که در مسیح عیسی ختنه و نامختونی
- ۷ هیچ اثر ندارد جز ایمان که بمحبت عمل مینماید * و شما خوب می
- ۸ شنافتید آن کیست که شمارا از اطاعت راستی مانع کشت * که
- ۹ این اعتقاد از آنکس که شمارا خوانده بود نمی باشد * اندک
- ۱۰ خمیری تمام چو را خمیر می سازد * من بر شما اعتماد دارم در خداوند
 که دیگر چیزی خیال نخواهید نمود و آنکس که شمارا مضطرب می
- ۱۱ نماید هرکس که باشد عقوبت را بگردن خواهد گرفت * وای
 برادران اگر هنوز من بختنه ندا کنم چرا زحمت میکشم یقین
- ۱۲ است که کراهت صلیب بر خاسته است * ای کاش آنان که

- ۱۳ شمارا از جامی بزند خور را بربزند * از آنجا که شما ای برادران آزادی خوانده شدید لیکن همین آزادی را فرصت بجهت جسم مدانید
- ۱۴ بلکه یکدیگر را بنده کسی نمائید در طریق محبت * از آنجا که تمامی شریعت بیک سخن کامل میشود یعنی تو آشنای خود را چون
- ۱۵ خود دوست دار * و اگر شما یکدیگر را بگزید و بخورید بیم است که
- ۱۶ از یکدیگر بلعیده شوید * و میگویم من که بروح رفتار نمائید که خواهش
- ۱۷ جسم را کامل نخواهید نمود * از آنجا که جسم را خواهش بر خلاف روحست و روح را بر خلاف جسم و این هر دو ضد یکدیگرند بنهجی
- ۱۸ که آنچه خواهید نمی توانید نمود * و اگر از روح هدایت شوید در
- ۱۹ تحت شریعت نمی باشید * و اعمال جسم ظاهر است و آن
- ۲۰ اینست فسق زنا بی عصمتی فحش * بت پرستی جادوگری
- ۲۱ و شمنیها نزاعها غیرتها خشمها جدلها جدائیها بدعتها * حسد با قتلها مستیها قلاشیهها و امثال اینها من شما را خبر میدهم چنانچه
- پیش وادم که عاملان این اعمال وارثان ملکوت خدا خواهند
- ۲۲ بود * و ثمر روح محبت است و سرور و آرام و حلم و مهربانی و اخلاق
- ۲۳ و وفاداری * و افتاده کسی و پرهیزکاری و بر چنین کسان شریعتی
- ۲۴ نمی باشد * و آنان که زان مسیخند جسم را با خواهشها و تمنایا
- ۲۵ صلیب نموده اند * چون بروح زنده مسیح هستیم بروح نیز قدم
- ۲۶ زنییم * جاه طلب نباشیم باوعای بر یکدیگر و حسد بر یکدیگر

باب ششم

۱ وای برادران اگر کسی ناگاه بخطائی گرفتار شود شما که روحانی میباشید آن شخص را بنفس حلم پیرایه بندید و خود را نیز ملاظه

- ۲ نما که مبادا تو نیز در امتحان افسی * ویکدیگر را بیار و دستگیری
- ۳ نماند و باین نوع در شریعت مسیح کامل باشید * اگر کسی کمان
برو که چیزی هست ما دمی که چیزی نیست خورا میفریبد
- ۴ * و باید هر کس عمل خورا تحقیق نماید که آنوقت خود مجال فخر را
در خود خواهد یافت نه از شخص دیگر * زیرا که هر کس حامل بار
- ۶ خود خواهد بود * و باید که آنکس که از کلام تربیت میباید مرئی را
- ۷ در همگی نعمتها شریک سازد * و کول نخورید که خدا فریفته نمی
- ۸ شود ز آنرو که شخص هر چه افشاند همان خواهد دروید * چه آنکس
که در راه جسم خود می پاشد از جسم فساورا خواهد دروید
و آنکس که در راه روح می افشاند حیات جاویدانی را خواهد
- ۹ دروید * از نکوئی ملول نگریم از آنجا که اگر ملول نباشیم در
- ۱۰ موسم خاص خواهیم دروید * پس بقدری که فرصت داریم در
- ۱۱ باره همگی احسان بنائیم خصوصاً در باره خاندان ایمان * و می
- ۱۲ بینید که من از دست خود چه مقدار کاغذ بشما نوشتم * اشخاص که
من خواهند ظاهرا در جسم آراسته باشند شمارا مجبور می نمایند که
خنه نماند محض ازین رو که مبادا از صلیب مسیح زحمت
- ۱۳ کشند * از آنجا که همان اشخاص که ختنه می شوند خود شریعت را
بر قرار نمیدارند بلکه خواهند که شما ختنه شوید تا آنکه از ظاهر شما
- ۱۴ فخر نمایند * لیکن میسرم نگرود که فخر کنم جز از صلیب خداوند ما
عیسای مسیح که بوساطت آن مرا دنیا صلیب شده است
- ۱۵ و من دنیا را * دور مسیح عیسی نه ختنه مصرف وار و نه نامختونی
- ۱۶ جز خلقت نو * و آنانی که بر حسب این قانون رفتار مینمایند آرام

۱۷ و رحمت بر آنها باد و بر اسرائیل خدا * و دیگر هیچکس مرا تصدیق
 ۱۸ ندهد که نشانهای و اغهای عیسی خداوند را در جسد خود دارم
 * توفیق خداوند ما عیسای مسیح با روح شما باد اسی برادران آمین

نامهٔ پولس حواری بافسیسیان

باب اول

- ۱ پولس حواری شدهٔ عیسای مسیح بمشیت خدا بمقدسانی که در
- ۲ افسس می باشند و در مسیح عیسی ایمان دارند * (می خواهد)
- که فضل و آرام از پدر ما خدا و از خداوند عیسای مسیح بر شما
- ۳ باد * مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسای مسیح که در مسیح در
- همه بر کتهای روحانی در اعلیٰ علین ما فرخنده ساخته است
- ۴ * چنانچه ما را پیش از بنای عالم در مسیح اختیار نمود که مقدسه و بی
- ۵ نقص در محبت باشیم در پیش روی او * که بر ما بحسب
- ارادهٔ مختار خود تقدیم نمود که بوساطت عیسای مسیح او را پسران
- ۶ خوانده شویم * تا آنکه سپاس گروه شوو جلال فضل او که بسبب
- ۷ آن ما را مقبول نمود در محبوب * و در وی فدی یافته ایم بعلت
- ۸ خونش یعنی آمرزش گناهان را از استغناهی فضلش * که بدان
- ۹ سبب هر نوع و انش و بینش را در ما افزون نمود * که ما آگاه
- نموده است از سر مراد خود که بحسب اختیار خود ز خود تقدیر
- ۱۰ کرده است * نسبت بانتظام تمامی از منہ باندراج همه در مسیح

- ۱۱ یعنی همه آنچه در آسمان و زمین است در آن * که بسبب او
 میراث نیز شدیم یعنی بر حسب تقدیر آنکس که بر وفق اراده
 ۱۲ مصلحت آمیز خود همه امور را بظهور میرساند مقدر شدیم * تا آنکه
 از ما که نخست امیدوار بمسیح میبودیم اوصاف جلالش بیدید
 ۱۳ * و شما نیز بوی امیدوار شدید بعد از آنکه کلام راست را یعنی
 مژده نجات خور را شنیده و بروی ایمان آورده مهر شدید بروح
 ۱۴ وعده که آن روح القدس است * و بیعانه میراث بودن
 ما است تا وقت استخلاص مال خاص تا اوصاف جلالش بیدید
 ۱۵ آید * و بنا بر این من چون جز ایمان شمارا بر عیسای خداوند
 ۱۶ و محبت نسبت بتامی مقدسانرا شنیدیم * باز نمی ایستم از شکر
 ۱۷ گذاشتن در باره شما و از یاد نمودن شمارا در اوقات دعا * تا که
 خداوند ما عیسای مسیح که زوالجلالت روح وانش وکشف را
 ۱۸ بشما عطا نماید در شناسائی او * تا آنکه دیده های وانش شما کشاوه
 شود تا که و انید چیست امید و عوئش و چیست عظم جلال
 ۱۹ میرانش که در مقدسانست * و چه مقدار هست عظم عظمت
 ۲۰ در باره ما مؤمنان بحسب تاثیر قوتس * که نسبت بمسیح بظهور
 آورد چون او را از مردهگان بر خیزانید و بر پیمین خود در علیین
 ۲۱ نشانید * برتر از ریاستها و اقتدار و خداندی و هر اسمی
 که نه درین جهان و بس بلکه در جهان آینده خوانده میشود
 ۲۲ * و تمامی اشیا را در تحت اقدام وی نهاد و وی را در همه امور سر
 ۲۳ بودن کلیسیا ارزانی فرمود * که آن بدن او می باشد که کمال
 آنکس است که کمال همه در همه می باشد

باب دویم

- ۲ و شمارا که در خطایا و کنایان مروه بووید بر خیزانیده است * که در آنها بر حسب دور روزگار و بر حسب رئیس قدرت هوا پیش ازین رفتار میکروید که آن روحیست که حال در انبای
- ۳ بغاوت تاثیر مینماید * و ما نیز در میان آنها پیش ازین در خواهشهای جسمانی خود بسر میبرویم که خواهشهای جسم و تصورات را بجامی آوردیم و طبعاً اولاد غضب بودیم چون ویکران
- ۴ * و خدا که رحمتش در غایت است از آن محبت بسیاری که نسبت با داشت * هنگامی در خطایا هلاک بودیم ما را با مسیح
- ۵ زنده کردانیده است که شما محض از توفیق نجات یافته اید * و بر خیزانید و نشانید دور اعلیٰ علین در مسیح عیسی * تا در عوالم
- ۶ مستقبله نهایت فراوانی کرم خود را بسبب مهربانی بر ما در مسیح عیسی آشکار نماید * که شما از کرم در راه ایمان نجات یافتید و آن
- ۷ نیز از بخشش خداست نه از شما * و نه از اعمالست مبادا کسی فخر نماید * از آنجا که ما مصنوع او می باشیم و خلق شدیم در مسیح
- ۸ عیسی برای اعمال نیکی که خدا بیشتر معین فرمود که در آنها رفتار نمائیم * پس یاد آرید که شما پیش قبائل جسمانی بووید و نا
- ۹ مختون خوانده می شدید از آنچه بختنه مستمی است که آن ختنه در جسم بدست گروه شده است * که در آن هنگام شما از
- ۱۰ مسیح جدا بووید و از خاندان اسرائیل اجنبی و از عهدهای وعده بیگانه و امید نداشتید و در دنیا از خدا مهجور بووید * و حال در مسیح عیسی
- ۱۱ شما که قبل ازین دور بووید نزدیک شدید از خون مسیح * از

- آنجا که وی مصلح ماست که هر دورا متحد نمود و دیوار خائل را از
 ۱۵ میان برداشت * و دشمنی یعنی فرمایشهای احکامی واجب را
 بسبب جسم خود نابود گردانید تا که هر دورا یک شخص جدید در
 ۱۶ خود که باعث صلح بود مهیا نماید * و تا آنکه در یک بدن هر دورا
 بخدا باز گرداند بسبب صلیب که دشمنی را بآن هلاک نمود
 ۱۷ * و آمده شمارا که دور بودید و آنهایی را که نزدیک بودند با صلح
 ۱۸ نمود * که ما هر دو بوساطت او بیک روح نزد پدر مدخلیت داریم
 ۱۹ * پس حال دیگر شما بیگانه و غریب نیستید بلکه همشهری مقدسان
 ۲۰ و خانواده خدا میباشید * و بر اساس حواریان و پیغمبران بنا شده
 ۲۱ آید و عیسای مسیح خود راس زاویه میباشد * دور وی تمامی
 عمارات باتصال با هم مرتفع میشود و هیكل مقدس در خداوند * و شما
 ۲۲ نیز باتفاق در وی ساخته میشود تا که روحا منزل خدا گردید

باب سیم

- ۱ بنا بر این من که پولسم بجهت شما که قبائلید اسیر عیسای مسیح
 ۲ * و شما امر نظارت توفیق خدا را که بمن داده شده است بجهت
 ۳ شما شنیده آید * که از روی کشف این سر را بر من آشکارا
 ۴ نمود چنانچه مختصری قبل ازین نوشتم * و از مطالعه آن قدری
 ۵ از در یافت من از سر مسیح میتوانم فهمید * که آن سر در
 قرنها پیش بر بنی آدم آشکارا نشده بود بقدریکه حال بر
 ۶ حواریان مقدس او و پیغمبران از روح کشف گردید * که قبائل
 نیز باید که هم در میراث وهم در تن وهم در شراکت وعده اش
 ۷ در مسیح رسد داشته باشند بوساطت مژده * که من بانعام فضل

- ۸ خدا که از تاثیر قوتش بمن عنایت شد خادم آن شدم * و مرا که
 ۹ احقر از حقیرترین مقدسام این توفیق عنایت شد که در میان
 قبائل ندا بدولت افزون از قیاس مسیح نمایم * و بر همه آشکارا
 نمایم که چیست شراکت در ستری که از ازل مستور بود در خدائی
 ۱۰ که تمامی اشپارا بوساطت عیسای مسیح خلق نمود * تا آنکه در
 ینوقت بر ارباب ریاست و اقتدار در اعلیٰ علیین بوساطت
 ۱۱ کلیسیا ظاهر گردد حکمت کوناگون خدا * بر حسب تقدیری که از
 ۱۲ ازل نمود در مسیح عیسای خداوند ما * که داریم در وی کستاختی
 ۱۳ و داخل شدن با اعتماد بسبب ایمان بر وی * بنا بر این استدعا
 مینمایم که از مصیبت‌های من بجهت شما دل شکسته نشوید که آن
 ۱۴ عزت شماست * و ازین جهت است که من در پیش پدر خداوند
 ۱۵ ما عیسای مسیح برانو در می آیم * که از وی همگی خاندان در
 ۱۶ آسمان و زمین مستمی میگردند * تا آنکه بمقتضای غایت جلال
 خود شما را عنایت فرماید که در شخصیت باطنی از روح او قوت
 ۱۷ کامل بهم رسانید * تا آنکه در وله‌های شما مسیح بوساطت ایمان
 ۱۸ مسکن نماید * و شما در محبت ریشه ووانیده و اساس نهاد
 قدرت بهم رسانید که یابید با تمامی مقدسان که طول و عرض
 ۱۹ و عمق و بلندی چیست * و محبت مسیح را هر چند خارج از فهم
 ۲۰ است بفهمید تا پر شوید تا بتامی پری خدائی * و آنکس که قادر
 است که بی نهایت پیش از تمام آنچه بخواهیم یا بیاییم بجا آرد
 ۲۱ باقتضای آن قدرتی که در ما اثر مینماید * او را در کلیسیا بوساطت
 مسیح عیسی تا ابد الابد جلال باد آمین

باب چهارم

- ۱ خلاصه من که اسیرم در خداوند استدعا می‌نمایم از شما که بطور شایسته
- ۲ آن دعوتی که یافتید رفتار نائید * با کمال فروتنی و کوچکدلی
- ۳ وحلم و متحمل یکدیگر بمحبت * وساعی شوید که پرشته صلح
- ۴ اتحاد روح را نگاه دارید * یک تن و یک روح است چنانچه
- ۵ امید دعوت شما که با خوانده شدید یک است * یک خداوند
- ۶ یک ایمان یک غسل * یک خدا و پدر همه که بر بالای همه و در
- ۷ میان همه و در اندرون همه شما همانست * لیکن هر یک را از ما
- ۸ توفیق بر وفق مقدار انعام مسیح داده شده است * که بنا بر این
- ۹ می‌گوید که بر بلندی صعور نموده نفس اسیری را اسیر نمود و مردم
- ۱۰ انعامها فرمود * و صعور نمود چیست جز اینکه اول باسفل زمین
- ۱۱ نزول نمود * و آنکس که نزول نمود همانست که صعور نمود بر بالای
- ۱۲ همه آسمانها تا بگردند همه را * و اوست که داده است بعضی را
- منزلت دوازی و بعضی را پیغمبری و بعضی را رسالت مزده
- ۱۳ و بعضی را شبانی و معلمی * بقصد آراستن مقدسان برای
- ۱۴ خدمتکاری بجهت تعمیر بدن مسیح * تا وقتی که همه با اتحاد ایمان
- و اعتراف بر پسر خدا بکمال بلوغ باندازه قامت کامل مسیح
- ۱۵ رسیم * تا آنکه دیگر طفل نباشیم و متلاطم و از هر باد تعلیم از
- تغلب خلق و از مهارت در حکمت ضلال از جا در نرویم * بلکه
- در محبت راست بوه تماماً نمودنایم مناسب آنکه سر است
- ۱۶ یعنی مسیح * که از وی تمام بدن پیوسته و ملصق شده بوساطت
- هر مفصل غذا رساننده بفعل نمودن باندازه هر عضوی باعث

- نمو بدن می شود بنهجی که خود خور را در محبت کامل می سازد
- ۱۷ * پس این را میگویم دور خداوند میفرمایم که شما من بعد چون
- ۱۸ قبائل دیگر که بفهم باطل خود رفتار می نمایند رفتار ننمائید * که از
- ادراک کورند و از زنده کسی خدا مهجور بسبب آن جهالت که از
- ۱۹ سختی دل آنها در ایشانست * که خود را بحس ساخته برزالت
- ۲۰ تسلیم نمودند که هر قسم بی عصمتی را بحرص بجا آرند * لیکن شما
- ۲۱ مسیح را باین طور فرا نگرفته اید * چون شما از او شنیدید دور او
- ۲۲ آموخته شدید بطوری که حق است در عیسی * تا آنکه شما
- شخصیت کهن را نظر بر رفتار قدیمش که از خواهشهایی فریبنده
- ۲۳ فاسد میباشد از خود بیرون کنید * دور فهم خود روحا نو شوید
- ۲۴ * و شخصیت تازه را بپوشید که آن مانند خدا در صداقت و پاکی
- ۲۵ حقیقی مخلوق شده است * پس دروغ را اخراج نموده هر کس
- با نزدیک خود برآستی کوید از آنجا که اعضای یکدیگر می باشیم
- ۲۶ * غیظ کنید لیکن خطا مکنید و باید که آفتاب بر غیظ شما غروب
- ۲۸ نماید * و غیبت کننده را مجال مدهید * و آنکس که زروی می کرد
- من بعد زروی نماید بلکه سزاوار است که در پیشه نیکی محنت
- کشیده بدستها مشغول شود تا آنکه تواند که محتاجانرا چیزی داده
- ۲۹ باشد * و هیچ سخن فاسدی شمارا از ذهن بیرون نیاید بلکه اگر
- سخن است که بجهت تربیت نیکو مصرفی وارو و گفته شود تا
- ۳۰ شنونده کانرا وسیله توفیق باشد * و غصه مدهید روح مقدس خدا را
- ۳۱ که از آن مهر شده اید تا بروز خلاصی * و همه مرارت و غیرت
- و غیظ و هنگامه و بدکوائی و هر قسم کج خلقی از میانه شما مرتفع شود

* ۳۲ * ویر یکدیگر مهربان و رحیم باشید و یکدیگر را عفو نمائید چنانچه خدا در مسیح شمارا عفو نموده است

باب پنجم

- ۲ پس خدا را متابعت نمائید چون فرزندان محبوب * و در محبت رفتار نمائید چنانچه مسیح ما را محبت نمود که در راه ما خوروا تسلیم
- ۳ نمود که خدا را هدیه و قربانی بوده باشد با رایج خوش * و زنا و هر قسم بی عصمتی و حرص در میان شما ذکرش کرده نشود چنانچه
- ۴ میزبید مقدسانرا * و نیز فحش و بیهوده گوئی یا شوخی که نامناسب
- ۵ باشد بلکه اولیست شکر گذاری * که شما خور مطلع هستید که هر کس که او زانی یا بی عصمت یا طامع که بت پرست
- ۶ است باشد هیچ میراث در ملکوت مسیح و خدا ندارد * و از سخنان باطل هیچ کس شمارا نفریبد زانرو که بجهت این امور
- ۷ است که غضب خدا بر انبای بغاوت نازل میشود * پس
- ۸ ایشانرا رفیق مباشید * زیرا که شما پیش ظلمت بودید و اکنون
- ۹ که در خداوند نور می باشید چون انبای نور رفتار نمائید * از آنجا
- ۱۰ که میوه روح در کمال مهر و صدق و راستی است * و تحقیق
- ۱۱ نمائید که رضای خداوند چیست * و در اعمال بی ما حصل ظمانی
- ۱۲ رفیق مباشید و بهتر است که آنها را روشن سازید * از آنجا که تکلم بقبایحی که از آنها در خلوت سر میزند ناشایسته است
- ۱۳ * و هر آنچه از نور ظاهر می شود آشکار است و هر چه آشکارا می
- ۱۴ شود روشن می باشد * و از آنجاست که میگوید که امی خوابیده
- ۱۵ بیدار شو و از مرده کان بر خیز که مسیح بر تو خواهد تابید * پس با

- خبر باشید که با احتیاط رفتار نمائید نه چون مردمان بی عقل بل
 ۱۷ چون عارفان * زمان را دریابید که روزگار نامساعد است * و بی
 مدرک مباشید بلکه در یابید که مشیت خداوند چیست
 ۱۸ * و مست شراب مشوید که در آن فساد است بلکه مملو از
 ۱۹ روح باشید * و با یکدیگر بنزاع و تیرتیرها و اشعار روحانی تکلم نمائید
 ۲۰ و قلباً خداوند را سرور و تترتم نمائید * و پیوسته بجهت هر چیز خدا
 ۲۱ و پدر را شکر نمائید با اسم خداوند ما عیسای مسیح * و از خدا ترسی
 ۲۲ یکدیگر را مطیع باشید * امی زنان شوهران خود را چون خداوند
 ۲۳ مطیع باشید * از آنجا که شوهر سر زن است چنانچه مسیح که
 ۲۴ رستگار کننده بدنست رأس کلیسیاست * لهذا چنانچه کلیسیای
 مسیح را اطاعت می نماید بهمین وضع باید که زنان با شوهران
 ۲۵ باشند در هر امر * امی شوهران زنان خود را محبت نمائید چنانچه
 ۲۶ مسیح نیز کلیسیا را محبت نمود و خود را در راه او تسلیم نمود * تا
 ۲۷ آنکه او را به غسل آب با کلام پاک نموده منزله بنارو * تا آنکه او را
 نزد خود حاضر نماید با تترتین یعنی کلیسیائی که واغ و چین و ازین
 ۲۸ قبیل چیزی نداشته باشد بلکه مقدس و بی عیب باشد * و بهمین
 وضع بر مردان واجب است که زنان خود را دوست دارند
 چون بدنهای خود و هر کس که زن خود را دوست دارد خود را
 ۲۹ دوست داشته است * زیرا که هیچ کس هرگز جسم خود را
 دشمن ندارد بلکه او را می پروراند و نازش می نماید چنانچه خداوند
 ۳۰ کلیسیا را * که ما اعضای بدنش هستیم از جسم و استخوانهای
 ۳۱ او * از آنست که مرد پدر و مادر خود را و میگذارد و با زن

۳۲ خود می پیوندد و این دو یک جسم خواهند بود * و این ستری
 ۳۳ عظیم است لیکن قصه من مسیح و کلیسیاست * بهر صورت
 شما هر یک زن خورا دوست دارید چون خود وزن باید که
 شوهر را محترم دارو

باب ششم

- ۱ امی فرزندان والدین خورا در خداوند اطاعت نمائید که اینست
- ۲ انصاف * پدر و مادر خورا اکرام نما که حکم اول با وعده اینست
- ۳ * تا که تو خوشوقت و بر زمین طویل العمر باشی * و امی پدران
 بر فرزندان خود سخت مکیرید بلکه ایشان را با تربیت و نصیحت
- ۵ خداوندی پرورش نمائید * و امی ملازمان آنان را که خداوندان
 بشری می یابند چون مسیح بخوف و بیم و ساد و لوحی خود
- ۶ اطاعت نمائید * نه بنده کسی ظاهری چون آنان که مردم را خوش
 آمد میگویند بلکه چون بنده کان مسیح اراده خدا را از جان بجا آرید
- ۸ * و با خوشنودی خداوند را بنده کسی نمائید نه مردم را * از آنجا که
 میدانید که شخص هر عمل نیکی که بجا آرد جزای آنرا از خداوند
- ۹ خواهد یافت خواه بنده و خواه آزاد باشد * و امی مالکان شما نیز با
 آنها بهمین طور رفتار نمائید و زیب کمتر کنید از آنجا که میدانید
 که خداوند شما نیز در آسمانست و نگاه بظاهر شخص نمی نماید
- ۱۰ * خلاصه امی برادران من از خداوند و از توانائی قدرتش زور پیدا
 ۱۱ نمائید * اسلحه تام خدا را بپوشید تا آنکه نرو شیطنتهای ابلیس
- ۱۲ توانید ایستاد * از آنجا که کشتی ما بخون و جسم نیست بلکه با
 رؤسا و مقتدرین و شاهنشاهان ظلمت این جهان و اشرار

- ۱۳ روحانی در ملا اعلی است * بنا بر این اسلحه تام خدا را اخذ
 نمائید تا آنکه در روز معرکه مخالفت نتوانید نمود و همرا بکار بروه
- ۱۴ تاب مقاومت نتوانید آورد * پس کمر خور را بکمر بند راستی
 ۱۵ بسته و چهار آئینه صدق را پوشیده قایم باشید * و چالاکسی مژده
 ۱۶ صلح را بر پا بسته * و بر بالاسی همه سپر ایمان را گرفته که بوسیله
 آن قدرت خواهید داشت که تمامی تیرهای آتشین آن شیر را
 ۱۷ اطفا نمائید * و کلاه خوونجات و شمشیر روح را که آن کلام خداست
 ۱۸ بردارید * و با کمال طلب و دعا پیوسته قلباً استعدا نمائید و درین
 عمل هشیار باشید در نهایت استقلال و استعدا بجهت همگی
 ۱۹ مقدسان * و بجهت من که بمن واوه شوو کشاده کسی در زبان
 ۲۰ و جرات در کلام تا که سر مژده را کشف نمایم * که بجهت آن در
 زنجیر ایلچیکرمی می نمایم تا آنکه بجرات حرف زخم چه طور که مرا
 ۲۱ سزاوار تکلم است * و تا آنکه شما نیز بدانید احوال مرا که چه میکنم
 برادر محبوب تخکس که در خداوند خاوم و فادار است شمارا از
 ۲۲ هر چیز مطلع خواهد ساخت * و او را من بجهت همین نژد شما
 فرستادم تا آنکه از احوال من مستحضر باشید و تا آنکه دل‌های
 ۲۳ شمارا تسلی بخشد * برادران را آرام و محبت با ایمان باد از
 ۲۴ خدای پدر و عیسای مسیح خداوند * و توفیق با همگی آنها باد که
 خداوند ما عیسای مسیح را بساوه لوحی محبت می نماید آمین

نامه پولس حواری باهل فیلیپی

باب اول

- ۱ پولس و تیموثیوس خادمان عیسای مسیح بتامی مقدسان در
- ۲ مسیح عیسی که در فیلیپی میباشند با اسقفان و خدام * (میخواهند)
- که فضل و آرم از جانب پدر ما خدا و عیسای مسیح بر شما باد
- ۳ * من شکر می نمایم خدای خود را در هر وقت که شمارا یاد می آرم
- ۴ * و پیوسته در هر دعای خود با سرور بجهت تامی شما دعا مینمایم
- ۵ * بسبب آن شراکتی که شمارا از روز اول تا حال در انجیل
- ۶ بوده است * یقین دارم که آنکس که عمل خیر را در شما شروع
- ۷ نموده است تا روز عیسای مسیح بتام خواهد رسانید * چنانچه
- شرط انصاف نرو من اینست که این را در باره همگی شما
- ملاحظه نمایم زیرا که شمارا چنین تصور می نمایم که هم در زنجیرا وهم
- در جواب و اثبات انجیل تامی شما در توفیق رفقای من
- ۸ میباشید * که خدا گواهد است که چه مقدار مشتاق تامی شما بمهر
- ۹ عیسای مسیح می باشم * و بجهت این دعا می نمایم که محبت
- ۱۰ شما پیوسته در معرفت و کمال فهم در ترقی باشد * تا آنکه
- ۱۱ فضائل را امتیاز دهید و در روز مسیح ساده و بی آزار باشید * و بر
- از ثمرات صداقت بوساطت عیسای مسیح حمد و ستایش
- ۱۲ خدا را باشد * وای برادران من میخواهم که شما بدانید که آنچه بر

- ۱۳ من واقع شد. جبهت اخیل انفع بود * بحدی که زنجیرهای من در تمامی بارگاه و بر تمامی جایی دیگر ظاهر گشت که جبهت مسیح
- ۱۴ می باشد * و کثر برادران در خداوند از زنجیرهای من جرأت بهم
- ۱۵ رسانیده در گفتن کلام کستاخانه زیاده جرأت می نمایند * و بدرستی که بعضی از راه حسد و اوجا و بعضی برضا ندا بمسیح می نمایند
- ۱۶ * اول از راه جدال ندا بمسیح می نمایند نه بساوه کیست بلکه
- ۱۷ کمان می برند که بزنجیرهای من زحمتی دیگر علاوه نمایند * و دیگری از راه محبت نیز از آنجا که میدانند که جبهت اثبات مژده مقرر
- ۱۸ شده ام * ما حاصل آنکه حال بهر صورت خواه بغرض و خواه در حقیقت بمسیح خیر داده می شود از همین خوشوقتم و خوشوقتی
- ۱۹ خواهم نمود * از آنجا که میدانم که انجام این مرا بنجات خواهد کشانید بوسیله دعای شما و رسد یافتن از روح عیسای مسیح
- ۲۰ * چنانچه انتظار و امید من است که هیچگونه خجالت نخواهم کشید بلکه با کمال کستاخی آنچه آن که پیوسته بپوه است حال نیز
- مسیح از بدن من بزرگی یابد خواه در حیات و خواه در ممات
- ۲۲ * که مرا زیست مسیح است و مرک نفع * و اگر زیستن در جسم نصیب من شود این نیز کارسازی مرا می کند نمیدانم کدام را
- ۲۳ اختیار نمایم * زیرا که در میان دو چیز گرفتارم که خواهش دارم که
- ۲۴ خلاصی یابم و با مسیح باشم زانرو که آن بسیار بهتر است * لیکن
- ۲۵ در جسم ماندن بعلت شما ضرور است * و ازین عقیده می یابم که خواهم ماند و نزد شما زیست خواهم نمود تا آنکه شما در ایمان
- ۲۶ ترقی نمائید و مسرور باشید * و تا آنکه فخر شما بجبهت من بسبب

۲۷ حضور من ویکر بار نژد شما در مسیح عیسی بیفزاید * همین است
 که بطور شایسته اخیل مسیح گذران نمائید تا آنکه خواه آیم و شمارا
 به بینم و خواه غایب باشم احوال شمارا بشنوم که در یک روح
 ۲۸ بر قرار می باشید و با اتحاد دل در ایمان مژده کوشش نمائید * و از
 هیچیک از مخالفان مشوش مباشید که آن ایشانرا دلیل هلاکت
 ۲۹ است و شمارا دلیل نجات و آن از خداست * که بجهت
 خاطر مسیح این نعم بشما شده است نه مجبور ایمان بوی بلکه تا
 ۳۰ آنکه در راه او تصدیق کشید * چه شما در همان سعی هستی که
 در من می دیدید و الحال می شنوید که در منست

باب دویم

۱ اگر چنین است که در مسیح تسلی و اگر در محبت خاطر جمعی
 ۲ و اگر در روح شراکتی و اگر مهری و رحمی می باشد * پس
 خورسندی مرا کامل گردانید که یک رای و در محبت متحد
 ۳ و یکدل و یک مزاج باشید * هیچ امری بمنزعه و جاه طلبی میسر
 ۴ نشود بلکه بکوچکدلی یکدیگر را از خود افضل دانید * شما هر یک
 حال خور را ملاحظه نمائید بلکه احوال دیگران را ملاحظه نمائید
 ۵ * شمارا همان طبیعت باشد که در مسیح عیسی بود * که چون
 ۷ او تمثال خدا می بود و تساوی با خدا را تعدی ندانست * لیکن
 خور را پست نموده مثال بنده کسی را گرفته در صورت خلق بیدار
 ۸ کشت * و چون صورت انسانی را پذیرفته خور را حقیر ساخته
 ۹ مطیع گردید تا بمرک بلکه بمرک صلیب هم * پس خدا اورا
 بی نهایت بلند نموده است و اسمی بوی داده است که فوق

- ۱۰ هر اسمی است * تا که خم کرده با اسم عیسی هر زانوئی از اهل
 ۱۱ آسمان وزمین و آنان که در زیر خاند * و تا آنکه هر زبان اقرار
 نماید که عیسی مسیح خداوند است بقصد جلال خدای پدر
 ۱۲ * پس ای محبوبان من آچنان که پیوسته فرمان پذیر بوده اید
 نه همین آچنان که در حضور من می گردید کنید و بس بلکه حال
 که غایب می باشم بسیار بیشتر در خوف و هراس در عمل
 ۱۳ نجات خود مشغول باشید * از آنجا که خداست که در شما تأثیر
 ۱۴ مینماید که تا برضا بخواهید و بکنید * و هر عملی را بدون هنگامه
 ۱۵ و مجاوله بجا آرید * تا که بی عیب و بی غش و فرزندان خالص
 خدا باشید در میان طبقه کجرو و گردن کش و در آن میان شما
 ۱۶ مدیر باشید چنانچه نیرین در عالم * و چنگ زنان در کلام حیات
 بوده تا که در روز مسیح مرا مجال فخر باشد که بیهوده ندویدم
 ۱۷ و بیهوده محنت نکشیدم * و اگر بر هدیه و خدمت ایجان شما ریخته
 ۱۸ کردم خوشنور هستم و شما همگی را تهنیت میگویم * لهنذا شما نیز
 ۱۹ خوشوفتی نماید و مرا تهنیت گوئید * و امیدوارم از عیسی خداوند
 که بزودی تیمثیوس را نزد شما روانه نمایم که از احوال شما اطلاع
 ۲۰ بهم رسانیده آسوده خاطر گردم * زیرا که هیچ کس را ندارم که بی
 ۲۱ تکلف در باره شما اندیشه نماید * از آنجا که همگی فواید خود را
 ۲۲ ملاحظه می نمائید نه فواید مسیح عیسی را * و شما بتجربه اورا می
 ۲۳ شناسید که چون فرزند با پدر در مژده با من خدمت نمود * پس
 امید وارم که اورا بعد از اینکه ملاحظه احوال خود را نموده در
 ۲۴ ساعت روانه نمایم * و هر خداوند اعزاز دارم که خود نیز زود آمده باشم

- ۲۵ * افرودیتش را که برادر و همکار و همقتال منست و شمارا رسولست
 و خادم ضروریات منست لازم دانستم که بسوی شما بفرستم
 ۲۶ * زیرا که تمامی شمارا مشتاق می بود و اندوهناک میبود از اینکه
 ۲۷ شمارا مسموع شده بود که او بیمار بود * از آنجا که بیمار بود و بیماریش
 نزدیک بمرگ بود ولیکن خدا بروی ترحم فرمود نه بروی پتتهائی
 ۲۸ بلکه بر من نیز مبادا که غمی برغمم افزاید * پس بیشتر بسعی اورا
 روانه نمودم که اورا دیده و بیکر بار خوشوقت گردید و اندوه من کمتر
 ۲۹ شود * پس در خداوند اورا با کمال خورسندی پذیرید و اینچنین
 ۳۰ اشخاص را محترم دارید * زیرا که در عمل مسیح نزدیک بمرگ
 رسید و بجهت حیات خود نمی اندیشید تا آنکه نقص ملازمت
 شمارا نسبت بمن کامل گرداند

باب سیم

- ۱ خلاصه ای برادران من در خداوند خوشنود باشید و مکرر نوشتن
 ۲ بشما مرا تصدیح نیست و شمارا سلامتی است * از سگها از
 ۳ بدکاران از بزندهگان بر حذر باشید * که ما اهل ختنه می باشیم که
 در روح خدا رانده کسی میثائیم و از مسیح عیسی فخر میثائیم و بر
 ۴ جسم اعتماد نداریم * و حال آنکه مرا کنجایش فخر در جسم می باشد
 که اگر دیگری را در جسم مظنه خاطر جمع می است مرا بطریق اولی
 ۵ می باشد * ختنه من در هشت روزگی شد و از خاندان اسرائیل
 از فرقه بن یمن عبری از عبریان نسبت بشرع فریسی می
 ۶ بودم * و در تعصب معذب کلیسیا و در عدالت شرعی بی عیب
 ۷ می بودم * لیکن هر آنچه مرا سوو بود همانرا بجهت مسیح مضر

- ۸ وانستم * بلکه همه اشیا را نقص میدانم نسبت بفضیلت معرفت
 مسیح عیسای خداوند خود که بجهت او همه چیزهای من زیان
 ۹ کرده و فضلہ میدانم تا که مسیح را سوور یابم * که در وی یافت شوم
 نه با عدالت خود که شرعیست بلکه با آن عدالت که از راه ایمان
 ۱۰ بمسیح است عدالت خدائی که در ایمانست * تا که او را بشناسم
 و قدرت برفاقتنش و شراکت در عذابش را تا مشابہ کردم
 ۱۲ مرکش را * که شاید بقیامت مرده‌گان بر خورم * که نیست
 چنین که الحال یافته باشم یا کامل شده باشم لیکن در پی هستم
 که شاید آنچه‌ی را بچنگ آرم که بسبب آن گرفتار عیسای
 ۱۳ مسیح کشتم * امی برادران من خود را چنین نمیدانم که بدست
 ۱۲ آورده باشم * لیک یک چیز هست که گذشته را فراموش می
 نمایم و آنچه در پیش است بسوی او خود را می کشانم و در پی
 نشانه و عوت خدا به بلندی در مسیح عیسی راست می دوم
 ۱۵ * پس اشخاصی که از ما بالغ می باشند باید که باین طور خیال
 نمایند و اگر فی الجمله در تصورات دیگر میباشید این را نیز خدا بر
 ۱۴ شما کشف خواهد نمود * اما بهر مقام که رسیده اید همان قانون
 ۱۷ قدم زنید و در همان خیال باشید * امی برادران با یکدیگر تتبع
 من نمایند و ملاحظه نمایند آن اشخاصی را که بحسب آن نمونه که
 ۱۸ در ما دارید رفتار می نمایند * زیرا که بسیاری چنین رفتار مینمایند
 و بارها ذکر آنها را بشما نموده ام و حال نیز با کریم مینمایم که دشمنان
 ۱۹ صلیب مسیح میباشند * که انجام آنها هلاکت و خدای آنها
 شکم است و فخر ایشان در ننگ ایشانست و از منفلیات

۲۰ سرشته اند * و گذارش ما از علیین است و از آنجا انتظار نجات
 ۲۱ دهندہ را می کشیم کہ او عیسای مسیح خداوند است * کہ بدن
 زلیل ما را متغیر خواهد ساخت تا کہ بدن جلالیش را ہم رنگ
 شود بر حسب ظهور قدرتش بر کشیدن نامی اشیا را بتحت خود

باب چهارم

۱ پس ای برادران محبوب و معشوق و شادی و تاج من بہمین
 ۲ طور در خداوند پایدار باشید ای محبوبان * و از او روی استدعا
 ۳ مینمایم و ہمچنین از سنتخی کہ در خداوند بی نفاق باشند * و سؤال
 من از تو ای ہمار سادہ اینست کہ معین باش آنزنانرا کہ با
 من در مژدہ کوشش نمودند و نیز قلیمنس را و باقی ہمارا ہی مرا کہ
 ۴ اسما ایشان در کتاب حیانتست * و وایم در خداوند خوشوقتی
 ۵ نمائید و نیز میگویم کہ خوشوقتی نمائید * بر تمامی خلق اعتدال رفتار
 ۶ شما معلوم باشد کہ خداوند نزدیک است * و ہیچ فکر نمائید بلکہ
 در ہر امر بمنابجات و دعا با شکر کناری مستولت شما نزد خدا
 ۷ آشکارا کردد * و آرام خدا کہ ما فوق درک ہمہ است دلہامی شما
 ۸ و فہمہامی شمارا در مسیح عیسی محفوظ خواهد داشت * خلاصہ
 ای برادران ہرچہ راست است و ہر آنچه شایستہ است و ہر
 آنچه عدالت است و ہر آنچه پاک و ہر آنچه دلخواہ و ہر آنچه
 نیک نامیست اگر ہنرمی و اگر تعریفی باشد ہمانرا تصور نمائید
 ۹ * آنچه را شما آموختید و یافتید و شنیدید و در من ملاحظہ نمودید آنرا
 ۱۰ فاعل باشید و خدای آرام باشما خواهد بود * و من در خداوند بسیار
 خوشوقت میباشم کہ حال بالاخرہ اندیشہ شما در بارہ من شکوفہ

- ۱۱ نمود هزارا که تصور می نمودید لیکن فصل مقتضا نبوو * چنین نیست که بسبب احتیاج تکلم بنامیم زیرا که آموخته شده ام که بهر حال که باشم بآن قناعت بنامیم * رفتار در زلت وافزونی را نیز مبدانم بهر صورت و در هر حال تربیت یافته ام هم در سیری
- ۱۳ و هم در کرسنگی هم در زیادتی و هم در نقصان * بر همه چیز قادرم
- ۱۴ در مسیحی که مرا قدرت می بخشد * لیکن نیکو کرده اید که در زحمت شرکا من کرده اید * و شما خود اسی فیلیپیان واقفید که در آغاز مژده چون از مقدونیه بیرون آمدم هیچ کلیسیا در خصوص دادن و گرفتن رفاقت با من نکرد جز شما و بس * چنانچه در تسلیقی یک دفعه بلکه دو دفعه بجهت رفع احتیاج من فرستادید
- ۱۷ * چنین نیست که من خوابان عطا باشم بلکه جویان ثمری هستم که بحساب شما افزایش * تمامی بمن رسید و مسمول و پر شده ام چون از اپفرویتس یافته ام سوغات شمارا که رایج طیب و هدیه
- ۱۹ مقبول خدا را خوش آینده است * و خدای من بر وفق غایت
- ۲۰ جلال خود در مسیح عیسی جمیع احتیاج شمارا رفع خواهد نمود * خدا
- ۲۱ و پدر ما را ابد الابد جلال باد آمین * هر شخص مقدس در مسیح عیسی را سلام رسانید و برادرانی که با من میباشند سلام
- ۲۲ میرسانند * همگی مقدسان شمارا سلام میرسانند علی الخصوص
- ۲۳ آنانی که در خانه قیصر میباشند * توفیق خداوند ما عیسای مسیح با همگی شما باد آمین

نامه پولس حواری بقلسیان

باب اول

- ۱ پولس حواری شده عیسای مسیح. محشیت خدا و تیموثیوس برادر
- ۲ * بمقدسان و برادران ایمانی در مسیح که در قلسی میباشند (میخواهند) که فضل و آرام از جانب پدر ما خدا و عیسای مسیح
- ۳ خداوند بر شما بار * و ما خدا و پدر خداوند ما عیسای مسیح را شکر می
- ۴ گذریم و پیوسته شما را دعاگو میباشیم * از هنگامی که شنیدیم از ایمان شما در مسیح عیسی و محبت در باره همگی مقدسان که شما را
- ۵ میباشد * و بسبب آن امیدگاهی که بجهت شما در آسمان گذشته شده است چنانچه شما پیش ازین در کلام حقیقت مژوه
- ۶ خبرش را شنیدید * و شما رسید این چنانچه بتمام عالم در میدهد چنانچه در میان شما نیز از روزی که شنیدید و دریافتید فضل خدا را
- ۷ بر استی * چنانچه از اینفراس هم خدمت ما که خادم و فادار مسیح
- ۸ بجهت شماست آموختید * و اوست که ما را از محبت روحانی
- ۹ شما آگاهی بخشیده است * لهذا ما نیز از روزیکه شنیدیم باز نمی ایستیم از دعا نمودن در حق شما و سؤال نمودن این را که کامل
- ۱۰ گردید در معرفت اراده اش با کمال دانش و بینش روحانی * و تا آنکه بطور شایسته خداوند با کمال رضا جوئی او رفتار نمائید و در هر
- ۱۱ عمل خوب مشمر و در معرفت خدا در ترقی باشید * و بحسب

- قدرت جلالتش بکمال انضباط قادر باشید که کمال صبر و تحمل را
- ۱۲ با سرور بجا آرید * و پیوسته شکر نائید آن پدر را که ما را بجهت
- ۱۳ رسد در میراث مقدسان نورانی مستعد نموده است * اوست
- که ما را از قبضه قدرت ظلمت ربانیده بملکوت پسر محبت خود
- ۱۴ در آورده است * که در روی فدیہ واریم از خونش یعنی آمرزش
- ۱۵ کنایان * و او رویت خدای غیر مرئیست و پیش همه مخلوقات
- ۱۶ متولد شد * که مخلوق شد بوی هر آنچه در آسمان وزمین است
- از چیزهای دیدنی و نا دیدنی چه از اورنگها و چه خداوندیها و چه ریاستها
- ۱۷ و چه قدرتها تمامی بوساطت و بجهت وی خلقت گشت * و او
- ۱۸ پیش از همه میباشد و همه در وی با هم متصلند * و اوست راس
- هیكل کلیسیا و اوست آغاز و از میان مردهگان مولود نخست تا
- ۱۹ آنکه در همه امور او را تقدیم باشد * از آنجا که همه یری اختیار نمود که
- ۲۰ در روی مسکن نماید * و بوساطتش همه را بسوی خود برگرداند چون
- بخون صلیبش صلح نمود بلی بوساطت او خواه اشیا سفلی
- ۲۱ و خواه اشیا علوی را * و شمارا نیز که پیش اغیار بوید و با اعمال نا
- ۲۲ شایسته در عقل و شمن بوید الحال بر گردانید * تا در بدن
- جسمانی او بوساطت مرکش شمارا حاضر سازد مقدس و بی عیب
- ۲۳ و بی اودا در حضور خود * بشرطی که در ایمان پا برجا و استوار بمانید
- و جنبید از امید مژده که شنیدید که ندا بان در میان همه خلق که
- ۲۴ زیر آسمانست کرده شد و آنرا من که پولسم خادم میباشدم * و الحال
- از زحمتهای خود در راه شما خوشوقتیم و آنچه از عذابها مسیح
- باقیست در پاداش آن کامل میسازم در بدن خود در راه

- ۲۵ بدنش که آن کلیساست * که من خادم آن کستم بحسب
 این نظارت که در باره شما خدا بمن داده است که کلام خدا را
 ۲۶ انتشار دهم * یعنی آن رازی که از ایام سلف و قرنهای ماضیه
 ۲۷ مخفی بود و الحال بر مقدسانش فاش گردید * آنانی را که خدا
 خواست که مطلع سازد که چه مقدار است غایت جلال این
 راز نسبت بقبائل که آن اینست که مسیح در شما امید جلالست
 ۲۸ * آنکسی که ما خبر از وی میدهم و هر کس را ناصح و معلم میباشیم
 با کمال وقت تا آنکه هر کس را در مسیح عیسی کامل حاضر سازیم
 ۲۹ * و در این امر زحمت می کشم و مجاهد میباشم بر حسب فعلی
 که با قوت در من بدید می آید

باب ودیم

- ۱ و میخواهم که شما آگاه باشید که چه قدر کوشش مینمایم در راه شما
 و اهل لائیکه و اشخاصی که صورت جسمانی مرا ملاقات نکرده اند
 ۲ * تا که خاطرهای آنها جمع شود بالتصاق بحسبت و در کمال مقدار
 ۳ عقیده و انشمنده با معرفت سر خدای پدر و مسیح * آنکه در وی
 ۴ همگی خزان و انش و بینش مستتر است * و این را از آنرو
 ۵ میگویم که مبادا کسی شمارا بچرب کوئی بمغالطه اندازد * که هر چند
 جسمنا غایب میباشم لیکن قلباً با شما میباشم و در نظم و استواری
 ۶ ایمان شما بر مسیح بخوشوقتی نگرانم * پس آچنانکه مسیح عیسی
 ۷ خداوند را پذیرفته آید در وی سلوک نائید * که پیوسته ریشه دوانیده
 و تعمیر شده در وی و در ایمان بطوری که آموختید پایدار و در آن در
 ۸ ترقی و شکر گذاری باشید * و خبردار باشید که کسی شمارا بفلسفه

- و دلائل باطل موافق احادیث مردم و یا موافق مبادی دنیوی نه
- ۹ موافق مسیح بر باید * زیرا که در وی مسکن می نماید تمامی الهیت
- ۱۰ از روی جسم * و شما کامل هستید در او آنکه رأس جمیع ریاست
- ۱۱ واقتدار است * در وی مختون شدید بختنه که بدست نشده
- است یعنی به بیرون کردن جلد کنانان جسمی که اوست ختنه
- ۱۲ مسیحی * و بغسل با وی مدفون شدید و بوساطت ایمان بر فعل
- خدا که او را از میان مرده‌گان بر خیزانید در بر خاستنش شریک
- ۱۳ شدید * و شما را که در خطایا و غلاف جسمانی مرده بپوید با وی زنده
- ۱۴ گردانید بنوعی که تمامی خطایا را بجهت ما معاف فرمود * و آن
- حجت نوشته در احکام که بر خلاف شما و مقابل شما بود محو نمود
- ۱۵ و از میان برد چون بر صلیبش چسبانیید * و ریاستها را و قوتها را
- عریان ساخته علانیه رسوا نمود چون در صلیب بر آنها ظفر یافت
- ۱۶ * پس هیچ کس شما را در باره خوراک یا آشامیدنی یا در خصوص
- ۱۷ عید یا هلال یا سبتهما مجرم نداند * اینها اظلال اشیا آینده
- ۱۸ است و حقیقت آنها مسیح است * و هیچ کس شما را نر باید
- باسترضا در فروتنی و عبادت فرشتگان و بدخل نمودن در چیزائی
- که ندیده است که آن شخص از فهم جسمانی خود عبث با وی
- ۱۹ نماید * و تمسک بر نمی جوید که از وی همگی بدن بوسیله مفصلها
- ۲۰ و اوتار غذا یافته و با هم منصق شده بتمو خدائی نمود می نماید * پس
- چون از مبادی دنیوی با مسیح بر وید چونست که باز احکام پرست
- ۲۱ میباشید چنانچه در دنیا زنده میباشید * چون مس مکن و میپش
- ۲۲ و دست مگذار * که مصرف اینهمه اشیا در معرض فساد است

۱۳ چون اعتقادات و تعلیمهای بشری * که حکمت شمرده میشود
بسبب استرضا و رعبات و فروتنی و عدم توجه به بدن و عدم التفات
بسیر کردن جسم

باب سیم

- ۱ پس چون با مسیح بر خاستید طالب باشید اشیا علمی را جانی که
- ۲ مسیح نشسته است بر دست راست خدا * که آنچه علویست
- ۳ ضمیر شما باشد نه از آنچه بر زمین است * از آنجا که مرده آید
- ۴ و زنده کسی شما با مسیح مخفی است در خدا * و چون مسیح که
- حیات ماست بظهور آید آنوقت شما نیز با وی با جلال بظهور
- ۵ خواهید آمد * پس اعضای خود را که بر زمین میباشد مرده انکارید
- از زنا و بی عصمتی و شهوت و خواهش نفسانی و طمع که بت
- ۶ پرستی است * که بسبب این اعمال غضب خدا بر انبای
- ۷ بغاوت نازل می شود * و شما نیز مدتی با آنها بسر میبرید هنگامی
- ۸ که در آنها زنده بودند * لیکن الحال شما همه را وا گذاشته آید از
- ۹ غضب و خشم و تند خوئی و خبت و فحش از دهن خود * و دروغ
- بیکدیگر مگوئید از آنجا که انسانیت که را با اعمالش از خود بر
- ۱۰ کنده آید * و نورا پوشیده آید که او متجدد می شود در معرفت در
- ۱۱ صورت خالق خود * آنجا که یونانی و یهودی و ختنه و نامختونی و بر
- بری و اسکوئی بنده و آزاد نیست بلکه همه و در همه مسیح است
- ۱۲ * پس چون بر گزیده کان خدا که مقدس و محبوبند رحم دلی و مهربانی
- ۱۳ و فروتنی و افتاده کسی و حلم را در بر خود نمائید * متحتمل و بخشنده
- نسبت بیکدیگر باشید و اگر کسی در ضد دیگری اذعان داشته

- ۱۴ باشد چنانچه مسیح شما را عفو نمود شما نیز چنان کنید * و علاوه بر
 ۱۵ این همه محبت را که او بر شما انضباط کاملت است * و در
 دل‌های شما صلح خدا حاکم باشد که بجهت آن در یک بدن
 ۱۶ خوانده شده بودید و شاکر باشید * و کلام مسیح در شما کثیراً واقع
 شود و بکمال وقت یکدیگر را تعلیم و اندرز نائید و بمنزله و ترغبات
 ۱۷ و اشعار روحانی بشکرانه در دل خود خداوند را سرائید * و هر آنچه
 قولاً یا فعلاً می نائید تمامی باسم عیسی خداوند نائید و خدای پدر را
 ۱۸ بوساطت وی شاکر باشید * ای زنان شوهران خود را چنانکه در
 ۱۹ خداوند زبید اطاعت نائید * ای شوهران زنان خود را محبت
 ۲۰ نائید و با ایشان تند خوئی نمائید * و ای فرزندان والدین خود را
 ۲۱ در هر امر مطیع باشید که اینست رضای خداوند * و ای پدران با
 ۲۲ فرزندان خود بلجابت رفتار نمائید مباد که افسرده گردند * و ای
 نوکران آقایان بشری را در هر امر مطیع باشید نه بخدمت‌های ریائی
 چون کسانی که مردم را خوش آمد می‌گویند بلکه بساده لوحی چون
 ۲۳ خدا ترسان * و هر امر را که بعمل می آرید بجان بجا آرید چنانچه
 ۲۴ بجهت خداوند نه بجهت خلق * و چنین دانید که در مکافات
 میراث را از خداوند خواهید یافت زیرا که مسیح است آن آقای
 ۲۵ که شما او را بنده کسی مینائید * و آنکسی که ظلم می نماید بر حسب
 ظلمی که نموده است با و خواهد رسید و مطلقاً ظاهر بینی نمی باشد

باب چهارم

- ۱ ای آقایان در حق خادمان بر استی و عدالت رفتار نائید که شما را
 ۲ نیز آقای در آسمان می باشد * و در دعا نمودن مداومت نائید

- ۳ و در آن بیدار بوهه شکر گذارید * و در حق ما نیز دعا نمائید که خدا در کلام را بر روی ما بکشاید که سر مسیح را که بجهت آن مقید شدم
- ۴ آشکارا سازم * که ظاهر سازم او را بطوری که مرا باید حرف زخم
- ۶ * پیش خارجیان بعقل رفتار نموده زمان را دریا بید * و پیوسته مکالمه شما مهر آمیز و نمکین و مربوط باشد و بفهمید که شما را بچه نوع
- ۷ باید که هر کس را جواب دهید * و تمامی احوال من بر شما ظاهر خواهد گشت از تخکس آن برادر محبوب و خادم و فادار و هم
- ۸ خدمت در خداوند * و او را بهمین جهت نرو شما فرستادم که از
- ۹ احوال شما مستحضر شده شما را تسلی بخشد * و انیسم برادر امین محبوب که از شماست او را همراهست ایشان از همه
- ۱۰ گذارش اینجا شما را مستحضر خواهند ساخت * ارسترخس رفیق مجلس من شما را سلام میرساند و مرقس خواهر زاوه بر ناباس را که شما را در باره او فرمایش شده است اگر بنزد شما آید او را
- ۱۱ بپذیرید * و یسوع که بیوسطس مستمی است سلام میرساند ایشانند که از اهل ختنه میباشند و بتنهائی در ملکوت خدا
- ۱۲ هم خدمت من میباشند و مرا دلجوئی مینموده اند * ایفراس که از میانه شما بنده مسیح است شما را سلام میرساند و وایم در حق شما
- ۱۳ بدعا می کوشد تا که در جمیع اراده خدا تام و تمام باشید * و من در حق او شهادت میدهم که او در باره شما و اهل لائکیه و اهل
- ۱۴ یراپلی بسیار حمیت دارد * و لوقا طبیب محبوب و دیاس شما را
- ۱۵ سلام میرسانند * برادرانی که در لائکیه میباشند و به نمفاس
- ۱۶ و کلیسیائی که در خانه اوست سلام رسانید * و چون این کتابت

بقلسیان * ۵ *

بر شما خوانده شود نوعی نماید که در کلیسیای لاتکیان نیز خوانده
۱۸ شود و کتابت لاتکیان را نیز شما بخوانید * و باز کپس بگوئید که
۱۸ آن خدمتی را که در خداوند یافته ملاحظه نما که با تمام رسائی * تهنیت
است بدست خودم پولس قیدهای مرا یاد آرید توفیق باشما
باو آمین

نامه اول پولس بتسلنیقیان

فهرست این کتاب مقدس

- | | |
|---|---|
| رسالهٔ دویم پولس بتسلنیقیان 503 | انجیل متی آغاز میکند در صحیفهٔ 1 |
| رسالهٔ اول پولس بتیموثیوس 507 | انجیل مرقس 83 |
| رسالهٔ دویم پولس بتیموثیوس 516 | انجیل لوقا 135 |
| رسالهٔ پولس بتیتوس 522 | انجیل یوحنا 221 |
| رسالهٔ پولس بفلیمون 526 | کتاب اعمال حواریان 288 |
| رسالهٔ پولس بعبریان 528 | رسالهٔ پولس حواری باهل روم 371 |
| رسالهٔ عام یعقوب حواری 552 | رسالهٔ پولس حواری باهل قونتس 405 |
| رسالهٔ عام اول پطرس حواری 561 | رسالهٔ دویم پولس حواری باهل قونتس 437 |
| رسالهٔ عام دویم پطرس حواری 570 | رسالهٔ پولس حواری بکلتیان 459 |
| رسالهٔ عام اول یوحنا حواری 576 | رسالهٔ پولس حواری بافسسیان 470 |
| رسالهٔ عام ثانی یوحنا حواری 585 | رسالهٔ پولس حواری باهل فیلیپی 481 |
| رسالهٔ عام سیم یوحنا حواری 586 | رسالهٔ پولس حواری بقلسیان 489 |
| رسالهٔ عام یهودای حواری 587 | رسالهٔ اول پولس بتسلنیقیان 496 |
| کتاب مکاشفات یوحنا الهی 590 | |

هللا ةالص

، برلا اها

قفرعم نم نكممتن یتح جارفاللا مت دقو اذه ديدجللا دهعلا والي جبالا اذه ىلع ارکش
لكنع ديزملا

تنا .حاتملا ينورتكلاللا باتكللا اذه عنصنع ملو عسمل بعشلا قدعاسم ءاجرلا
مهتدعاسم ىلع نورداق متن او مه نم فرعت

بتكللا رشكأ اهل عجو ، عرسب لمعلا ىلع قرداق نوكت نأ ىلع امتدعاسم ءاجرلا
ةحاتملا هي نورتكلاللا

نوكت يكلف هجاتحت يذلا تقولاو قوقو ، لاومال او دراوملا عيمج ىلع امتدعاسم ءاجرلا
لمعلا ةلصاوم ىلع قرداق
لكل

موي لك ساسا ىلع مهدعاسي يذلا قيرفلا نم اعزج لكشت يتلا قدعاسملا ءاجرلا
اهل ديرت يتلا لامعألل يحو رلا مهفلا مهنم لك اعطع او رارمتسال قوق اهئاطع ايجري
هل عفت نأ

ركذنتل او فوخل مدعل مهنم لك قدعاسم ءاجرلا
ءيش لك نع لوؤسملا او ةالصلا مبوبج يذلا هللا تنأ نإ

نوكراشي مهنأ قراز & لمعلاو ، مهتياح مكن او ، مهعيجشت متلضفت نأ هللا وعدأ
هيف

يتلا تابقلعلا نم امريغ وا هي حورلا تاوقلا نم مهتياح متلضفت نأ هللا وعدأ
لفسلا ىلا امنم عطب وا مريض نأ نكمي

هذه نم اولعج نيذلا سانلا اضيا ركفنل ديدج دهع اذه مدختسا امدنع يتدعاسم ءاجرلا
رارمتساللا مهل ىنس تي يتحو اهيلع ىلصي نا عيطتسا يتح ، ةحاتملا هعبطلا
سانلا نم ربكاددع قدعاسم يف

فوس كن او ، (ديدجللا دهعلا) قس دقمللا قملك كل بح ينيطعت تنك نا هللا وعدأ
ةينمزللا قرتفل او مهفل لصفلا كنا فرعت نا من طفل او قملك حل او هي حورلا ينيطعت
اهي شيعن يتلا

لك يننا هجاوت يتلا تابوعصلا عم لماعتلا ةيفيك قفرعم يفتدعاسم ءاجرلا
نيرخاللا دعاسن نا ديرنو لصفلا كنا فرعت نا ديرت يندعاسي هللا دروللا .موي
لماعلا لوحو ققطنملا يدلب يفت نيحي سمللا

مكتمكح مهدعاست نيذلا او بختنملا ينورتكلاللا باتكللا يطعي نا مكل هللا وعدأ

مكعب مهف نكلو ، اي حور عدخي ال (يتلئاعو) امترسا دارفأ دعاسي نا مكل هللا وعدأ

قرطلا لكب مكلة عباتمو لوبق ديرتو

ءايشالا هذه لعفا نا مكئم بلطاو ، تاقوألا هذه يف هي جوتلا او هعتملا اني طعي امك
نيم ، عوسي مساي يف

- Prayer -

5 minutos a ayudar excepto otros - diferencie eterno

Dios querido,

gracias que se ha lanzado este nuevo testamento de modo que poder aprender más sobre usted.

Ayude por favor a la gente responsable de hacer este Ebook disponible.

Ayúdele por favor a poder trabajar rápidamente, y haga que más Ebooks disponible por favor le ayuda a tener todos los recursos, los fondos, la fuerza y el tiempo que necesitan para poder guardar el trabajar para usted.

Ayude por favor a los que sean parte del equipo que les ayuda sobre una base diaria. Por favor déles la fuerza para continuar y para dar a cada uno de ellos la comprensión espiritual para el trabajo que usted quisiera que hicieran. Ayude por favor a cada uno de ellos a no tener miedo y a no recordar que usted es el dios que contesta a rezo y que está a cargo de todo.

Ruego que usted los animara, y que usted los proteja, y el trabajo y el ministerio que están contratados adentro.

Ruego que usted los protegiera contra las fuerzas espirituales que podrían dañarlas o retardarlas abajo. Ayúdeme por favor cuando utilizo este nuevo testamento también para pensar en ellas de modo que pueda rogar para ellas y así que pueden continuar ayudando a más gente Ruego que usted me diera un amor de su palabra santa, y que usted me daría la sabiduría y el discernimiento espirituales para conocerle mejor y para entender los tiempos que estamos adentro y cómo ocuparse de las dificultades que me enfrentan con cada día.

Señor God, me ayuda a desear conocerle mejor y desear ayudar a otros cristianos en mi área y alrededor del mundo. Ruego que usted diera el Web site y los de Ebook el equipo y los que trabajan en que les ayudan su sabiduría. Ruego que usted ayudara a los miembros individuales de su familia (y de mi familia) espiritual a no ser engañado, pero entenderle y desear aceptarle y seguir de cada manera. y pido que usted haga estas cosas en el nombre de Jesús, amen, ¿

(por qué lo hacemos tradujeron esto a muchas idiomas?

Porque necesitamos a tanto rezo como sea posible, y a tanta gente que ruega para nosotros y el este ministerio tan a menudo como sea posible. Gracias por su ayuda.

El rezo es una de las mejores maneras que usted puede ayudarnos más).

- Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Caro dio,

grazie che questo nuovo Testamento è stato liberato in modo che possiamo impararvi più circa. Aiuti prego la gente responsabile del rendere questo Ebook disponibile.

Aiutilo prego a potere funzionare velocemente e renda più Ebooks disponibile prego aiutarlo ad avere tutte le risorse, i fondi monetari, la resistenza ed il tempo di che hanno bisogno per potere continuare a funzionare per voi. Aiuti prego quelli che fanno parte della squadra che le aiuta su una base giornaliera.

Prego dia loro la resistenza per continuare e dare ciascuno di loro la comprensione spiritosa per il lavoro che li desiderate fare. Aiuti loro prego ciascuno a non avere timore ed a non ricordarsi di che siete il dio che risponde alla preghiera e che è incaricato di tutto. Prego che consigliereste loro e che li proteggete ed il lavoro & il ministero che sono agganciati dentro.

Prego che li proteggereste dalle forze spiritose che potrebbero nuoc o ritardarle giù. Aiutilo prego quando uso questo nuovo Testamento anche per pensare loro in moda da poterlo pregare io per loro ed in modo da possono continuare a aiutare più gente Prego che mi dareste un amore della vostra parola santa e che mi dareste la saggezza ed il discernment spiritosi per conoscerli più meglio e per capire i tempi che siamo dentro e come risolvere

le difficoltà che sono confrontato con ogni giorno. Il signore God, lo aiuta a desiderare conoscerli più meglio e desiderare aiutare altri cristiani nella mia zona ed intorno al mondo.

Prego che dareste la squadra e coloro che lavora al Web site e coloro di Ebook che le aiuta la vostra saggezza.

Prego che aiutereste i diversi membri della loro famiglia (e della mia famiglia) spiritual a non essere ingannati, ma capirli e desiderare accettarli e seguire in ogni senso. e vi chiedo di fare queste cose in nome di Jesus, amen,

(perchè traducono questo in molte lingue?

Poiché abbiamo bisogno di tanta preghiera come possibile e di altrettanta gente che prega spesso per noi e questo ministero come possibile. Grazie per il vostro aiuto.

La preghiera è uno dei sensi migliori che potete aiutarli più).

- Prayer -

5 minutos a ajudar excepto outros - faça uma diferença eternal

Caro deus,

obrigado que este testament novo estêve liberado de modo que nós possamos aprender mais sobre você. Ajude por favor aos povos responsáveis para fazer este Ebook disponível. Ajude-lhes por favor poder trabalhar rapidamente, e faça-o mais Ebooks disponível por favor ajudar-lhes ter todos os recursos, fundos, força e tempo que necessitam a fim poder se manter trabalhar para você. Ajude por favor àqueles que são parte da equipe que lhes ajuda em uma base diária. Dê-lhes por favor a força para continuar e dar a cada um deles a compreensão espiritual para o trabalho que você os quer fazer. Ajude por favor a cada um deles não ter o medo e não recordar que você é o deus que respondem ao prayer e que está na carga de tudo. Eu pray que você os incentivaria, e que você os protege, e o trabalho & o ministry que estão acoplados dentro. Eu pray que você os protegeria das forças espirituais que poderiam as prejudicar ou as retardar para baixo. Ajude-me por favor quando eu uso este testament novo pensar também delas de modo que eu possa pray para elas e assim que podem continuar a ajudar a mais povos Eu pray que você me daria um amor de sua palavra holy, e que você me daria a sabedoria e o discernment espirituais para o conhecer mais melhor e para compreender os tempos que nós estamos dentro e como tratar das dificuldades que eu estou confrontado com cada dia.

O senhor Deus, ajuda-me querer conhecê-lo mais melhor e querê-lo ajudar a outros cristãos em minha área e em torno do mundo. Eu pray que você daria a equipe e aquelas que trabalham no Web site e aquelas de Ebook que lhes ajudam sua sabedoria. Eu pray que você ajudaria aos membros individuais de sua família (e de minha família) não ser iludido espiritual, mas para compreendê-lo e para querê-lo aceitá-lo e seguir em cada maneira.e eu peço que você faça estas coisas no nome de Jesus, amen,

(por que nós traduzem isto em muitas línguas?
Porque nós necessitamos tanto prayer como possível, e tantos como povos que praying para nós e este ministry tão frequentemente como possível. Obrigado para sua ajuda.

O prayer é uma das mais melhores maneiras que você pode nos ajudar mais).

- Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Lieber Gott,

danke, daß dieses neue Testament freigegeben worden ist, damit wir in der Lage SIND, mehr über Sie zu erlernen. Helfen Sie bitte den Leuten, die für das Zur Verfügung stellen von von diesem Ebook verantwortlich sind. Helfen Sie ihnen bitte, zu sein, schnell zu arbeiten, und stellen Sie mehr Ebooks, bitte ihnen zu helfen, alle Betriebsmittel, die Kapital, die Stärke und die Zeit zu haben zur Verfügung, die sie zwecks sein müssen für, Sie zu arbeiten zu halten. Helfen Sie bitte denen, die ein Teil der Mannschaft sind, das ihnen auf einer täglichen Grundlage helfen.

Geben Sie ihnen die Stärke bitte, um jedem von ihnen das geistige Verständnis für die Arbeit fortzusetzen und zu geben, daß Sie sie tun wünschen.

Helfen Sie bitte jedem von ihnen, Furcht nicht zu haben und daran zu erinnern, daß Sie der Gott sind, der Gebet beantwortet und der verantwortlich für alles ist.

Ich bete, daß Sie sie anregen würden und daß Sie sie schützen und die Arbeit u. das Ministerium, daß sie innen engagiert werden. Ich bete, daß Sie sie vor den geistigen Kräften schützen würden, die sie schädigen oder sie verlangsamen könnten.

Helfen Sie mir bitte,

wenn ich dieses neue Testament benutze, um an sie auch zu denken, damit ich für sie beten kann und also sie fortfahren können, mehr Leuten zu helfen Ich bete, daß Sie mir eine Liebe Ihres heiligen Wortes geben würden und daß Sie mir geistige Klugheit und Einsicht, um Sie besser zu kennen geben würden und die Zeiten zu verstehen, daß wir innen sind und wie man die Schwierigkeiten beschäftigt, daß ich mit jedem Tag konfrontiert werde. Lieber Gott, helfen mir Sie besser kennen und zu wünschen anderen Christen in meinem Bereich und um die Welt helfen wünschen.

Ich bete, daß Sie die Ebook Mannschaft und die, die auf der Web site arbeiten und die geben würden, die ihnen Ihre Klugheit helfen. Ich bete, daß Sie den einzelnen Mitgliedern ihrer Familie (und meiner Familie) helfen würden nicht Angelegenheiten betrogen zu werden, aber, Sie zu verstehen und Sie in jeder Weise annehmen und folgen zu wünschen. und ich bitte Sie, diese Sachen im Namen Jesus zu tun, amen,

(warum wir, übersetzen dieses in viele Sprachen? Weil wir so viel Gebet benötigen, wie möglich und da viele Leute so, die häufig für uns und dieses Ministerium beten, wie möglich. Danke für Ihre Hilfe. Gebet ist eine der besten Weisen, daß Sie uns am meisten helfen können).

Dear Lord,

Thank you that this New Testament has been released so that we are able to learn more about you. Please help accurate versions to have wide circulation. Please help us obtain copies of the accurate Greek New Testament.

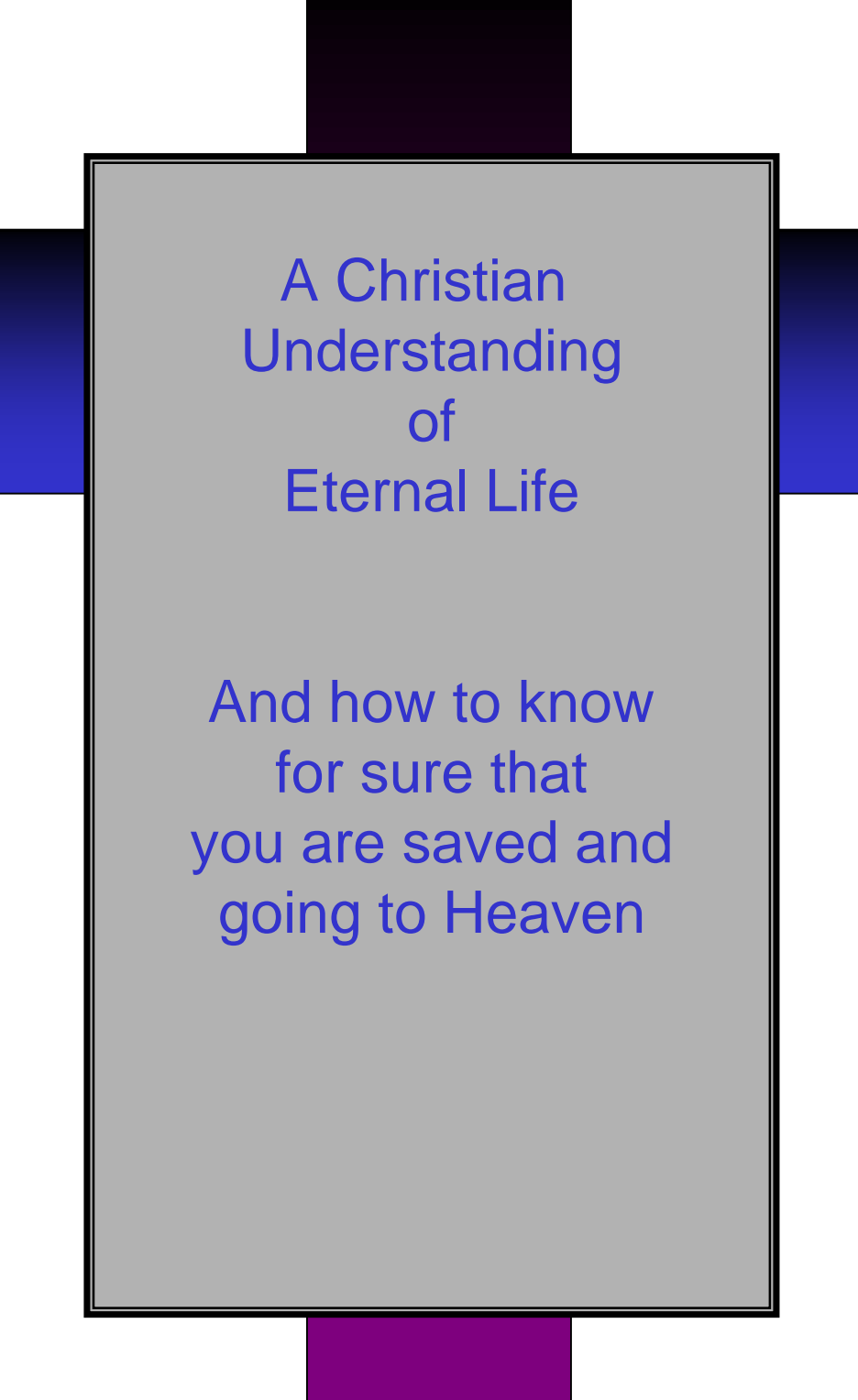
Please help the people responsible for making this Ebook available.

Please help them to be able to work well, and make more Ebooks and information available. Please help them to have all the resources, the funds, the friends, the strength and the time that they need and want so that they are able to keep working for You. Please help me to remember to pray for them so this will help other believers.

Please help their family members to not be deceived. Please help their families to truly turn to the real Jesus and to follow Him and understand His divine perspective. Please help those family members to understand the importance of spiritual priorities instead of the false god of money.

I pray that you would encourage those working on Ebooks, and that you protect them, and the work & ministry that they are engaged in. I pray that you would protect them from the Spiritual Forces or anything else that could harm them or slow them down. Please protect their right and ability to distribute the Ebooks.

I pray that you would give them your wisdom and great discernment. I ask you to do all these things in the name of Jesus, Amen,



A Christian
Understanding
of
Eternal Life

And how to know
for sure that
you are saved and
going to Heaven

Saved - How To become a Christian how to be saved

**A Christian is someone
who believes the
following**

*Steps to Take in order to become a
true Christian, to be Saved & Have a
real relationship & genuine
experience with the real God*

**Read, understand, accept and
believe the following verses from
the Bible:**

**1. All men are sinners and fall short
of God's perfect standard**

Romans 3: 23 states that

For all have sinned, and come short of
the glory of God;

2. Sin - which is imperfection in our lives - denies us eternal life with God. But God sent his son Jesus Christ as a gift to give us freely Eternal Life by believing on Jesus Christ.

Romans 6: 23 states

For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through Jesus Christ our Lord.

3. You can be saved, and you are saved by Faith in Jesus Christ. You cannot be saved by your good works, because they are not "good enough". But God's good work of sending Jesus Christ to save us, and our response of believing - of having faith - in Jesus Christ, that is what saves each of us.

Ephesians 2: 8-9 states

8 For by grace are ye saved through faith; and that not of yourselves: it is the gift of God:

9 Not of works, lest any man should boast.

4. God did not wait for us to become perfect in order to accept or unconditionally love us. He sent Jesus Christ to save us, even though we are sinners. So Jesus Christ died to save us from our sins, and to save us from eternal separation from God.

Romans 5:8 states

But God commendeth his love toward us, in that, while we were yet sinners, Christ died for us.

5. God loved the world so much that He sent his one and only Son to die, so that by believing in Jesus Christ, we obtain Eternal Life.

John 3: 16 states

For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.

6. If you believe in Jesus Christ, and in what he did on the Cross for us, by dying there for us, you know for a

**fact that you have been given
Eternal Life.**

I John 5: 13 states

These things have I written unto you that believe on the name of the Son of God; that ye may know that ye have eternal life, and that ye may believe on the name of the Son of God.

7. If you confess your sins to God, he hears you take this step, and you can know for sure that He does hear you, and his response to you is to forgive you of those sins, so that they are not remembered against you, and not attributed to you ever again.

I John 1: 9 states

If we confess our sins, he is faithful and just to forgive us our sins, and to cleanse us from all unrighteousness.

If you believe these verses, or want to believe these verses, pray the following:

" Lord Jesus, I need you. Thank you for dying on the cross for my sins. I open the door of my life and ask you

to save me from my sins and give me eternal life. Thank you for forgiving me of my sins and giving me eternal life. I receive you as my Savior and Lord. Please take control of the throne of my life. Make me the kind of person you want me to be. Help me to understand you, and to know you and to learn how to follow you. Free me from all of the things in my life that prevent me from following you. In the name of the one and only and true Jesus Christ I ask all these things now, Amen".

Does this prayer express your desire to know God and to want to know His love ? If you are sincere in praying this prayer, Jesus Christ comes into your heart and your life, just as He said he would.

It often takes courage to decide to become a Christian. It is the right decision to make, but It is difficult to fight against part of ourselves that wants to hang on, or to find against that part of our selves that has trouble changing. The good news is

that you do not need to change yourself. Just Cry out to God, pray and he will begin to change you. God does not expect you to become perfect before you come to Him. Not at all...this is why He sent Jesus...so that we would not have to become perfect before being able to know God.

**Steps to take once you have asked
Jesus to come into your life**

Find the following passages in the Bible and begin to read them:

- 1. Read Psalm 23 (in the middle of the Old Testament - the 1st half of the Bible)**
- 2. Read Psalm 91**
- 3. Read the Books in the New Testament (in the Bible) of John, Romans & I John**
- 4. Tell someone of your prayer and your seeking God. Share that with someone close to you.**
- 5. Obtain some of the books on the list of books, and begin to read**

them, so that you can understand more about God and how He works.

6. Pray, that is - just talk to and with God, thank Him for saving you, and tell him your

fears and concerns, and ask him for help and guidance.

7. email or tell someone about the great decision you have made today !!!

Does the "*being saved*" process only work for those who believe ?

For the person who is not yet saved, their understanding of **1) their state of sin and 2) God's personal love and care for them, and His desire and ability to save them....is what enables anyone to become saved.**

So yes, the "being saved" process works only for those

who believe in Jesus Christ and Him only, and place their faith in Him and in His work done on the Cross.

[...and if so , then how does believing save a person?](#)

Believing saves a person because of what it allows God to do in the Heart and Soul of that person.

But it is not simply the fact of a "belief". The issue is not having "belief" but rather what we have a belief about.

IF a person believes in **Salvation by Faith Alone in Jesus Christ** (ask us by email if this is not clear), then **That belief** saves them. Why ?
because they are magical ?
No, because of the sovereignty of God, *because of what God does to them, when they ask him into their heart & life.* When a person decides to place their faith in Jesus Christ and **ask Him** to forgive them of

their sins and invite Jesus Christ into their life & heart, **this** is what saves them – *because of what God does for them at that moment in time.*

At that moment in time when they sincerely believe and ask God to save them (as described above), God takes the life of that person, and in accordance with the will of that human, having requested God to save them from their sins through Jesus Christ – God takes that person's life and sins [all sins past, present and future], and allocates them to the category: of "*one of those people who Accepted the Free Gift of Eternal Salvation that God offers*".

From that point forward, their sins are no longer counted against them, because that is an account that is paid by the shed blood of Jesus Christ. And there is no person that could ever sin so much, that God's love would not be good enough for them, or that would somehow not be able to be covered by the penalty of

death that Jesus Christ paid the price for. (otherwise, sin would be more powerful than Jesus Christ – which is not true).

Sometimes, People have trouble believing in Jesus Christ because of two extremes:

First the extreme that they are *not* sinners (usually, this means that a person has not committed a "serious" sin, such as "murder", but God says that **all sins separates us from God**, even supposedly-small sins. We – as humans – tend to evaluate sin into more serious and less serious categories, because we do not understand just how serious "small" sin is).

Since we are all sinners, we all have a need for God, in order to have eternal salvation.

Second the extreme that they are *not good enough* for Jesus Christ to save them. This is basically done by those who reject the Free offer of Salvation by Christ Jesus because those people are -literally – **unwilling**

to believe. After death, they will believe, but they can only chose Eternal Life BEFORE they die. The fact is that all of us, are not good enough for Jesus Christ to save them. That is why Paul wrote in the Bible "**For all have sinned, and come short of the glory of God**" (Romans 3:23).

Thankfully, that is not the end of the story, because he also wrote " **For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.**"(Romans 6: 23)

That Free offer of salvation is clarified in the following passage:

John 3: 16 For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.
17 For God sent not his Son into the world to condemn the world; but that the world through him might be saved.

Prayers that count

The prayers that God hears

We don't make the rules any more than you do. We just want to help others know how to reach God, and know that God cares about them personally.

The only prayers that make it to Heaven where God dwells are those prayers that are prayed directly to Him "through Jesus Christ" or "*in the name of Jesus Christ*".

God hears our prayers because we obey the method that God has established for us to be able to reach him. If we want Him to hear us, then we must use the methods that He has given us to communicate with Him.

And he explains - in the New Testament - what that method is: talking to God (praying) in accordance with God's will - and coming to Him in the name of Jesus Christ. Here are some examples of that from the New Testament:

(Acts 3:6) Then Peter said, Silver and gold have I none; but such as I have give I thee: In the name of Jesus Christ of Nazareth rise up and walk.

(Acts 16:18) And this did she many days. But Paul, being grieved, turned and said to the spirit, I command thee in the name of Jesus Christ to come out of her. And he came out the same hour.

(Acts 9:27) But Barnabas took him, and brought *him* to the apostles, and declared unto them how he had seen the Lord in the way, and that he had spoken to him, and how he had preached boldly at Damascus in the name of Jesus.

(2 Cor 3:4) And such trust have we through Christ to God-ward: (i.e. toward God)

(Gal 4:7) Wherefore thou art no more a servant, but a son; and if a son, then an heir of God through Christ.

(Eph 2:7) That in the ages to come he might show the exceeding [spiritual] riches of his grace in *his* kindness toward us through Christ Jesus.

(Phil 4:7) And the peace of God, which passeth all understanding, shall keep your hearts and minds through Christ Jesus.

(Acts 4:2) Being grieved that they taught the people, and preached through Jesus the resurrection from the dead.

(Rom 1:8) First, I thank my God through Jesus Christ for you all, that your faith is spoken of throughout the whole world.

(Rom 6:11) Likewise reckon ye also yourselves to be dead indeed unto sin,

but alive unto God through Jesus Christ our Lord.

(Rom 6:23) For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord.

(Rom 15:17) I have therefore whereof I may glory through Jesus Christ in those things which pertain to God.

(Rom 16:27) To God only wise, *be* glory through Jesus Christ for ever. Amen.

(1 Pet 4:11) ...if any man minister, *let him do it* as of the ability which God giveth: that God in all things may be glorified through Jesus Christ, to whom be praise and dominion for ever and ever. Amen.

(Gal 3:14) That the blessing of Abraham might come on the Gentiles through Jesus Christ; that we might receive the promise of the [Holy] Spirit through faith.

(Titus 3:6) Which he shed on us abundantly through Jesus Christ our Saviour;

(Heb 13:21) Make you perfect in every good work to do his will, working in you that which is wellpleasing in his sight, through Jesus Christ; to whom *be* glory for ever and ever. Amen.

Anyone who has questions is encouraged to contact us by email, with the address that is posted on our website.

Note for Foreign Language and International Readers & Users

Foreign Language Versions of the Introduction and Postscript/Afterword will be included (hopefully) in future editions.

VERSIONS based upon
the Textus Receptus are
the accurate versions

Please Note:

CHECK THE GREEK
TEXT TO BE SURE

It is not that this New Testament Book is 100% perfect.
It may not be, though it is pretty accurate.

This is one of the few versions available in
the Mandarin Chinese Language (Older Traditional)
that is based upon the accurate Ancient Greek Text.

The Printing is from 1885, but the Translation of
this edition is actually from 1880 which means
it was produced prior to the Revised Version
and the Collation of Westcott & Hort.

It is true that there were problems with versions
in Chinese Language PRIOR to Westcott and Hort,
ever since the work of Griesbach who was incompetent.

Accurate Versions of the N.T. should always conform
to the Greek N.T. called the Textus Receptus, which is
the standard historic Koine Greek Text of the
New Testament. (the work of John w Burgon. Carston Thiede
or C.D.Ginsburg in the 1800s demonstrate this over and over)

The Textus Receptus is available online
Under "Textus Receptus". There are 2
or 3 usual versions of the T.R. :

1. The original 1550/51 Version of the
Textus Receptus by Stephens / Stephanos / Estienne
2. The version of the T.R. by Cura P. Wilson 1833
and
3. The Textus Receptus in Koine Greek by
Scrivener, the edition of 1860.

Permission to re-post, use, transmit, or print online GRANTED

Isaiah 40:31

31 But they that wait upon the LORD shall renew their strength;
they shall mount up with wings as eagles;
they shall run, and not be weary; and they shall walk, and not faint.

I Thessalonians 4: 13_-5:6

13 But I would not have you to be ignorant, brethren, concerning them which are asleep, that ye sorrow not, even as others which have no hope.

14 For if we believe that Jesus died and rose again, even so them also which sleep in Jesus will God bring with him.

15 For this we say unto you by the word of the Lord, that we which are alive and remain unto the coming of the Lord shall not prevent them which are asleep.

16 For the Lord himself shall descend from heaven with a shout, with the voice of the archangel, and with the trump of God: and the dead in Christ shall rise first:

17 Then we which are alive and remain shall be caught up together with them in the clouds, to meet the Lord in the air: and so shall we ever be with the Lord.

18 Wherefore comfort one another with these words. 5:1 But of the times and the seasons, brethren, ye have no need that I write unto you. 2 For yourselves know perfectly that the day of the Lord

so cometh as a thief in the night. 3 For when they shall say, Peace and safety; then sudden destruction cometh upon them, as travail upon a woman with child; and they shall not escape.

4 But ye, brethren, are not in darkness, that that day should overtake you as a thief.

5 Ye are all the children of light, and the children of the day: we are not of the night, nor of darkness. 6 Therefore let us not sleep, as do others; but let us watch and be sober.

Matthew 25:1-13

25:1 Then shall the kingdom of heaven be likened unto ten virgins, which took their lamps, and went forth to meet the bridegroom.

2 And five of them were wise, and five were foolish.

3 They that were foolish took their lamps, and took no oil with them:

4 But the wise took oil in their vessels with their lamps.

5 While the bridegroom tarried, they all slumbered and slept.

6 And at midnight there was a cry made,

Behold, the bridegroom cometh; go ye out to meet him.

7 Then all those virgins arose, and trimmed their lamps.

8 And the foolish said unto the wise,

Give us of your oil; for our lamps are gone out.

9 But the wise answered, saying, Not so; lest there be not enough for us and you: but go ye rather to them that sell, and buy for yourselves.

10 And while they went to buy, the bridegroom came; and they that were ready went in with him to the marriage: and the door was shut.

11 Afterward came also the other virgins, saying, Lord, Lord, open to us.

12 But he answered and said, Verily I say unto you, I know you not.

13 Watch therefore, for ye know neither the day nor the hour wherein the Son of man cometh.

**NOTE: This New Testament in
PERSIAN (IRANIAN - FARSI) of HENRY
MARTYN 1837** is [exists] in Nine [9] Parts.
All are available online **Persian New Testament
Edition of HENRY MARTYN 1837**

-
Please Note:

**Permission for YOU to Print, use, Post online, store,
use, distribute personally or in file sharing systems,
online or otherwise, is hereby granted**

**Permission to Post and Repost on your website
is granted.**

**Note: Do not always depend on
large “storage” websites. Do not depend on websites
in the west. Sometimes large websites are affected
and then no longer work. For your convenience
and easy access, Please keep copies of this
somewhere safe or on other servers**

Some bulletin boards sometimes have storage
space available.

Téléchargement = Free = No Cost
Télécharger - Gratuit

Please continue to pray for your protection, and
for our protection in all ways and at all times.
Thanks.

**NOTE: This New Testament in
PERSIAN (IRANIAN - FARSI)
of HENRY MARTYN 1837**

is [exists] in Nine [9]

Parts:

Part 1

Part 2

Part 3

Part 4

Part 5

Part 6

Part 7

Part 8

Part 9

All are available online
Persian New Testament
Edition of **HENRY MARTYN**
1837

Téléchargement
Free = No Cost
Télécharger - Gratuit

A TRUE GOD IS NOT AFRAID OF QUESTIONS.
THERE MAY BE QUESTIONS YOU CANNOT ANSWER
THERE ARE NO QUESTIONS THAT GOD CANNOT ANSWER,
IF HE WANTS. **GOD IS BIG ENOUGH.** ANY REAL GOD
IS ABLE TO UNDERSTAND THE CURIOSITY AND DESIRE
THAT ANYONE WHO WORSHIPS HIM WOULD WANT TO KNOW.
DO NOT BE AFRAID OF QUESTIONS...IF YOUR GOD IS TRULY GOD

FOR ADDITIONAL INFORMATION - FOR THOSE WHO HAVE
EITHER CURIOSITY or COURAGE - For Your Consideration:

The case for Christ by Strobel / Who moved the stone by Morison
Books by Henry Rawlinson / Books by George Rawlinson
The Two Babylons by Hislop
Books by Archibald Sayce (A.H.) Sayce

The Canon (Cannon) of the Old and New Testaments by A. Alexander
The [Idolatry of] the Worship of Mary by J. Endell Tyler
Books by George STANLEY Faber
Revelation by Clarence Larkin

Tract on Christianity and Mohammed by Henry Martin (1824)
Works written by Imad-ud-din, of Umritsur

TAHQY UL IMAN (Inquiry of Faith). 1866. On Evidences of Christianity
written by Maulvi Ahmad Ullah

WAQIAT I IMADIYA (Autobiography of Imad-ud-din by himself). 1866

ILTIFAQI MUBAHISA (Account of a verbal Controversy). 1867

Original Sources of the Coran / Koran by Muir

Books in French (Auteurs Français) = Alain Choquier , Ralph Shallis,
Felix Neff, Alexis Muston, T. de Beze, Editions Le Phare,

Accurate Edition: (Texte Reçu) of the New Testament in Greek (Grec) =
Nouveau Testament Grec de Robert Estienne (1550/151)
[Estienne is sometimes also called Stephens or Stephanos]

Please note the standard information that the last book of the New
Testament (called the Book of Revelation) must be read WITH
the Old Testament book of DANIEL in order to be fully understood.

كتاب
العهد الجديد لربنا ومخلصنا يسوع
المسيح

قد تُرجم حديثاً من اللغة اليونانية

اسماء اسفار العهد الجديد وعدد اصحاحاتها

٦	.	.	.	١ تيموثاوس	٢٨	.	.	اصحاحات	انجيل متى
٤	.	.	.	٢ تيموثاوس	١٦	.	.	"	انجيل مرقس
٢	.	.	.	٢٤ تيطس	٢٤	.	.	"	انجيل لوقا
١	.	.	.	٢١ فليمون	٢١	.	.	"	انجيل يوحنا
١٢	.	.	.	٢٨ العبرانيين	٢٨	.	.	"	اعمال الرسل
٥	.	.	.	١٦ يعقوب	١٦	.	.	"	رومية
٥	.	.	.	١ بطرس	١٦	.	.	"	١ كورنثوس
٢	.	.	.	٢ بطرس	١٣	.	.	"	٢ كورنثوس
٥	.	.	.	١ يوحنا	٦	.	.	"	غلاطية
١	.	.	.	٢ يوحنا	٦	.	.	"	افسس
١	.	.	.	٢ يوحنا	٤	.	.	"	فيلبي
١	.	.	.	يهوذا	٤	.	.	"	كولوسي
٢٢	.	.	.	٥ رؤيا يوحنا	٥	.	.	"	١ تسالونيكي
	.	.	.	٢ وجميعها سبعة وعشرون سفرًا	٢	.	.	"	٢ تسالونيكي